



آثار تربیتی اعتقاد به

مهلا و پیت

آثار تربیتے اعتقاد به مهدویت

نجمه نجم

سرشناسه	: نجم، نجمه، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت / نجمه نجم.
مشخصات نشر	: قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۰۷-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: مهدویت -- انتظار
موضوع	: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- غیبت
موضوع	: Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation
موضوع	: Mahdism -- *Waiting
موضوع	: مهدویت -- انتظار -- آینده‌نگری
موضوع	: Mahdism -- *Waiting -- Forescating
موضوع	: مهدویت -- انتظار -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: -- *Waiting Mahdism -- Social aspects
موضوع	: اسلام و آموزش و پرورش
موضوع	: Islamic education
شناسه افزوده	: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۲۱۳/۲۲۴/۴BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۴۰۷۸۶



حوزه علمیه قم
مرکز تخصصی مهدویت

آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت

- مؤلف: نجمه نجم
- ویراستار: زهرا رضاییان
- ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
- صفحه‌آرا: رضا فریدی
- طراح جلد: عباس فریدی
- نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۶
- مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۰۷-۳
- شمارگان: هزار نسخه
- قیمت: ۸۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه امار (۲۲)/ بن بست شهید علیان، پ ۲۴ /
ص:پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ /تلفن: ۳۷۸۴۱۴۴۰ /۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۳) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰-۰۲۵

- www.mahdir۱۳.ir
- entesharatmarkaz@chmail.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه.....	۸
فصل اول . مفاهیم و مقدمات	۱۱
گفتار اول: مفهوم تربیت.....	۱۲
الف) تعریف تربیت.....	۱۲
ب) اهداف و ابعاد تربیت در فرهنگ اسلامی	۱۴
ج) شیوه‌های تربیت در فرهنگ اسلامی.....	۱۸
گفتار دوم: مفهوم مهدویت	۲۲
الف) مهدویت و اعتقاد به آن.....	۲۲
ب) اعتقاد به مهدویت و آثار آن.....	۲۵
گفتار سوم: مهدویت و تربیت.....	۲۶
الف) مهدویت و برنامه کلان تربیتی الهی.....	۲۶
ب) مهدویت و مراد از آن در عرصه تربیتی.....	۲۹
گفتار چهارم: شاخص‌های تربیتی اعتقاد به مهدویت.....	۳۰
الف) محور شناختی (انتظار، معرفت و نگرش امیدوارانه).....	۳۲
ب) محور عاطفی (انتظار، محبت و شوق).....	۳۴
ج) محور رفتاری (انتظار، آمادگی و خودسازی).....	۳۶
د) محور جنبشی (انتظار، قیام و اصلاح).....	۳۸
فصل دوم . آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره پیش از غیبت	۴۳
گفتار اول: راهکار بیان شرایط و نشانه‌های ظهور و آثار آن.....	۴۴
گفتار دوم: زمینه‌سازی خدا و انبیا <small>علیهم‌السلام</small> در تربیت مهدوی و آثار آن.....	۴۷
گفتار سوم: اقدامات اساسی ائمه <small>علیهم‌السلام</small> در راستای تربیت مهدوی و آثار آن.....	۵۱
الف) سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> در آماده‌سازی جامعه برای عصر غیبت، انتظار و ظهور.....	۵۲
ب) شیوه‌های امامان <small>علیهم‌السلام</small> برای ترویج فرهنگ مهدویت و جامعه‌پذیرسازی آن.....	۵۸

گفتار چهارم: آثار تربیتی آموزه‌های مهدوی در این عصر به همراه نقل برخی شواهد تاریخی. ۶۱

فصل سوم . آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره غیبت صغری ۶۹

گفتار اول: آثار تربیتی سازمان رهبری و نهاد وکالت در تربیت افراد ۷۱

الف) سازمان رهبری ۷۱

ب) نهاد وکالت ۷۴

گفتار دوم: آثار تربیتی توقیع و مکاتبه ۷۶

گفتار سوم: آثار تربیتی حضور علما و پرورش شیعیان ۷۹

فصل چهارم . آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره غیبت کبری ۸۵

گفتار اول: فایده امام غائب و چگونگی بهره‌مندی از او ۸۶

گفتار دوم: آثار تربیتی توصیه برای تمسک به سیره و سنت اهل بیت علیهم السلام و سخنان حضرت

مهدی علیه السلام ۸۹

گفتار سوم: آثار تربیتی جایگزینی فقها، علما و نواب عام ۹۲

گفتار چهارم: آثار تربیتی ملاقات با برخی علما ۹۴

گفتار پنجم: مروری بر شواهد تاریخی آثار تربیتی عقیده به مهدویت ۹۵

الف) انتظار همراه با صبر و امید ۹۶

ب) نقش انتظار و امید، در شکل‌گیری جنبش‌های مردمی ۹۹

ج) شواهد تاریخی تأثیر نواب عام و مرجعیت، در تربیت مهدوی ۱۰۴

د) شواهدی بر آثار راهکار تربیتی حضرت، مبنی بر ملاقات با خواص ۱۰۹

هـ) شواهد اعتقاد شعرا به مهدویت ۱۱۲

و) آثار اعتقاد به مهدویت در فرقه نعمت‌اللہی ۱۱۴

ز) آثار اعتقاد به مهدویت در انتخاب نام مهدی ۱۱۵

فصل پنجم . تربیت در عصر ظهور و آثار آن ۱۱۷

گفتار اول: آثار تربیتی حکومت دینی - سیاسی حضرت مهدی علیه السلام ۱۱۸

گفتار دوم: آثار تربیتی بهره‌گیری از پرورش‌یافتگان مکتب انتظار ۱۲۰

گفتار سوم: آثار تربیتی برنامه‌های حضرت برای پرورش نیافتگان در مکتب انتظار ۱۲۱

گفتار چهارم: آثار تربیتی حاصل از بیان ویژگی‌ها و برنامه‌های عصر ظهور برای عصر حاضر ۱۲۵

فصل ششم . موانع بروز آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت و راه‌های مقابله با آن

۱۳۳
۱۳۵ گفتار اول: آشنایی با موانع و آسیب‌ها.....
۱۳۵ الف) آسیب‌شناسی در مباحث کلان.....
۱۳۶ ب) آسیب‌شناسی در مفاهیم کلیدی.....
۱۳۷ ج) آسیب‌شناسی در سطح خواص و مریبان جامعه.....
۱۳۸ د) آسیب‌شناسی در حوزه اجتماعی.....
۱۴۱ گفتار دوم: مقابله با موانع و آسیب‌ها.....
۱۴۳ گفتار سوم: راهکارهایی برای الگوسازی صحیح در موضوع تربیت مهدوی.....
۱۴۸ نتیجه‌گیری.....
۱۵۶ منابع.....

مقدمه

از جمله اعتقادات بنیادین مذهبی که از منزلت خاصی در تفکر اسلامی برخوردار است، اعتقاد به مهدویت است. مهدی باوری در نزد مسلمانان و نیز اعتقاد به منجی در همه ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی، مقبول و مورد عنایت است؛ اما مکتب شیعه به عنوان مکتبی که منجی موعود را از خود، و خود را منسوب به او می‌داند، تنها زمانی خواهد توانست دیگران را به موعود خود دعوت، و افکار و اصول او را ترویج کند و در جذب دیگران موفق باشد که معقول‌ترین و جامع‌ترین تصویر ممکن را از آن مرد الهی ارائه دهد.

در راستای تحقق این هدف، با توجه به آن که بعد تربیتی این منجی موعود و آثار اعتقاد به او، بسیار برجسته و در عین حال اثرگذار است، قصد داریم در این تحقیق با عنوان «آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت»، راهکارها، ساختارها و آموزه‌های مهدوی برای تربیت بشر و آثار تربیتی برگرفته از این اعتقاد به او را بررسی کنیم.

هدف الهی از آفرینش، تربیت و تکامل بشر است؛ در راستای تحقق این مقصود، برنامه جامع و کلان تربیتی برای انسان تنظیم شده که به تعبیر ما یک زنجیره تربیتی با حلقه‌های پیوسته و منظم از ابتدا تاکنون است. آخرین حلقه این زنجیره، «تربیت مهدوی» است که خود دارای یک زنجیره منظم و به هم پیوسته است و قصد ما تحقیق و بررسی در مراحل همین موضوع خواهد بود. بنابراین با تأمل و بررسی دقیق در منابع روایی، عقیدتی و تربیتی و تنظیم شاخص‌های تربیتی عقیده به مهدویت، برای ارزیابی آثار تربیتی این عقیده در هر عصر، ضمن صحبت از راهکارها، آموزه‌های تربیتی مهدوی، روش‌ها و اسلوب‌های تربیتی حضرت مهدی علیه السلام - به عنوان بهترین مربی برای تربیت متریان و منتظران در عصر قبل از ظهور، دوره پیش از غیبت، غیبت صغری و غیبت کبری - آثار

تربیتی آن راهکارها را بر متریان بررسی، و برخی شواهد تاریخی دال بر وجود این آثار در هر عصر را بیان خواهیم کرد.

گام بعدی، ورود در حلقه تربیتی عصر ظهور است که قصد داریم با بیان راهکارها و برنامه‌های تربیتی حضرت و نیز ایجاد تصویری از آینده انسان تربیت‌یافته بر اساس اعتقاد به مهدویت و جامعه او، آثار تربیتی بیان ویژگی‌ها و برنامه‌های عصر ظهور را برای عصر حاضر بررسی کنیم. در نهایت، با توجه به پتانسیل تربیتی اعتقاد به مهدویت و به ویژه قوت اعتقاد شیعی از یک سو، و ظهور و بروز نیافتن آثار این اعتقاد در حد مطلوب در جامعه اسلامی از سوی دیگر، آسیب‌شناسی و بیان چرایی این کمبود را مد نظر قرار می‌دهیم.

متأسفانه برخی عوامل، مانع موفقیت کافی جامعه شیعی، در بروز و ظهور آثار تربیتی برگرفته از عقیده به مهدویت شده و لازم است این امر با توجه به آثار و فواید مهم آن، به شیوه‌ای اصیل و مطابق رهنمودهای دینی احیا گردد و در فرایند تربیتی جامعه استفاده شود؛ چرا که در واقع با تبلور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در انسان، رابطه وی با خدا اصلاح می‌گردد و عبودیت و ایمان تحقق می‌یابد. در تنظیم رابطه انسان با خویشتن، معنویت، عقلانیت و کمال حاصل می‌شود. از طریق اصلاح روابط خود با دیگران، عدالت، امنیت و الفت پدید می‌آید و با تصحیح رابطه انسان با طبیعت، زمینه پیشرفت، توسعه و استفاده مفید از آن آماده می‌گردد. در نتیجه، با رشد ایمان و تعقل افراد و به عبارتی در پی تربیت ایمانی و عقلانی آنان، جامعه‌ای متشکل از منتظران حقیقی و مهدوی به وجود می‌آید.

هدف اصلی این اثر، شناساندن چنین الگویی برای کاربردی کردن مباحث تربیتی مهدوی، جلوه‌گر ساختن آثار تربیتی آن به جهت روشن ساختن قابلیت این اعتقاد برای انسان‌سازی و جامعه‌سازی، ایجاد شوق و رغبت در متریان برای منتظر حقیقی شدن، تأمل در ظرفیت والای این اعتقاد به عنوان نظریه تربیتی، و تأکید بر شناخت دلایل بروز و ظهور نیافتن آثار تربیتی عملی این عقیده متناسب با شأن علمی نظریه است. در این راستا، با ترسیم برنامه تربیتی بلندمدت الهی و تربیتی مهدوی و تبیین زنجیره منظم و به

هم پیوسته آن از پیش از غیبت تا پس از ظهور، می‌کوشیم تصویری جامع از عقیده به مهدویت، تربیت مهدوی و آثار تربیتی برآمده از آن ایجاد کنیم. امید است این اثر، گامی کوچک در تحقق این امر باشد.

در این جا بر خود لازم می‌دانم ضمن سپاس بی‌کران و شکر عظیم به درگاه خدای علیم که توفیق تعلم و تعلیم را نصیبمان کرد، از مسئولان و دست‌اندرکاران مرکز تخصصی مهدویت، پژوهشکده تعلیم و تربیت آموزش و پرورش، مؤسسه انتظار نور و مؤسسه آینده روشن، و از زحمات و راهنمایی‌های جناب آقایان: حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر مهدی مهریزی، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد ابراهیمی‌راد، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر عبدالرضا زاهدی، حجت‌الاسلام و المسلمین مجتبی‌گودرزی، دکتر علیرضا اسعدی و هم‌چنین از مساعدت و پیگیری حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای ملایی مدیر محترم گروه اخلاق و تربیت مرکز تخصصی مهدویت و مسئولان نشر این مرکز، تشکر و سپاسگزاری کنم.

در نهایت، قدردانی خالصانه و صادقانه خود را از زحمات و تلاش‌های مادر بزرگوار و پدر ارجمند - که رحمت خدا بر او باد - و همراهی‌های خواهر فرهیخته‌ام در راه پرورش و علم‌آموزی اینجانب، و عنایت و حمایت همسر فرزانه و فرزندان دلبندم در به ثمر نشستن این اثر، ابراز می‌دارم و برای همه بزرگوارانی که از آنان یاد کردم، توفیق و تأییدات روزافزون الهی را خواستارم.

نجمه نجم

زمستان ۱۳۹۵

فصل اول

مفاهيم و مقدمات

گفتار اول: مفهوم تربیت

الف) تعریف تربیت

واژه «تربیت» از نگاه اهل لغت و دانشمندان، از ریشه «رَبُّوْ»، به معنای زیادت و فزونی و رشد و نمو گرفته شده،^۱ و از نگاه صاحب *لسان العرب*، به معنای رشد و نمو و پرورش دادن است.^۲

برخی معتقدند تربیت به معنای تغذیه طفل به کار می‌رود؛ زیرا این واژه از این ریشه به معنای فراهم کردن زمینه‌های فزونی و پرورش است؛ آیه ۲۴ سوره اسراء شاهد این معناست و آیه ۱۸ سوره شعراء تربیت جسمی را در نظر دارد. گاهی تربیت به معنای تهذیب هم به کار رفته و به معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است.^۳

«تربیت» هم‌چنین می‌تواند از ریشه «رَبَّبَ: رَبَّ» به معنای مالک و مدبر، مربی و قیِّم باشد^۴ و در ضمن، اصلاح‌کننده هر چیز را نیز «رَبَّ» گویند.^۵ راغب اصفهانی نیز این چنین تعبیر کرده است: رَبَّ در اصل به معنای تربیت و پرورش است و عبارت است از: ایجاد

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۴۲۰.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۲۷.

۳. لویس معلوف، المنجد فی اللغة و الأدب و العلوم، ص ۲۴۷.

۴. همان، ص ۲۴۳.

۵. معجم مقاییس اللغة، ص ۳۷۸؛ لسان العرب، ص ۹۶.

کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی و تام و کمال خود برسد.^۱ برخی معتقدند به کار بردن مفاهیم ربوبیت و ربانیت از ریشه «رَبَّ» برای تبیین تربیت اسلامی، از مفهوم تربیت مناسب‌تر است؛ چرا که معنای جامع‌تر که برگرفته از ریشه «رَبَّ» است، ربوبی شدن انسان است. صاحب‌نظران تربیتی معتقدند پایه‌های این معنا، خدا را مالک و مدبر خویش گرفتن و به کار زدن طرح و تدبیر او در زندگی است. زمانی که انسان ملازم رب باشد، متناسب به او می‌شود. ربوبیت، تنها در شأن خداست و باید در راه ربوبی شدن سعی و تلاش نموده و در ضمن آن تطهیر و تزکیه کرد.^۲ برخی از صاحب‌نظران معتقدند آنچه قرآن بر آن تصریح کرده و رهبران دینی برای آن برانگیخته شده‌اند، تزکیه است نه تربیت؛ زیرا هدف، ساختن انسان مطلوب است که تنها از مسیر تزکیه امکان‌پذیر است. بنابراین، آنچه در اسلام مطرح است، تزکیه و تهذیب است؛ ولی به دلیل غلبه کاربرد، همواره واژه تربیت به کار رفته است. با این حال، مراد در همه‌جا معنای تزکیه است.^۳

در معنای اصطلاحی، تعلیم و تربیت دو واژه‌ای است که معمولاً در کنار هم استفاده می‌شود؛ اما در بررسی و کاوش درباره معنای این دو واژه، دیده می‌شود که برخی صاحب‌نظران در این موضوع، تعلیم و تربیت را در کنار هم معنا می‌کنند و برخی با تأمل و نکته‌سنجی، پس از تعریف تربیت، تعلیم را معنا کرده و معتقدند: تعلیم نیز نوعی تربیت است و علم از جمله کمالاتی است که در تربیت، به پرورش و رشد آن می‌پردازیم.^۴ طبق ریشه اول، تعلیم و تربیت، یعنی: «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهای مختلف شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌ای سنجیده شده».^۵

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۳۶.

۲. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۴۵.

۳. سید احمد احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۲۳-۲۲.

۴. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۱۵.

۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۳۶۶.

طبق ریشه دوم، پژوهشگران با توجه به تعاریف مختلف تربیت، بهترین تعریف آن را این گونه بیان می‌کنند:

«فراهم کردن زمینه مناسب، انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم برای پرورش یافتن استعداد های جسمانی و روانی انسان مورد تربیت در تمام ابعاد وجودی و هماهنگ ساختن و هدایت آن در جهت هدف و کمال مطلوب که به طور تدریجی صورت می‌گیرد».^۱

در بیانی دیگر، تربیت یعنی: «رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن که استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود».^۲

به هر ترتیب، با توجه به موارد بیان شده و جدا از استفاده از واژه اصیل «تزکیه» در بیان قرآن یا واژه شهیر «تربیت» به دلیل غلبه کاربرد در علوم تربیتی، معنای تربیت و تزکیه برای رسیدن به یک هدف بیان شده است و دانشمندان علوم تربیتی برای تبیین تربیت در اسلام، از اصل تزکیه هم بهره گرفته‌اند.

بدین ترتیب، می‌توان «تربیت اسلامی» را علم آماده‌سازی انسان مسلمان برای زندگی دنیا و آخرت دانست؛ با این توضیح که آماده کردن کامل انسان و تربیت بهداشتی، عقلانی، علمی، عقیدتی، ایمانی، اخلاقی، اجتماعی، ارادی و نوآوری او در همه مراحل رشد، در پرتو مبانی و ارزش‌ها و روش‌ها و شیوه‌های تربیتی اسلام، صورت می‌گیرد^۳ و بدین شکل انسانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی تربیت می‌شود.

ب) اهداف و ابعاد تربیت در فرهنگ اسلامی

هدف اصلی ادیان الهی، تعلیم و تربیت بشر، به معنای تهذیب نفس و تعدیل تمایلات و غرایز، و بالا بردن روح و عقل بشر تا عالی‌ترین سطح کمال است؛ از این‌رو دین، افکار و

۱. اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۴.

۲. مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۲۴.

۳. حسن فتحی ملکاوی، گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ترجمه: غلامرضا متقی فر و اسدالله طوسی، ص ۷۳.

عقول و احساس مردم را راهبری کرده، انسان را متوجه عوالم روحی و معنوی می‌سازد. علما معتقدند دین به انسان می‌فهماند که بشر، موجودی زوال‌ناپذیر است و کاربرد جسم و بدن، فقط به منظور تجلیات ظاهری و فعالیت‌های مادی، آن هم به طور موقت و موسمی است؛ اما انسان، نیازهای لطیف‌تری نیز دارد که روحانی و عقلانی هستند و برای رشد آن‌ها، به انبیا و راهبری آنان نیازمند است.

موضوع‌های عقلی و روحی، بیش از هر چیز موجب بهجت انسان می‌شود و همواره از این موارد، احساس نشاط و رضایت می‌کند. به دست آوردن این نشاط، در گرو وجود مربی تربیت‌یافته در مکتب الهی است که با برنامه صحیح تربیتی، متربیان خود را تربیت کند. دین، نیرومندترین عامل و انگیزه‌ای است که می‌خواهد بشر را معتقد به اصول و پای‌بند به موازین آن تربیت کند. پس هدف دین، تربیت افراد متدین، دارای وجدانی زنده و درونی بیدار و اثرپذیر است که مربیان آن‌ها، همان انبیا و اولیا هستند.^۱

با توجه به ابعاد گسترده تربیت در دین اسلام، صاحب‌نظران علوم تربیتی، اهداف بسیاری را از دیدگاه‌های مختلف برای تربیت بیان کرده‌اند^۲ که در نهایت، همه موارد به هدف نهایی تکامل انسان ختم می‌شوند؛ اما با توجه به اینکه برخی، نقطه آغاز هدف‌های تربیتی را فرهنگ اسلامی می‌دانند، سخن درباره مشخصات و ویژگی‌هایی است که این فرهنگ را از دیگر فرهنگ‌ها جدا می‌سازد و این که چگونه می‌توان به این فرهنگ دست یافت و با شناخت کامل از ویژگی‌های اصیل فرهنگی اسلام، در این بعد، هدف‌های تربیتی را تبیین کرد؟

در فرهنگ اسلامی، خدا جز عدل و احسان، تکلیفی بر مردم قرار نداده است؛ با توجه به این نکته می‌توان هدف‌های تربیتی را بر اساس نوع روابط انسان تعیین کرد:

– اهداف تربیتی در فرهنگ اسلامی در زمینه ارتباط انسان با خدا: معرفت خدا، ایمان به

۱. اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۳.

۲. برای آشنایی با نظرهای مختلف، رک: سیری در تربیت اسلامی، ص ۷۳؛ محمدتقی جعفری، حیات معقول، ص ۱۰۳؛ سیدمهدی میرهادی، «اهداف تربیت»، ماهنامه پژوهشی وزارت آموزش و پرورش (تربیت)، ص ۲۲؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۵۳.

خدا و اطاعت از حضرت حق و کسب آرامش، تقوا از طریق روشن‌بینی و احاطه بر روند حرکت زندگی و موفقیت در برابر مشکلات و حفظ نفس از عصیان، عبادت در جهت تقویت اطاعت و دوری از گناه، شکرگزاری، دستیابی به عدالت اجتماعی و کسب مقام رضا و تسلیم و توکل.

- اهداف تربیتی در فرهنگ اسلامی در زمینه ارتباط با خود: این اهداف را در دو بعد می‌توان مطرح کرد؛ ابعاد مختص انسانی و ابعاد مختص حیوانی. حیطه بحث ما، ابعاد مختص انسانی است و در سه هدف طرح می‌شود:

اهداف شناختی: شامل پرورش عقل و روش‌های آن، فراگیری علوم و معارف، تعالی اندیشه، و خودشناسی که مقدمه‌ای برای خداشناسی است.

اهداف گرایشی: پرورش ایمان در قالب پرورش حس حقیقت‌جویی، حس خداجویی، فضیلت‌جویی، گرایش به جاودانگی و کمال‌جویی.

و اهدافی که در جهت تقویت اراده، در نهایت تزکیه و خودسازی فرد را شامل می‌شود.
- اهداف تربیتی در فرهنگ اسلامی در زمینه ارتباط انسان با انسان: رعایت حقوق افراد و ارتباط سالم با آنان، دستیابی به عدالت اجتماعی و حس اتحاد و برادری.

- اهداف تربیتی در فرهنگ اسلامی در زمینه ارتباط انسان با طبیعت: تفکر و دقت در آفرینش و شناخت آیات الهی و بهره‌برداری صحیح از آن‌ها در جهت کمال و اصلاح خود.^۱
در بحث ابعاد تربیت، با توجه به آن که هدف آفرینش، رسیدن به مقامی است که انسان را به خدا پیوند دهد، بشر نیز باید بهترین ابعاد وجود خویش را در خدمت به یکدیگر قرار دهد و محصول خدمات متقابل آن‌ها را در مسیر الی الله به کار گیرد. این ابعاد اساسی وجود انسان را باید از دیدگاه الهی شناسایی کنیم تا ما را به هدف مطلق که رسیدن به رضای الهی است، نزدیک کند.

با توجه به مضمون آیات ۷ تا ۱۰ سوره سجده و بر اساس نظر علما، انسان از سه بعد

۱. محمد حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۰؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، خلاصه کل کتاب.

جسم، عقل و قلب (روح و نفس) شکل گرفته و از آن جا که خداوند حکیم است، این ابعاد و خواسته‌های انسان را بی دلیل نیافریده است. بنابراین در تربیت باید هر سه بعد را در نظر گرفت و آن‌ها را هماهنگ با یکدیگر، پرورش داد.^۱

تربیت جسم و تقویت آن، به عنوان ابزاری که در خدمت عقل و روح قرار می‌گیرد، لازم است. تربیت عقل نیز بُعدی است که راهبر انسان در بندگی خدا و نیرویی مهم در جهت رسیدن به سعادت الهی است^۲ و محدودیت‌های آن، به کمک وحی و معیارهای الهی جبران و ترمیم می‌شود. خداوند از دو ابزار اوصیا و اولیا و عقل، برای هدایت و تربیت انسان بهره می‌گیرد.^۳

اما در باب تربیت روح، مهم آن است که روح طبق آیه ۹ سوره سجده، نفخه الهی است. بنابراین روح را باید از طریق تربیت الهی، از اسارت و قید و بند تمایلات آزاد کرد تا خدا را ببیند. در کنار پرورش ابعاد دیگر، این بعد، هدف اصلی پیامبران در تعلیم و تربیت بوده است. تمام رهنمودهای ادیان، برای رشد ایمان و تنظیم ضوابط رفتاری و راه و رسم مردم با یکدیگر و رابطه آن‌ها با خداست و به همین دلیل، پرورش و تقویت این بعد که مرکز و کانون شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد و نیرویی نامحدود و فناپذیر می‌باشد، ارزشمند است.

از این رو علما معتقدند باید پیوستگی خلل ناپذیری میان روح و خداوند، در تمامی ابعاد زندگی برقرار ساخت تا در قلب انسان، آرامش و سکون دائمی ایجاد شود و قلب با ارتباطش با خدا، روح فرد و جامعه را به راه مستقیم هدایت کند.

پس تربیت ابعاد مختلف وجود انسان به عنوان گذرگاه و معبری در سیر به سوی خودیابی و خدایابی، بسیار مطلوب است و جامعیت تربیت الهی، به دلیل در برداشتن تمام ابعاد وجود اعم از جسم، روح و عقل، به اثبات رسیده و این نوع تربیت، مطابق با فطرت و متکی بر تزکیه و یقین است.^۴

۱. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۰ و ۱۸۰؛ اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۱۸۱ و ۱۸۳؛ همان، ص ۳۸.

۳. علی شریعتمداری، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۲۳۷.

۴. تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۸۸ و ۸۹؛ اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۸.

ج) شیوه‌های تربیت در فرهنگ اسلامی

در توضیح شیوه‌های تربیت، پرداختن به راه‌ها و روش‌های تربیتی و ویژگی‌های مربی که مهم‌ترین رکن در اجرای روش‌هاست، لازم به نظر می‌رسد.

راه‌ها و روش‌ها: با توجه به نگرش درستی که دین درباره انسان، هستی و زندگی ایجاد می‌کند، انسان مؤمن، راه و هدف و برنامه زندگی دنیوی و اخروی خویش را از مریبان خود، یعنی خداوند، انبیا و اوصیای آن‌ها می‌گیرد و با میل و رغبت و آزادانه در مسیر انجام وظیفه حرکت می‌کند و به آینده امیدوار است.

ایمان، یکی از ارزش‌های مهم نفسانی است که پرورش آن باید جزء برنامه مریبان باشد؛ به تعبیری، پرورش ایمان و استفاده از آن، یکی از شیوه‌های مهم تربیتی به‌شمار می‌رود که مریبان باید از آن بهره‌گیرند. وجود انبیا و اولیا در جایگاه مریبان بشر، از جانب رب، دقیقاً به منظور پرورش این امر مهم بوده است.^۱

در مورد عقل نیز یکی از بهترین راه‌ها در تعلیم و تربیت، پرورش و تقویت عقل است؛ چرا که عقل در کنترل و تعدیل غرایز و تمایلات و دعوت به کارهای نیک و تقید به مکارم اخلاق، نقش بزرگی دارد. مشکلات اخلاقی و اجتماعی انسان، بیشتر معلول نادانی و ضعف نیروی عقل است. اگر عقل نیرومند باشد، زمام نفس را در اختیار می‌گیرد و طبق مصالح واقعی، آن را اداره می‌کند و فرد، سعادت‌مند خواهد شد.

بنابراین مریبان الهی وظیفه دارند پرورش عقل را جزء برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند و از این طریق، متری را در صراط مستقیم انسانیت هدایت کنند. به همین دلیل است که اسلام به عقل و پرورش آن، توجه خاص دارد.^۲

پس در یک کلام، شیوه‌های اصلی تربیت در فرهنگ اسلامی، دو راه تربیت ایمانی و تربیت عقلانی است که هر یک با روش‌های خاص^۳ خود، در تربیت انسان الهی نقش

۱. فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۳۸.

۳. برای آشنایی با روش‌های تربیت عقلانی بر اساس آیات و روایات و بحث‌های تربیتی، رک: بقره (۲)؛ آیه ۱۷؛ انفال (۸)؛ آیه ۲۲؛ یونس (۱۰)؛ آیه ۱۰۰؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰، ح ۲۰؛ ابن ابی‌فراس، تنبیه

کلیدی ایفا می‌کنند.

- ویژگی‌های مربی در فرهنگ اسلامی:** مربی، یک رکن اصلی در شیوه تربیتی اسلامی است که ویژگی‌هایی برای او ذکر شده است و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:
- داشتن علم و حکمت عالی و کافی؛ علمی که مبانی اصلی تعقل و تفکر را در بر دارد.
 - در عرصه‌های جسمانی، روانی، عقلانی، ایمانی، عاطفی، اجتماعی و... انسانی تکامل یافته باشد.
 - درباره متربیان احساس پدری و عطوفت و مهربانی داشته باشد.
 - دقت و توانایی کامل در اجرای برنامه‌های تربیت الهی، و نیز قدرت دفاع از حدود الهی را داشته باشد.
 - خودنگهدار، حافظ دین خود، مخالف هوا و هوس خود، و مطیع امر خداوند باشد.
 - از وضعیت و طبیعت متربیان آگاه باشد.
 - متناسب با عقل و ظرفیت متربیان سخن بگوید و به استعدادهای فطری و غرایز آنان توجه کند.
 - کسب رضای خدا، اخلاص در عمل، صبر و بردباری، آراستگی ظاهر و باطن، هیبت و وقار و... از خصوصیات او باشد.^۱
- با توجه به این ویژگی‌ها، برترین مربیان از نگاه دین، انبیا و اوصیا هستند. در این دوران،

....→

الخواطر، ج ۱، ص ۵۲؛ تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۸، باب ثمره؛ امام جعفر صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۵۲ و ۱۵۳، باب مشاوره؛ کراچی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۶۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۳۷ و ص ۱۹۸؛ گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۶ و ۷۷؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۵۹ - ۴۸. برای آشنایی با روش‌های تربیت ایمانی (بر سه محور تربیت عقیدتی، تربیت معنوی و تربیت اخلاقی)، ر.ک: گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۸ و ۸۱ و ۸۳؛ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۹۴، ۱۳۱ - ۱۲۶، ۱۵۸، ۲۱۳، ۲۵۱ - ۲۳۶؛ اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۲۴۰.

۱. النعمانی، الغیبة، ص ۱۹۲ و ۳۰۴؛ سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ترجمه حسن سجادی‌پور، ص ۴۳ و ۴۴.

برترین مربی به تعبیر عام، منجی موعود و به تعبیر شیعی، حضرت مهدی علیه السلام است که رسالت او، تربیت انسان‌هایی مبتنی بر اهداف و ابعاد و روش‌های تربیت دینی در فرهنگ اسلامی است. دلیل ما بر این مطلب، القاب و ویژگی‌های ایشان است که نشان از ضرورت تربیت از جانب حضرت دارد.

با دقت در الفاظ و صفات به‌کاررفته در روایات و ادعیه و زیارات، به چهار حق اصلی حضرت، درباره خودمان آگاه می‌شویم؛ حق پدر بر فرزند، حق آقا و مولا بر بنده، حق معلم بر متعلم، حق امام بر رعیت،^۱ که به برخی از موارد آن اشاره می‌کنیم:

- در دعای سرداب مطهر آمده است که شیعیان از باقی‌مانده گل ما خلق شده‌اند.^۲ در کلام امام رضا علیه السلام نیز واژه «الوالد الشفیق»^۳ مطرح می‌شود و در عبارتی دیگر، «الاب الرحیم»^۴ به کار رفته است. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آمده است: «أنا و علی أبوا هذه الأمة».^۵ هم‌چنین بر این اساس که حضرت مهدی علیه السلام از نظر خلق و خلق نزدیک‌ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند،^۶ در جایگاه پدر امت‌اند. حال نکته آن است که حق پدر بر فرزند چیست؟ حق مادر بر فرزند چیست که حضرت، مهربان‌تر از مادر به فرزند است؟ آیا غیر از آن است که وظیفه اصلی پدر و مادر، تربیت اخلاقی و روحانی فرزند است؟ روشن است حضرت مهدی علیه السلام در جایگاه پدر و مادر ما معرفی شده و حق تربیت و هدایت بر ما دارد.

- در زیارت جامعه، تعبیر «و السادة الولاية»^۷ آمده است که نشان از حق امامت و مولوبت حضرت بر ما دارد. بنابراین ما مأموریم و باید تحت لوای هدایت و تربیت او و اقتدا و

۱. موسوی اصفهانی، مکمال المکارم، ج ۱، ص ۹۷، ۹۹ و ۱۰۰.

۲. عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام در سرداب مطهر، ص ۱۰۱۳.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۲، باب... بعض الأدعية التي لها أسماء معروفة...، ص ۳۸۵.

۵. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۰۵.

۶. بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۳۰۹، ح ۱۴۸؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۱.

۷. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۱۰۶۱.

اطاعت او به رستگاری برسیم.

- حق معلم بر متعلم؛ چرا که صفات و ویژگی‌های حضرت، بر آن دلالت دارد.^۱ او به روش و سیره پیامبر ﷺ حق ربانی و مربی‌گری دارد.

- بر اساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲ و طبق روایات،^۳ حق امامت بر رعیت برای حضرت مهدی ﷺ است.

افزون بر این، القاب حضرت، تأییدکننده حق هدایت و تربیت اوست:

او را اباصالح و ابوعبدالله لقب داده‌اند؛ یعنی پدر بندگان صالح و پدر بندگان خدا.^۴

او را هادی خوانده‌اند؛ یعنی کسی که خود به حقیقت، هدایت یافته و همه راه‌های حق و حقیقت، برای او آشکار شده و به مقاصد رسیده و مستعد هدایت کردن دیگران شده است.

او را مهدی خواندند؛ مقامی که در هدایت خلق برآید و هر کس را به هر راهی که داند و تواند، به حسب استعداد آن فرد، به مقصد الهی برساند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤالی درباره مقام مهدی ﷺ، فرموده است: «مهدی ﷺ مهدی نامیده شده است؛ برای این که مردم را به امری که از آن گمراه شده‌اند، هدایت می‌کند».^۵

در شب معراج، خداوند به پیامبرش فرمود:

به وسیله قائم شما، زمین خود را با تسبیح و تهلیل آباد کنم و آن را از پلیدی دشمنان

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵، ح ۱۴ و ج ۲۴، ص ۱۵۰، ح ۳۴ و ج ۹۰، ص ۲۱ و ج ۹۲، ص ۳۸۵؛ العمانی، الغیبة، ص ۲۱۳، باب ۱۳؛ حسینی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۱۷؛ علی یزدی حائری، الزام الناصب فی اثبات الحجّة الغائب، ج ۱، ص ۷۴ و ۷۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱ و ص ۲۰۱، ح ۱ و ص ۲۱۳، ح ۲ (الراسخون فی العلم)؛ تفسیر امام عسکری علیه السلام (منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام)، ج ۷، ص ۳۴۰؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۶۸؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمّة، ج ۲، ص ۶۸۰.

۲. نساء (۴): آیه ۵۹.

۳. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۰؛ شیخ مفید، الفصول المختارة، ص ۲۵۷؛ ابن حجر هیثمی، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۴۴.

۵. طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۶۱.

پاک سازم و با ظهور او سخنان بی‌دینان را پست، و تعالیم خود را بلند گردانم و با نیروی فرشتگانم مدد برسانم تا فرشتگان، او را در اجرای فرمان من و آشکار کردن دین من یاری دهند و به راستی، او ولیّ من و هدایت‌کننده بندگان من است.^۱

روشن است که بیشتر اسامی و القاب حضرت و صفات ایشان، از جانب خدا و انبیا و اوصیاست و نام‌گذاری آنان، مثل نام‌گذاری‌ها و به کار بردن صفات از جانب ما نیست؛ بلکه خداوند و خلفایش، تا معنای اسم و صفتی در شخص متجلی نباشد، او را با آن نام‌ها و اوصاف نخواهند خواند. بنابراین با دقت در نام‌ها، صفات و القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و روشن می‌شود، ویژگی‌های مربی در فرهنگ اسلامی که پیش از این به آن پرداختیم، در ایشان جلوه‌گر است و به طور کلی، جامع صفات و خصوصیات یک مربی است و در روایت، «أعلم الناس، أحکم الناس، أتقى الناس، أحلم الناس، أشجع الناس، أسخى الناس و أعبد الناس»^۲ خوانده شده است.

گفتار دوم: مفهوم مهدویت

الف) مهدویت و اعتقاد به آن

مهدویت، مصدر جعلی مهدی و به معنای مهدی بودن است. در تعریف اصطلاحی این واژه آمده است: از جمله عقاید اصول مذهب شیعه اثناعشری است. شیعه معتقد است که مهدی عجل الله تعالی فرجه فاطمی، یعنی از فرزندان آن حضرت، پسر امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه و دوازدهمین جانشین پیامبر خاتم صلوات الله علیه است.^۳

امروزه مهدویت و اعتقاد به آن، از بحث‌های اساسی جهان اسلام، به‌ویژه مکتب تشیع است. مهدویت که در ادامه بحث امامت درباره آن بحث می‌شود، یکی از اصول اساسی مذهب تشیع به شمار می‌رود و شیعه، بدون اعتقاد به مهدویت، هویت نمی‌یابد. این اعتقاد، شامل اعتقاد به وجود امام غائب، اعتقاد به انتظار برای ظهور او، و اعتقاد به ظهور و عدالت

۱. شیخ صدوق، *الأمالی*، ص ۶۳۲، ح ۴؛ *بحار الأنوار*، ج ۵۱، ص ۶۵ و ۶۶، ح ۳.

۲. شیخ صدوق، *عیون أخبار الرضا* عجل الله تعالی فرجه، ج ۱، ص ۲۱۳، باب ۱۹.

۳. مجتبی تونه‌ای، *موعودنامه*، ص ۷۱۱.

گستری آن حضرت است.^۱

در باب اهمیت اعتقاد به امام زمان علیه السلام و شناخت آن حضرت، در روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: «زمین هرگز از حجت خدا بر خلقش خالی نمی‌ماند و هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، بر مرگ جاهلیت از دنیا رفته است».^۲ در روایتی دیگر، مرگ جاهلیت، به کفر و نفاق و گمراهی تعبیر شده است^۳ و این امر بر اهمیت والای موضوع اعتقاد به مهدویت و شناخت امام زمان، حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد. بدین ترتیب، مراد از اعتقاد به مهدویت، باور وجود و حضور حضرت مهدی علیه السلام و شناخت ایشان است؛ بدین گونه که ایشان را واجب‌الاطاعة و واسطه فیوضات الهی و راه رسیدن به معرفه‌الله بدانیم و با توجه به برنامه‌ها و سفارشات ایشان و دیگر بزرگان دین، در راه هدایت و تربیت فردی و اجتماعی خود بر اساس مبانی اسلام کوشا باشیم. در معارف عقیدتی مکتب تشیع، پس از عقیده به توحید که اصل‌الاصول عقاید است، آدمیان برای رسیدن به هدف غایی و مقصد نهایی خلقت باعظمت خویش – که کمال حقیقی در همه ابعاد حیات دنیوی و اخروی است –، نیازمند حکمت الهی و هدایت ربانی هستند. این نیاز مردم را خداوند از لطف و کرامت خود، با برانگیختن پیامبران و فرستادن کتاب پاسخ داده است.

در این راستا، پیروان مکتب امامت معتقدند که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این نیاز بشر منتفی نمی‌شود؛ پس خدای رحمان به همان دلیل که انبیا را برمی‌انگیخت، در نبود ایشان از میان نیکان، اوصیا را برمی‌گزیند تا راه آنان را پی گیرند و مردمان، همچنان از هدایت خدا و تربیت آسمانی او بهره گیرند.^۴

در راستای این اعتقاد، مکتب تشیع با الهام از کتاب الهی و به استناد سنت نبوی، به دوازده وصی معصوم که از اصحاب رسول خدایند، به عنوان جانشینان منصوب آن حضرت

۱. شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات من الامام الثانی عشر، ص ۴۹۸ و ۴۹۹.

۲. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۴۶، ح ۲۱۴۷۵.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳.

۴. سیدمرتضی عسکری، معالم المدرستین، ترجمه: محمدجواد کرمی، ج ۱، ص ۵۳۱، ۵۵۷ و ۵۸۰.

تا روز قیامت ایمان آورده است. امام مهدی علیه السلام از دید شیعه، آخرین فرد از این ائمه دوازده گانه است که به اراده توانمند ربانی، برای تحقق اهداف عالی حیات دنیوی انسان و اجرای کامل طرح‌ها و برنامه‌های پیامبران ذخیره شده است تا در زمان مناسب به پا خیزد و حکومت عدل جهانی را بنا نهد. در متون تشیع نیز، هم‌چون منابع اعتقادی اهل سنت، قیام مهدی علیه السلام نشانه حتمی و مقدمه ناگسستگی پایانی جهان شناخته می‌شود.^۱

برخلاف برخی ادعاها و پافشاری‌ها درباره اعتقاد نداشتن اهل سنت به مهدویت، در فرهنگ عقیدتی سنی‌ها نشانه‌هایی وجود دارد که اکثر عالمان سنی و مسلمانان آن فرقه هم، به مهدویت عقیده دارند و می‌توان آن را جزء فرهنگ عقیدتی آن‌ها به شمار آورد.^۲ البته گفتنی است که اعتقاد به آمدن منجی و ظهور او به دین اسلام اختصاص ندارد؛ بلکه در تمامی ادیان به چشم می‌خورد و پیروان همه ادیان معتقدند که روزی جهان، سراسر ظلم و بیدادگری می‌شود و منجی قدرتمندی ظهور می‌کند و جهان را از بی‌عدالتی نجات خواهد داد. همه بزرگان ملل و ادیان، در انتظار چنین موعودی هستند و این نوید در همه کتاب‌های آسمانی باقی‌مانده، چون زند و پازند، جاماسب، تورات و انجیل و حتی در کتاب‌های مقدس برهنه و بودایی‌ها هم آمده است.^۳

۱. اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۵۵.

۲. از جمله: بیان ابن ابی‌الحدید (قرن ۷) در شرح نهج البلاغه، (ج ۷، ص ۵۹)؛ گفتار ابن حجر احمد بن محمد الهیثمی الشافعی (قرن ۱۰) در القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، (مقدمه)؛ نظر علاء‌الدین علی بن حسام المتقی الهندی و فتاوی چهار مفتی بزرگ اهل سنت در اصالت مهدویت از دیدگاه اهل تسنن، (مهدی فقیه ایمانی، الامام المهدی عند اهل السنة، صفحه آخر متن کتاب)؛ کلام محمد محیی‌الدین عربی الحاتمی (قرن ۷) در الفتوحات المکیة فی معرفة الاسرار المالکیة و الملکیة، (ج ۳، ص ۳۱۹، باب ۳۶۶)؛ روایات و مباحث مهدویت ذیل «اشراط الساعة» در: ابوداود السجستانی، السنن، ج ۴، ص ۹۰-۸۶؛ الترمذی، السنن، ج ۴، ص ۹۹؛ یا آشنایی با مصنفات اهل سنت در اثبات الهداة بالتصوص والمعجزات من الامام الثانی عشر، ج ۳، ص ۶۱۹-۶۲۲. (در قسمت اعتقاد به مهدویت از دید شیعه و اهل سنت از رساله دکترای غلامحسین تاجری‌نسب با عنوان «مهدویت در کتاب و سنت از دیدگاه امامیه و اهل سنت» بهره گرفته شده که به منابع اول آن نیز مراجعه شده است).

۳. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۷۵-۶۹.

اعتقاد به منجی، عقیده‌ای عمومی و مشترک است؛ اگرچه در اسم و ظاهر آن اختلاف است. اصولاً «فتوریسم»؛ یعنی اعتقاد به دوره‌های آخرالزمان و انتظار ظهور مصلح کل، عقیده‌ای است که در کیش‌های آسمانی یهودیت، زرتشتی، هندو، مسیحیت و دین اسلام، به عنوان یک اصل مهم پذیرفته شده است.^۱

ب) اعتقاد به مهدویت و آثار آن

اندیشه مهدویت و عقیده به آن در تاریخ اندیشه اسلامی، فراتر از هر نوع تفسیر و قرائت از آن، اصلی اعتقادی و کلامی تلقی می‌گردد که اندیشمندان اسلامی و مؤمنان، آن را جزئی از اندیشه‌های دینی خود می‌دانند. آن‌گاه که یک باور جزئی از اعتقادات دینی فرد باشد، جایگاه خاصی در روحیه، افکار و روال زندگی انسان خواهد داشت و تأثیرپذیری فرد از آن، ژرف و عمیق خواهد بود؛ در حالی که اگر اعتقاد به یک موضوع، متکی بر باور دینی نباشد، اثربخشی آن هم‌چون تأثیر اعتقادات دینی نخواهد بود. برای نمونه، اگر انسان بر اساس نوع اندیشه یا شرایط اجتماعی خود به باوری برسد و سپس در گذر زمان یا رویارویی با حوادث روزگار یا بر اثر اندیشه‌ای نو، در باورش تزلزل ایجاد شود، از تغییر فکر و اندیشه خود چندان احساس اضطراب و ناامنی نخواهد کرد؛ در حالی که تغییر در اعتقادات دینی به راحتی امکان‌پذیر نیست و وجود اجزای اعتقادی در روح و افکار انسان، آن قدر اثرگذار و جهت‌بخش است که وی به راحتی نمی‌تواند از آن برگردد؛ به ویژه اگر آن اعتقاد دینی، هم‌چون مهدویت از عناصر اصلی و بنیادین اعتقادی باشد.^۲

منظور از تأثیرات اعتقاد به مهدویت، آموزه‌های اعتقادی - دینی مبتنی بر فرهنگ مهدوی است که در عصر پیش از غیبت، عصر غیبت، عصر ظهور و انتظار، توانایی و قابلیت بیان نظر و ارائه راه حل‌های راهبردی در حوزه‌های متفاوت انسانی و اجتماعی را دارا بوده و هم‌چنان داراست؛ به گونه‌ای که می‌توان بر اساس آن، در عرصه فردی و اجتماعی نظریه‌پردازی کرد؛ یعنی در تفکر و نظام فکری مسلمانان، آن را شاخص انسجام

۱. سید ثامر هاشم حبیب، در انتظار قنوس، کاوشی در قلمرو موعودشناسی و موعودباوری، ص ۴۵.

۲. سید رضی موسوی گیلانی، دکترین مهدویت، ص ۱۱.

بخش و سامان‌دهنده قرار داد تا بتواند در بسیاری از اظهارنظرها و ارائه الگوهای فکری حضور داشته باشد و مسلمانان را به صحت عمل سوق دهد.^۱

البته روشن است که تأثیرات اعتقاد به مهدویت، زمانی بارور می‌شود که این عقیده به طور صحیح و با تبیین جامع، شکل گرفته باشد. از این رو مقتضی است با دلایل علمی و عقلانی و تفکر در آفریده‌های خدا، صفات خدا، رسالت پیامبران و اندیشه پیرامون ولایت، به ویژه مهدویت و بررسی آن از دیدگاه اسلامی، باور جوانان را تقویت نمود؛ به گونه‌ای که در رأس هر چیز، نشانه‌های خدا را در علوم و هستی مشاهده کنند و به هر سو می‌نگرند دلایلی بر هدف‌داری، نوآوری و نظم بر وجود خالق اعلی بیابند و بفهمند که در برنامه کلان الهی، برای رساندن انسان به کرامت و تکامل مطلوب انسانی، از هدایت تکوینی و هدایت تشریحی بهره گرفته شده و در راستای تحقق این امر، به دلیل اهمیت کلیدی بحث مهدویت و نقش آن، از ابتدا بر روی این باور و تجلی آثار آن سرمایه‌گذاری شده است.

هر چند لازم است برای تحقق تبیین صحیح عقاید، مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی برای پذیرش عقاید اسلامی را شناخت و اجرا کرد؛ ولی این مهم و پرداختن به راه‌های جزئی و کلی تبیین و تثبیت عقیده در رسالت این تحقیق نیست؛ بلکه مسئله اصلی این نگاشته آن است که بیان کنیم: اگر باور درست شکل گرفت و مهدویت، جزء اعتقاد راسخ انسان شد، چه آثار تربیتی برای او به ارمغان خواهد داشت؟

گفتار سوم: مهدویت و تربیت

پس از شناخت تربیت اسلامی و عقیده به مهدویت، لازم است رابطه آن‌ها نیز بررسی شود که این هدف در دو محور محقق خواهد شد.

الف) مهدویت و برنامه کلان تربیتی الهی

طبق کلام خداوند در آیه ۵۶ سوره ذاریات، غرض الهی از آفرینش بشر و اعطای دو

۱. همان، ص ۱۴.

نیروی عقل و اختیار به او، تربیت و به کمال رسیدن وی است. از این رو خداوند برای تحقق این هدف، برنامه کلان تربیتی خود را از ابتدای آفرینش تا به حال، از طریق هدایت تکوینی و هدایت تشریحی اجرا کرده است. هر چند با وجود تلاش‌ها و مجاهدت فراوان پیامبران و اولیا، تکاپوی خالصانه آن‌ها در عصر خودشان به نتیجه نرسید، ولی تلاش آنان برای آخرین حلقه تربیتی الهی از این زنجیره به هم پیوسته و برای روز موعود ذخیره شده است؛ ضمن آن که خود آن‌ها از ابتدا مبلغ روز موعود بوده‌اند و در کتاب‌های مقدس و قرآن کریم، بشارت آمدن منجی و روز موعود آمده است.

به هر ترتیب، طراحی برنامه کلان تربیتی الهی و سیر آن، به گونه‌ای است که به دنبال خود شرایط ظهور را فراهم خواهد آورد و پس از آن، آخرین و بزرگ‌ترین نتیجه، یعنی ظهور منجی موعود و به تعبیر شیعی ظهور حضرت مهدی علیه السلام محقق خواهد شد که هدف آن، تربیت انسان‌های متعالی و سامان مدینه فاضله است. دستیابی به این مقصود تربیتی، وابسته به شرایطی است که عبارتند از:

۱. وجود طرح و برنامه‌ای کامل و عدالت‌محور که بشر آن را از سوی خداوند دریافت می‌دارد و قانون فراگیر برای جامعه بشری می‌گردد؛
 ۲. وجود پیشوایانی که برای اجرای این طرح و برنامه از ابتدای زندگی بشر تلاش کردند تا در نهایت، پیشوای نهایی این برنامه و قانون را در روز موعود به طور کامل اجرا کند؛
 ۳. وجود شماری کافی از مؤمنان مخلص که پیشوایان و به طور خاص، پیشوای نهایی را در اجرای مطلوب مأموریتش یاری دهند.
- در شرط نخست، برنامه خداوند آن است که برای تحقق غرض خود از آفرینش انسان، قوانینی بنیان گذارده و بشر را به مدد آن و در امتداد کاروان انبیا و اولیا در طول تاریخ، پرورش دهد تا سرانجام، اجرای کامل این برنامه در قالب مکتب اسلام با موفقیت صورت پذیرد.^۱
- در شرط دوم، خداوند پیشوای نهایی را امام مهدی علیه السلام قرار داده تا در مقام رهبری

۱. تاریخ ما بعد الظهور، ص ۳۷ و ۳۸.

نمونه، قانون و برنامه کامل را اجرا کند.

در شرط سوم، همه امت‌ها می‌توانند طبق اصول و برنامه دینی خود تربیت شوند و به عنوان یاور موعود مطرح باشند؛ چرا که پذیرش پیامبر خاتم و اجرای فرمان‌های او جزء اصول مسلم ادیان گذشته بوده است.

امت اسلامی می‌تواند بر اساس قانون و برنامه کامل دین اسلام، دستورات الهی، فرمایشات و سنت رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام و برنامه‌های تربیتی حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه و در طول غیبت، هم از لحاظ درک مفاهیم و هم از نظر پیروی علمی از آن، تحت تربیت قرار گیرند و باید مسیر طولانی تربیت را در شرایط ویژه‌ای چون امتحان و پالایش روح و روان طی کنند که این خود، در دو ساحت تربیت عقلی و ایمانی به سامان خواهد رسید.

در تربیت عقلانی، امت اسلامی (و به طور غیر مستقیم، همه بشریت) از رهگذر آموزه‌های دینی و تلاش عالمان و متفکران و نایبان خاص و عام حضرت و نازک‌اندیشی‌های آنان درباره معارف اسلام تربیت می‌شوند تا به سطحی از عقلانیت برسند که توان درک اندیشه و قوانین جدید روز موعود را کسب کنند.

تربیت ایمانی آن‌گاه حاصل و کامل می‌شود که امت اسلامی، دوران دشوار ظلم و بیداد انحرافات را بگذراند و برگزیدگان صالح امت، آن‌چنان اخلاص و ایمان و اراده‌ای داشته باشند که واکنش آن‌ها در برابر کژی‌ها و زشتی‌ها، در راستای اجرای قانون و برنامه کامل الهی و به عبارتی دیگر پیروی تام و کامل از فرامین الهی باشد.

به همین ترتیب، اگر این تربیت نسل به نسل استمرار یابد، در طی این فرایند، شمار مخلصان به حدّ کفایت خواهد رسید و با وجود شرط یک و دو و با حاصل شدن شرط سوم، وعده الهی محقق خواهد شد.^۱ عده‌ای که به این مرحله نرسند نیز طبق مراتب خود در زمان پس از ظهور، تحت تربیت مستقیم حضرت قرار خواهند گرفت.

در این‌جا، میزان ارتباط مهدویت و اعتقاد به آن و روز موعود، با برنامه کلی تربیتی الهی روشن است؛ چرا که در حقیقت آن روز است که عبودیت و پرستش واقعی پروردگار که

۱. همان، ص ۳۸ و ۳۹.

هدف اصلی آفرینش است، تحقق پیدا خواهد کرد. در این صورت چنان که روشن شد، روز ظهور نه رویدادی غیرمنتظره و تصادفی است و نه پدیده‌ای موقت و زوال‌پذیر؛ بلکه نتیجه طبیعی و تدریجی برنامه کلان تربیتی الهی و هدف مورد نظر خداوند از آفرینش بشر است.

ب) مهدویت و مراد از آن در عرصه تربیتی

همان‌طور که بیان شد، یک اعتقاد بنیادین باید توانایی تفسیر مجموعه‌ای از مسائل، توانایی بهبود وضعیت فرد و جامعه و نیز توانایی ارائه راهکارهای راهبردی را داشته باشد، انسان را در زمینه‌های تربیتی یاری کند و از منظر انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی به ساختن انسان ایده‌آل کمک کند.

همه مکتب‌های انسان‌شناسی لازم می‌بینند که به خواسته‌ها، علایق، محدودیت‌ها و اهداف انسانی و نیازهای او مثل آرامش، امید، رضایت، عزت، شکوفایی و کمال پاسخ دهند. حتی برخی از آیین‌ها، نگاه انسان‌شناسانه به مشکلات انسان دارند؛ مثل آیین بودا که با روش‌هایی چون تمرکز و مراقبه، می‌خواهد انسان را از توهّمات ذهنی و تردیدهای روحی نجات بخشد و به آرامش برساند.^۱ از این روست که پرداختن به مباحث دینی و عقیدتی و توجه به تأثیرات آن در عرصه تربیتی، برای پرداختن به این نیازها ضرورت می‌یابد.

بنابراین مراد ما از موضوع مهدویت و طرح آن در عرصه تربیتی، این است که بدانیم آیا مهدویت و اعتقاد به آن به عنوان یک نظریه اعتقادی - کلامی، می‌تواند راهکارهای راهبردی برای تربیت انسان و جامعه ارائه دهد؟

به عبارتی در اعتقادات اسلامی و به طور خاص اعتقاد به مهدویت، آیا راهکاری برای حل مسائل انسان و رشد و تربیت او و جامعه او وجود دارد؟ و اگر پاسخ مثبت است، چگونگی آن را در حد امکان بررسی کنیم.

۱. دکترین مهدویت، ص ۶۵ و ۶۹.

گفتار چهارم: شاخص‌های تربیتی اعتقاد به مهدویت

در قسمت مفاهیم، مفهوم تربیت و مهدویت را بررسی کردیم. یکی دیگر از مفاهیمی که در عنوان این اثر وجود ندارد، ولی افزون بر جایگاه مهم و مؤثر آن در بحث عقیده به مهدویت، در تعیین شاخص‌های تربیتی این عقیده نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند، مفهوم «انتظار» است.

انتظار در لغت، به معنای چشم‌داشت و چشم به راه بودن آمده است؛^۱ چشم‌داشت یک تحول و رویداد خوب، گشایش آینده مطلوب و چشم به راه یک منجی.^۲ مراد از انتظار در این تحقیق، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان علیه السلام، از شوق و علاقه به ظهور و حکومت عدل و همراهی با اهل بیت علیهم السلام و تنفر از وضع موجود (غیبت امام عصر علیه السلام و نقص و فساد و تباهی عالم) سرچشمه گرفته است و انواع دگرگونی‌ها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان ایجاد می‌کند.^۳

در اصل انتظار، آمادگی برای پذیرش ظهور، در فکر آن بودن، تلاش کردن برای آن و امیدوار بودن است. مرحله خودسازی و اصلاح نفس در صورتی به اوج و تکامل می‌رسد که انسان در انتظار و آرزوی پاک‌سازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خود فکر نکند. در نتیجه کسی که انتظار حقیقی را شناخته باشد، دغدغه پاک‌سازی نفس و جامعه را دارد. در خور توجه است که انتظار ظهور با اعتقاد به ظهور تفاوت دارد؛ کسی که منتظر است، افزون بر اعتقاد، امید و انتظار درک زمان موعود را دارد. از این رو بر اساس انتظار و امید عمل می‌کند و این مسئله در حیات و تحول تربیتی انسان بسیار مهم است.^۴ به عبارت دیگر، انتظار نیز به عنوان عنصر کلیدی عقیده به مهدویت، همراه با ویژگی‌های روان‌شناختی و شاخص‌های تربیتی خود، موجب ارتباطی همراه با آگاهی و بینش و

۱. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ص ۲۹۴.

۲. ابراهیم شفیعی سروستانی، انتظار، باید و نبایدها، ص ۹.

۳. لطف‌الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۳۵۳.

۴. سید مرتضی مجتهدی سیستانی، صحفیه مهدویه، ص ۱۰۱.

اعمالی پویا و متکامل درباره خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت می‌شود و زمینه‌های آرامش و سلامت روان را فراهم می‌سازد؛ ضمن آن که از ابتلا به بیماری‌های روانی، افسردگی‌ها و خمودگی‌ها و خستگی‌ها جلوگیری می‌کند و زمینه‌ساز رشد و ارتقای توانمندی‌های فرد در ایفای نقش‌های فردی و اجتماعی است. بر این اساس، خصوصیات و شاخص‌های تربیتی انتظار، در چهار محور: ویژگی‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و جنبشی^۱ سامان می‌یابد و زمینه‌ساز ارتقای روانی فرد می‌شود؛ یعنی در ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و جنبشی، توانمندی‌های وی را بالا می‌برد و از این جهت بر سلامت روان او تأثیر می‌گذارد؛ به خصوص که این انتظار، متعلق به یک معصوم پاک‌سرشت است که فراگیری رحمت و عدالت در جهان، ره‌آورد ظهور اوست.^۲

بدین ترتیب روشن شد که انتظار به عنوان رکن سازنده مهدویت و نسخه جامع تربیتی در این بحث مطرح است و از آن‌جا که موضوع این اثر، «آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت» است، می‌باید برای ارزیابی و شناسایی این آثار، شاخص‌های تربیتی را در این موضوع به دست آوریم. از این‌رو، بر اساس محورهای اشاره شده در شاخص تربیتی انتظار، با مطالعه در منابع روایی و عقیدتی، ارکان مباحث مهدویت و آموزه‌های آن شناسایی شد؛ سپس با غور در منابع تربیتی و بررسی ارکان و آثار تربیتی و در ادامه، تطبیق آن با مهدویت و تنظیم ساختار آثار تربیتی در موضوع عقیده به مهدویت، شاخص‌های تربیتی عقیده به مهدویت شکل گرفت و با توجه به نقش ویژه انتظار، یکی از ارکان ثابت در این چهار محور، «انتظار» معرفی شده است. در نتیجه از این شاخص‌ها، برای ارزیابی آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در جوامع و بررسی شواهد تاریخی مربوط به عصرهای پیش از غیبت، غیبت صغری و غیبت کبری استفاده می‌کنیم.

۱. محور جنبشی را نگارنده با توجه به مجموع مطالعات خود، به ویژه کتاب *انقلاب اسلامی و فرهنگ*

انتظار، و چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن، به محورها افزوده است.

۲. مسعود آذربایجانی، «رابطه انتظار و بهداشت روان»، خلاصه مقالات چهارمین گفتمان مهدویت، ص ۶.

الف) محور شناختی (انتظار، معرفت و نگرش امیدوارانه)

این محور، شامل معرفت و آگاهی افراد درباره موعود عادل و حکومت و جامعه زمان اوست و به تناسب این معرفت و شناخت، بینش و نگرش امیدوارانه ذهنی (تفکر مثبت) آنان به جامعه آینده و تأثیر آن را در زمان حال، در نظر دارد؛ از این محور، با عنوان «انتظار، معرفت و نگرش امیدوارانه»^۱ یاد می‌شود.

تأثیر نگرش امیدوارانه: امید و آرزو، از ویژگی‌های فطری انسان هستند؛ چرا که هر دو، نگاه به آینده دارند و نمایانگر خواسته‌های بشر و نشان سعادت انسان هستند. امید، با عقل بشر و خواسته‌های خردمندانه و امکان‌پذیر همراه است؛ مثل بیمار که امید به بهبودی دارد، اما آرزو گاه با عقل هماهنگی دارد و گاه ندارد؛ مثل پیرمردی که آرزوی جوانی دارد. آرزومند، انتظار رسیدن به آرزوی خود را دارد، ولی به سوی مقصود خود قدم بر نمی‌دارد؛ در حالی که امیدوار در پی امید می‌رود و تلاش می‌کند.

امید، امری خردمندانه است و با افزایش آن، هدف و آرمان که امری عقلانی است به دنبال خواهد آمد و هر دو همگام با هم برای ایجاد انگیزه و عمل در فرد پیش می‌روند. به عبارت دیگر زمانی که امید در یک مبحث اجتماعی افزایش یابد، هدف اجتماعی با آرمان بشری هم‌جهت می‌گردد و بشر برای رسیدن به آن امید و آرمان اجتماعی باید تلاش کند و در سختی و رنج، مقاومت نشان دهد. از جمله موارد، تلاش انبیا و اولیا برای هدایت انسان‌ها به امید سعادت آنان است؛ چنان‌که پیامبر ﷺ فرمود: «اگر خورشید را در

۱. مفهوم امیدواری دارای دو بعد ذهنی و عینی است. منظور از امیدواری در بعد ذهنی، مجموعه تفکرات، تمایلات، انگیزه‌ها و عادات مثبت فکر است که شخص امیدوار، در حیطه ذهن خود از آن بهره‌مند است. منظور از امیدواری در بعد عینی، مجموعه اعمال، رفتار، کنش‌ها و واکنش‌هایی است که شخص امیدوار، به صورت مثبت، جهت‌دار و فعال، در مواقع گوناگون از خود نشان می‌دهد. در بخش ذهنی، دارای دو مؤلفه هستیم: ۱. تفکر مثبت که شامل تأکید بر موارد مثبت، رویارویی واقعی با مشکلات، تفکر خلاق و خستگی‌ناپذیری است؛ ۲. هدفمندی شامل وجود اهداف کوتاه‌مدت، بلندمدت، پرهیز از پوچی و تفکر در مورد آینده است. مؤلفه‌های بخش عینی عبارت‌اند از: ۱. برنامه‌ریزی برای اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت؛ ۲. تلاش در زمینه‌های مختلف. (مهری مقصودی، تحقیق میدانی بررسی رابطه بین انتظار ظهور و امید و افسردگی، ص ۴ و ۶).

دست راست و ماه را در دست چپ من بگذارید، از تلاش برای سعادت بشر دست بر نمی‌دارم.^۱ نمونه دیگر، امید بشر به تحقق ظهور و تشکیل حکومت عدل و رحمت حضرت مهدی علیه السلام و مدینه فاضله و قرار گرفتن در زمره یاران حضرت است.^۲ با توجه به کارکردها و آثار خاص مهدویت، یکی از فرضیه‌های تقویت سلامت روان، تقویت نگرش امیدوارانه از طریق عنصر مهدویت و عقیده به آن در نظر گرفته شده است. در یک تحقیق میدانی، روشن گردید که یکی از راه‌های تقویت سلامت روان، تقویت عنصر مهدویت و اتصال به منبع الهی از طریق امید و نیکی، به منظور تعالی هرچه بیشتر است.^۳

از دیدگاه اسلامی، انسانی که خودآگاهانه ارتباطی زنده و پویا و متکامل با تمام هستی دارد، دارای روان سالم است. عالی‌ترین الگوهای انسان‌های سالم نیز انبیا و اولیا هستند؛ چراکه خودآگاهانه‌ترین، پویاترین و متکامل‌ترین رابطه را با کل هستی دارند. دیگر انسان‌ها نیز به میزان نزدیکی‌شان به ملاک‌های امید و سلامت روانی که آن بزرگواران در توصیه‌های دینی خود مشخص کرده‌اند، از امید و در نتیجه سلامت روان بهره‌مند هستند.^۴ با این توضیح، عقیده به مهدویت و به کار بستن راهکارها، توصیه‌ها و آموزه‌های مهدوی، موجب ارتباطی آگاهانه، امیدوارانه، پویا و فعال و کامل با خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت و به عبارتی کل هستی می‌شود.

بر این اساس، شاخص‌های تربیتی این محور که برای سنجش آثار تربیتی عقیده به مهدویت در نظر گرفته می‌شود، عبارت‌اند از:

- تقویت و استحکام اعتقاد نظری و در پی آن، اعتقاد عملی به توحید و عدل؛
- شناخت و معرفت درباره خدا و برنامه‌های تربیتی او و نیز شناخت امام زمان علیه السلام و اقدامات ایشان؛

۱. بحارالأنوار، ج ۹، ص ۱۴۳.

۲. سید رضا صدر، راه مهدی علیه السلام، ص ۲۴-۲۰.

۳. مریم مرتضایی، اندیشه مهدویت و نقش آن در سلامت روان، چکیده.

۴. همان، ص ۹۹.

- بینش صحیح درباره انسان و زندگی و وظایف او در دنیا و عمل کردن بر اساس آن؛
- داشتن تفکر و روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی؛
- داشتن تفکر مثبت و امیدوارانه در رویارویی با مشکلات و سختی‌های دوران غیبت؛
- داشتن فکری خلاق و جست‌وجوگر برای یافتن راه‌های حل مشکلات آن زمان؛ به عنوان مثال قرار دادن نماد برای انتظار و امید به منظور تکرار و یادآوری آن؛
- توجه به امام زنده و حاضر، و اعتقاد و امید به هدایت و تربیت و یاری ایشان در زمینه های مختلف علمی و معنوی زندگی؛
- توجه به مصالح و فواید غیبت در تربیت افراد؛
- توجه به توصیه و راهکارهای حضرت در زمان غیبت صغری و کبری، از جمله توجه به سیره و سنت ائمه پیشین علیهم‌السلام، اطاعت از نواب عام، استفاده از سخنان و توقیعات حضرت و...؛
- تفکر در مورد آینده، اهداف و تکالیف؛
- امیدواری ذهنی و تفکر مثبت درباره آینده و تحقق حکومت عدل جهانی و مدینه فاضله؛
- تفکر و نظم‌بخشی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت برای رسیدن به مرتبه عالی انسانیت و کسب رضایت حضرت.

ب) محور عاطفی (انتظار، محبت و شوق)

- این محور، میزان شوق و محبت افراد به مولا و مربی کامل زمان، حضرت مهدی علیه‌السلام و به تناسب آن، آثار پدید آمده از این محبت و عاطفه را در نظر می‌گیرد که از آن با عنوان «انتظار، محبت و شوق» تعبیر می‌شود.
- از جمله آثار انتظار، عشق و محبت به آن چیزی یا کسی است که مورد انتظار است و در طولانی شدن این انتظار، صبر همراه با یاد او لازم به نظر می‌رسد. هرچه این محبت شدیدتر باشد، انسان منتظر کمتر از یاد و خواسته‌های محبوب خود غافل می‌گردد. بنابراین اهل ایمان در زمان غیبت، هر چه از محبت خدا و ولی خدا، حضرت مهدی علیه‌السلام لبریز باشند، کمتر دچار غفلت می‌شوند. در حقیقت همین مودت و ارتباط‌های روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم می‌کند و سلوک انسان را در راستای اراده حق

شکل می‌دهد. با محبت امام زمان علیه السلام است که زمینه‌های اطاعت از او فراهم می‌شود و با اطاعت از اوست که راه کمال به سوی خدا هموار می‌گردد (البته محبت حقیقی نه ادعای محبت).^۱

امام رضا علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام می‌فرماید:

هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که دارای ایمان و اسلام نیکو باشد، محبت منتظر - صاحب‌الزمان علیه السلام - را پیشه خود قرار دهد که او و دیگر پیشوایان، چراغ‌های روشن در تاریکی‌های زندگی و امامان هدایت و نشانه‌های تقوایند. من برای هر کس که آنان را دوست بدارد و ولایتشان را داشته باشد، از سوی خدای تعالی بهشت را ضمانت می‌کنم.^۲

در انتظار موعود آخرالزمان، شور و طلب محبت متعلق به حضرت مهدی علیه السلام است؛ اما نکته پر اهمیت آن است که این اشتیاق و محبت به حضرت، بدون امید و اصلاح نفس و آمادگی معنا پیدا نمی‌کند. در اصل، محبت و شوق واقعی به حضرت زمانی است که منتظر با کسب ویژگی‌ها و صفات منتظران حقیقی و انجام وظایف و تکالیف خود، عشق و شور خود را افزون بر زبان، به صورت قلبی و در عمل نیز به محبوب و مربی خود ابراز کند. این موضوع یک رابطه دو طرفه است که محبت، شور اطاعت می‌آورد و اطاعت، عشق و محبت را زیاد می‌کند و این امر نشان می‌دهد که در بعد عاطفی نیز آثار انتظار، معطوف به تربیت، اصلاح و تکامل و تعادل اخلاقی، از طریق صبر بر رذایل و کسب فضایل است.

بدین ترتیب، شاخص‌های تربیتی این محور، به این شرح در نظر گرفته می‌شود:

- توجه به حضرت در هر زمان، از شوق و محبت؛

- احساس حضور مولا و مربی، و مراقبت دائمی و همیشگی بر اعمال و رفتار به جهت

نظارت دائمی ایشان؛

- داشتن شور و نشاط و سرزندگی به واسطه این اعتقاد و دوری از افسردگی و ناامیدی؛

- اطاعت از فرمان‌های حضرت به دلیل محبت حقیقی به ایشان؛

۱. رابطه انتظار و بهداشت روان، ص ۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶، ح ۱۲۵.

- از جان‌گذشتگی و ایثار، به دلیل عشق و علاقه به مولا و اهداف ایشان؛
 - وحدت و اتحاد مردم برای یاری دادن حضرت، به دلیل علاقه به ایشان و اهداف عالی آن حضرت؛

- پیوند روحی و قلبی با امام و مربی کامل عالم؛

- توجه و غلظه به مکان‌های منتسب به حضرت و ادعیه منتسب به ایشان؛

- انجام دادن مستحبات و هدیه دادن ثواب اعمال، مثل صدقه و حج از طرف ایشان.

ج) محور رفتاری (انتظار، آمادگی و خودسازی)

در این محور، با توجه به نگرش امیدوارانه ذهنی و قلب و روح مملو از محبت، میزان امیدواری عینی و آمادگی و زمینه‌سازی افراد متربی برای کسب رضایت مولا و مربی در نظر گرفته می‌شود که از آن به عنوان «انتظار، آمادگی و خودسازی» تعبیر می‌کنیم. انتظار و ویژگی عدل‌برانگیز آن، به‌گونه‌ای است که انسان را به حرکت در مسیر متناسب با اهداف و عقاید صحیح برمی‌انگیزد و از گرایش به جهت‌های نامتناسب و ناسازگار باز می‌دارد. نقش و اثر حیاتی انتظار در انسان‌ها، تحریک آن‌هاست. به عبارتی انتظار، عامل حرکت و زمینه‌ساز تحول در درون انسان است؛ چرا که منتظر امام زمان عجله الله بفرجه مثل میزبان منتظر که پاکیزه و آماده، شاد و چشم به راه است، با علم به نظارت و مراقبت خدا و حضرت و با هدف منتظر واقعی بودن و از یاران حضرتش به شمار رفتن، با کوشش برای پاک‌سازی درون و تهذیب نفس و ایجاد آمادگی روحی، برای ایجاد ارتباط روحی و عاطفی و هم‌سنگ شدن با امام خود، در انتظار منتظر، شاد و چشم به راه است.

تهذیب نفس و ایجاد تحول درونی در رفتار و کردار و اعمال، فکر کسانی است که به امام عادل و جامعه ایده‌آل می‌اندیشند و با صبر و طمأنینه، امیدوار به ظهور و آمدن او هستند. اخلاق را باید اصلاح کرد؛ چرا که منتظر در فرهنگ مهدوی با قطعی و نزدیک دانستن ظهور، هر لحظه احتمال ظهور موعود عادل خود را می‌دهد. از این رو، در امر اصلاح و مهذب شدن خود سهل‌انگاری نمی‌کند^۱ و با صبر در برابر گناه و هوا و هوس و

۱. دکترین مهدویت، ص ۷۷-۷۹.

کسب فضایل اخلاقی در آمادگی خود می‌کوشد.

انسان منتظر افزون بر تحول درون و نفس خویش، برای احیای حقوق از دست رفته و اقامه عدل نیز تلاش می‌کند؛ چرا که انتظار، تعهدهای انسانی را در قبال خود و انسان‌های دیگر قوت می‌بخشد. انسان منتظر با مشاهده در اوضاع جامعه، از خود می‌پرسد: چرا در جامعه، درگیری، ناعدالتی و نافرمانی است؟ چرا برخلاف مبانی تربیتی و عقلی عمل می‌شود؟!

چنین انسان صبور و خواهان عدل که منتظر روزی است که شرایط آن به‌گونه‌ای باشد که اقتضای آفرینش است، به خودسازی و جامعه‌سازی می‌اندیشد و برای آن تلاش می‌کند.

بدین ترتیب، آثار تربیتی انتظار در محور رفتاری، در دو بعد فردی^۱ و اجتماعی^۲ طرح می‌شود و برای ارزیابی این آثار در دوره‌های مختلف، شاخص‌های آن بدین شکل سامان می‌یابد:

- تلاش برای مهذب شدن و کسب فضایل اخلاقی؛
- صبر در برابر گناه و هوا و هوس؛
- صبر در برابر برخورد نامطلوب برادران و خواهران دینی؛
- صبر در برابر سختی ظلم و ستم، به امید بهبود شرایط و فرا رسیدن روزگار صلح و راحتی؛
- صبر در برابر غیبت امام و مولا؛
- تلاش عملی برای منتظر واقعی و یار حضرت بودن در زمان ظهور؛
- تکاپو و تلاش برای اصلاح اعمال، به دلیل نظارت و آگاهی حضرت؛
- زمینه‌سازی و مقدمه‌سازی فردی و اجتماعی برای تعجیل فرج؛
- عادل بودن در عمل به تکلیف و برخورد با دیگران؛
- تقویت جنبه عبادی به وسیله ارتباط معنوی با حضرت و احساس حضور دائم ایشان؛

۱. رابطه انتظار و بهداشت روان، ص ۷؛ ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۰۵

و ۱۰۹؛ جمعی از نویسندگان، نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۵۴، ۶۰ و ۶۱.

۲. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۸۲ و ۱۰۸؛ علی اصغر رضوانی، موعودشناسی، ص ۸۷.

- تلاش برای احیای حقوق از دست رفته و اقامه عدل و کمک به دیگران؛
- امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح جامعه؛
- خستگی‌ناپذیری در برابر امتحانات و دشواری‌های عصر غیبت و دلداری دادن به دیگر شیعیان؛
- برنامه‌ریزی به منظور تحقق اهداف مورد نظر در راستای رسیدن به مقام منتظر حقیقی.

د) محور جنبشی (انتظار، قیام و اصلاح)

این محور، میزان ایستادگی و پایداری در برابر ستم و سازش نکردن با ستمکاران و قیام به موقع افراد را برای اصلاح جامعه در نظر دارد که از آن با عنوان «انتظار، قیام و اصلاح» یاد می‌شود.

شیعه علت اساسی غیبت مهدی عجله الله تعالی فرجه را حاکمیت ستم می‌داند و همیشه با امید پیروزی حق بر باطل، با صبر و عدالت‌خواهی، خود را در برابر حاکمیت باطل و برای نابودی آن آماده می‌بیند.

امامان شیعه انتظار فرج را واجب اعلام کرده‌اند و این انتظار هیچ‌گاه به معنای خود سپاری به قضا و قدر نیست؛ بلکه منظورشان از انتظار، آمادگی دائم و شبانه‌روزی برای جنگیدن در رکاب مهدی عجله الله تعالی فرجه است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر یک از شما شیعیان باید [خود را] برای قیام قائم، آماده کند، هر چند با یک تیر باشد»^۱. به شیعه توصیه شده است که هر روز با خواندن دعای عهد، با حضرت بیعت کند و خود را برای قیام آماده سازد؛ آن‌جا که می‌گوید: «... مرا از شهیدان رکابش قرار بده»^۲.

بدین‌گونه، انتظار شیعه برای ایجاد حکومتی عادلانه او را آرمان‌گرا کرده است. این آرمان‌گرایی، روحیه‌ای انقلابی به شیعه بخشیده؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ غیبت، پرچم‌داری انقلاب را همواره بر عهده گرفته است؛ به بیانی دیگر: «نظریه‌ای تاریخی وجود

۱. النعمانی، الغیبة، ص ۳۲۰، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶.

۲. مفاتیح الجنان، دعای عهد امام زمان عجله الله تعالی فرجه.

دارد که به طور بالقوه زمینه‌ساز فرضیه انقلاب می‌تواند باشد... بر این اساس که امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام در سال ۸۹۳ م ناپدید شد و در نهایت، جهت ایجاد عدالت در دنیا ظاهر می‌شود. به طور اصولی شیعه متوجه شده است که بین این دو تاریخ، عدالت واقعی در دنیا وجود ندارد که به طور بالقوه نظریه انقلابی است.^۱

بر این اساس، شیعیان با صبر و تحمل در برابر دشواری‌های راه و داشتن روحیه عدالت خواهی، با پیروی از رهبران شیعی و حفظ وحدت و همدلی، با حضور در صحنه‌های پیکار نظری و عملی و با همکاری انسان‌های خداجو و عدالت‌خواه، آماده قیام شده و به قیام‌های زمینه‌ساز انقلاب جهانی اقدام کرده‌اند.^۲ همراهی برخی مردم با مدعیان دروغین مهدویت نیز بر اساس همین آرمان‌خواهی بوده که متأسفانه این کاذبان، برای رسیدن به اهدافشان از آن بهره‌برداری کرده‌اند.

در اهمیت و آثار انتظار شیعه، همین بس که دشمنان در جلسات خود آن را مانع تسلط بر مسلمانان می‌شمارند؛ چنان‌که در کنفرانس تل‌آویو، مایکل امجی گفته است: شیعیان با نام امام حسین علیه السلام قیام می‌کنند و با اسم امام مهدی علیه السلام قیامشان را حفظ می‌کنند.^۳ در این محور نیز شاخص‌هایی برای سنجش آثار تربیتی عقیده به مهدویت در دوره‌های مختلف تعیین شده است که عبارت‌اند از:

- داشتن روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری؛
- ایثار و از خودگذشتگی برای استقرار عدالت و حکومت حضرت؛
- نپذیرفتن حکومت ظالم و ایستادگی در برابر آن؛
- تلاش برای اصلاح و تحول در جامعه و ایجاد عدالت به منظور زمینه‌سازی برای قیام و اصلاحات حضرت؛
- داشتن روحیه شهادت‌طلبی و در رکاب حضرت بودن؛
- داشتن وحدت و اتحاد برای یاری دادن حضرت یا حکومت اسلامی در زمان غیبت، از

۱. روح الله حسینیان، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲. نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۶۹.

۳. موعودشناسی، ص ۹۹.

طریق جنبش‌های مردمی.

در هر چهار محور تبلور آثار تربیتی، دو صفت مشترک صبر و عدل، به معنای داشتن روحیه صبر و روحیه عدالت‌خواهی و تعادل وجود دارد؛ چرا که یکی از ابعاد تربیتی مکتب اسلام، صبر است و توصیه عام معصوم علیه السلام درباره آن فراوان است. همچنین توصیه خاص به صبر در آخرالزمان نیز در کلام آنان آمده و بسیار ستایش شده است. امام رضا علیه السلام در باب صبر در مشکلات عصر غیبت، می‌فرماید: «چه نیکوست صبر و انتظار فرج»^۱ و به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله: «انتظار فرج همراه با صبر، عبادت است»^۲.

هدف اصلی انتظار، حفظ روح امید و نشاط، احساس تعهد و آمادگی و عمل به تکلیف و محبت حقیقی و پیوند روحی با امام صلی الله علیه و آله و تلاش برای اصلاح خود و جامعه است که تحقق این موارد، بدون صبر امکان ندارد.^۳

از سوی دیگر، مفهوم عدل، تعهدپذیری و رعایت حقوق دیگران و روابط اجتماعی نیکو و رعایت کمال اخلاق است. پیامبران که از حقیقت جامعه و انسان و سعادت او باخبر بودند، خوب می‌دانستند که همه احکام الهی در پرتو بهبود روابط انسانی و امنیت و عدالت اجتماعی تحقق می‌یابد و زمینه عینیت یافتن احکام، بدین ترتیب آماده می‌گردد. در جامعه عادل است که انسان، به درستی تربیت می‌شود؛ با آسایش و امنیت، تن به تکلیف می‌دهد؛ به مقررات و حقوق همگان احترام می‌گذارد و در پرتو چنین تعهدشناسی، به سعادت و معنویت و خدا دست می‌یابد.

از ابعاد مهم و زیربنایی در ساختن جامعه عدالت‌محور، راهیابی و نفوذ عدالت در روح افراد و برقراری تعادل اخلاقی در میان مردم است. حق‌جویی و عدالت‌خواهی، در پرتو تربیت صحیح و اصلاح اخلاق و برقراری عدل و تعادل باطنی نفوذ می‌کند و محور گزینش اهل عدل می‌شود. در زمینه عدالت اخلاقی و تربیتی و تعادل باطنی، افزون بر هدایت‌های امام زمان صلی الله علیه و آله، ائمه علیهم السلام هم زمینه‌سازی کرده‌اند که احادیث تربیتی و اخلاقی

۱. بحارالأنوار، ج ۱۲، ص ۳۷۹.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۵.

۳. خورشید مغرب، ص ۲۹۰؛ رابطه انتظار و بهداشت روان، ص ۷.

آنان و توصیه‌شان به راست‌گویی،^۱ خوش‌بینی،^۲ مهرورزی،^۳ دیگران را از خود دانستن^۴ و... راه‌گشا خواهد بود.

ارتباط مباحث سیاسی و جامعه‌شناسی عصر غیبت با آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت شاید این نکته در ذهن آید که تحولات اجتماعی صدر اسلام و مقاومت شیعیان در برابر خلفای ستمگر، شکل‌گیری جنبش‌های مردمی، شکل‌گیری مدعیان مهدویت - چه به قصد خیر و تحول و چه برای رسیدن به قدرت - در تقسیمات سیاسی و جامعه‌شناسی مهدوی جای می‌گیرد و طرح آن در آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، در محور جنبشی لازم به نظر نمی‌رسد.

پاسخ این است که قرار گرفتن این مباحث در تقسیمات سیاسی و جامعه‌شناسی مهدوی کاملاً درست است؛ اما ریشه‌ها و بناهای شکل‌گیری این جنبش‌ها و ادعاها، الگوگیری این گروه‌ها از آغاز تا سرانجام، همه و همه به آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در افراد و جامعه باز می‌گردد؛ ضمن آن که اگر آموزه‌های مهدوی و تعلیمات ائمه علیهم‌السلام در این باب و آثار تربیتی این پذیرش در میان مردم وجود نداشت، حتی فکر تشکیل جنبش یا ادعای مهدویت در ذهن این گروه‌ها شکل نمی‌گرفت.

در حقیقت می‌توان ادعا کرد که حتی تشکیلات سیاسی و شکل‌گیری جنبش‌ها و ادعاها در عصر پیش از غیبت و پس از آن، بر اساس آموزه‌های مهدوی و از آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت است؛ حتی مدعیان دروغین و افراد سودجو نیز با اطلاع از آثار تربیتی این اعتقاد و جایگاه مهدی علیه‌السلام و مهدویت در بین مردم، و با الهام و الگوگیری از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام، از این موضوع برای رسیدن به مقاصد سوء خود بهره برده و تشکیلات خود را برپا کرده‌اند.

به بیانی دیگر، شیعه با اعتقاد به مهدویت و به‌کارگیری آثار تربیتی آن چون انتظار، ظلم

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۲، ح ۱ و ص ۷۴، ح ۳.

۲. بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۱۹۶، ح ۱۲.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۴۳، ح ۴.

۴. بحارالأنوار، ج ۷۳، ص ۲۰، ح ۳ و ج ۷۵، ص ۳۴۷، ح ۴.

ستیزی و عدالت‌خواهی، مشروع ندانستن حاکمان سیاسی، نصب عام فقیهان به نیابت از امام عصر علیه السلام، امید به اصلاح و تعالی جامعه و نابودی مظاهر ظلم و فساد، یا محرومیت جامعه از فیض حضور امام، زمینه‌سازی برای تعجیل فرج و... موضوع انتظار را به طور مستقیم یا غیرمستقیم، محور فکری خود قرار داده و در قیام‌ها و جنبش‌های خود از آن بهره برده است.

چنین عقایدی در شیعه درباره احیای مردم و جامعه و رستگاری در آینده نزدیک، یک نوع موعودباوری همراه با محبت را به او ارزانی داشته است و چشم‌انداز تحقق رستگاری و ایجاد مدینه فاضله در زمان حضرت، باعث قوت و توانمندی این مذهب شده است. هنگامی که چنین عقیده دینی و آثار تربیتی آن، در برابر یک هدف سیاسی برگرفته از آن آثار آماده به کار می‌شود، موجب یک تعهد و ایثارگری قوی خواهد شد.

در نوشته‌های «اندرو وهی وود»، درباره اعتقاد به مهدی علیه السلام، ظهور و انتظار آمده است: آثار تربیتی این اعتقاد در سیاست، می‌شود تعهد و ایثارگری و... بدین ترتیب، موضوع مهم و اساسی غیبت امام مهدی علیه السلام و امید به تشکیل حکومت صالح، به طور مستقیم و غیر مستقیم بر رفتارهای سیاسی شیعیان اثر دارد و در بعد تربیتی، آنان را به شهادت‌طلبی، مقاومت، مبارزه با رژیم فاسد و... سوق داده است.^۱

بدین ترتیب، شاخص‌های تربیتی عقیده به مهدویت برای سنجش آثار و شواهد تربیتی دلالت‌کننده بر این عقیده، در چهار محور: شناختی (امید به آینده)، رفتاری (آمدگی و اصلاح نفس)، عاطفی (شوق و محبت) و جنبشی (قیام و اصلاح) با وجه مشترک انتظار، طبقه‌بندی شد. برای بررسی محورهای یاد شده، عنصر صبر و حق‌جویی و عدالت‌خواهی نیز مورد توجه خواهد بود.

۱. رحیم کارگر، «انقلاب اسلامی و فرهنگ انتظار»، فصلنامه انتظار، ش ۲، سال اول، ۱۳۸۰، ص ۵۰.

فصل دوم

**آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت
در دوره پیش از غیبت**

با عنایت به تقسیم دوره‌ها به پیش از ظهور و بعد از ظهور به منظور بررسی آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، بر دوره پیش از ظهور متمرکز می‌شویم و راهکارها و ساختارهای تربیت مهدوی و شواهد تاریخی مربوط به آثار تربیتی را که در پی اعتقاد به مهدویت، در سه دوره پیش از غیبت، غیبت صغری و غیبت کبری بروز یافته، در قالب سه فصل مجزا بررسی می‌کنیم. این فصل به دوره پیش از غیبت اختصاص دارد.

همان‌طور که در بخش مهدویت و برنامه کلان تربیتی الهی اشاره شد، زمینه‌سازی تربیت مهدوی از دوران پیش از غیبت مورد توجه بوده است. از جمله اقدامات و راهکارهایی که برای زمینه‌سازی این امر صورت گرفته است، عبارت‌اند از:

- بیان نشانه‌ها و شرایط ظهور؛

- زمینه‌سازی خداوند در کتاب‌های آسمانی و اقدامات انبیا؛

- اقدامات اساسی ائمه علیهم‌السلام در راستای تربیت مهدوی.

در این فصل، به بررسی هر یک از این امور و آثار آن خواهیم پرداخت.

گفتار اول: راهکار بیان شرایط و نشانه‌های ظهور و آثار آن

شرایط ظهور و نشانه‌های ظهور، از جمله مباحث مهدویت است که معمولاً در عصر ظهور مطرح می‌شود. با توجه به آن که شرایط و نشانه‌ها در کلام معصومان علیهم‌السلام، پیش از غیبت بیان شده و آگاهی از آن دارای آثار تربیتی است، اندکی درباره آن توضیح می‌دهیم. مهم‌ترین تفاوت بین شرایط ظهور و نشانه‌های آن، این است که «شرایط» عبارت از برخی ویژگی‌هاست که در پیدایش روز موعود و تحقق وعده حکومت جهانی، تأثیری واقعی دارد و در صورت محقق نشدن شرایط، حکومت جهانی تحقق پیدا نخواهد کرد؛ در حالی که «نشانه‌های ظهور» ارتباطی به تشکیل دولت جهانی امام مهدی علیه‌السلام ندارد و آن

نشانه‌ها چه جلوه‌گر شود و چه نشود، روز موعود خواهد آمد. این نشانه‌ها، مطالبی است که خداوند توسط پیشوایان دین به آگاهی مردم رسانده است. نشانه‌ها دو نوع است: نشانه‌های نزدیک که نزدیک بودن زمان ظهور را می‌رساند و نشانه‌های دور که بر اصل حادثه ظهور دلالت دارد.

مهم آن است که با وجود این تفاوت، هر دو یعنی هم «شرایط» و هم «نشانه‌ها» با بحث تربیتی ما مرتبط است. از شرایط ظهور، دو شرط مهم آن تا به حال آن‌گونه تحقق نیافته است که موجب تحقق وعده الهی شود:

تربیت امت اسلام در ساحت فکر و اندیشه، برای آن‌که شایستگی فراگیری، فهم و اجرای قوانین خدا، دین و امام موعود را داشته باشند که آن را تربیت فکری و عقلی می‌نامیم و تربیت در ساحت ایمان، که شماری کافی از افراد مخلص و مؤمن برای اجرای برنامه‌های عدالت‌محور و کامل الهی آماده باشند.

البته روشن است که حدی نسبی از تربیت فکر و ایمان در عصر پیش از ظهور انتظار می‌رود؛ چرا که تحقق کامل آن، پس از ظهور و در زمان حضور حجت حق اتفاق خواهد افتاد.

تربیت فکری و ایمانی پیش از ظهور، به تدریج و در نتیجه یک برنامه تربیتی درازمدت محقق خواهد شد. روشن است که در این موارد، قابلیت ارتقا وجود دارد و امت می‌تواند از جهت عقلی و ایمانی، از راه‌های پرورش عقل و ایمان، همواره در حال پیشرفت و ترقی باشند. تا زمانی که برنامه کلان الهی در باب تربیت امت اسلامی نتیجه نداده و امت به سطحی مطلوب از مسئولیت‌پذیری و رشد نرسیده است، باید گفت که روز موعود فرا نخواهد رسید؛ چرا که حدود و مقدمات، بالاتر از سطح فکری و فرهنگی و ایمانی مردم خواهد بود.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

ای پسر من! عقل‌های شما برای فهم این امر ضعیف است و خرده‌ایتان برای حمل آن

سست؛ ولی اگر در آن زمان (زمان ظهور) زندگی کنید، آن را درک خواهید کرد.^۱ مراد از «عقول» در این روایت، همان سطح فکری و فرهنگی و مراد از «احلام»، اخلاص و ایمان و نیروی اراده و مسئولیت‌پذیری است. طبق فرمایشات حضرت، درک و فهم این امر منوط به زندگی در آن زمان (ظهور) است و زندگی در زمان ظهور، منوط به تحقق شرایط و رسیدن روز موعود است. تا امت اسلامی به درجه‌ای نسبی از رشد و تربیت‌یافتگی در عرصه عقل و ایمان نرسند، روز موعودی نخواهد آمد که تعقل و ایمانشان کامل شود و امور مورد نظر را درک کنند.^۲

با این اوصاف همان‌طور که ادعا شد، هم نشانه‌ها و هم شرایط، دارای فواید تربیتی خاص خود خواهند بود. هر چند نشانه‌ها رابطه سببی با روز ظهور ندارند، خداوند آن‌ها را مایه بیداری و آگاهی امت قرار داده تا نزدیک شدن زمان ظهور را دریابند و با تلاش و تکاپو، آمادگی کامل روحی و فکری برای استقبال از امام و رهبرشان و پذیرش مسئولیت‌ها را داشته باشند.

در مورد شرایط نیز در صورت حاصل شدن دو شرط تربیت عقلی - فکری و تربیت ایمانی، جدا از حرکت و پیشرفت تربیتی در همین سیر، شرایط دیگر نیز برای ظهور محقق خواهد شد. در نتیجه، آن طرح و ایده کامل اسلام در میان بشریت پدیدار خواهد شد و امت هم که به مدد آموزه‌های تربیتی مکتب اسلام و به طور خاص، آموزه‌های اعتقادی - تربیتی مهدوی، به شایستگی تربیت شده‌اند، قابلیت آن را پیدا خواهند کرد که در زمان ظهور حضرت، از حکومت عدل جهانی ایشان حمایت کنند؛ چرا که درک عقلی و ایمانی مطلوب را یافته‌اند.^۳

ما در اینجا به دنبال سیر تربیتی برای رشد عقلی - فکری و ایمانی مردم در زمان پیش از ظهور و تا حدودی پس از ظهور هستیم؛ اینکه در برنامه کلان الهی و برنامه‌ریزی تربیتی آن، در آخرین حلقه از زنجیره تربیتی که تربیت مهدوی است، مراحل چگونه و با

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۱؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۰، باب ۳۴.

۲. تاریخ ما بعد الظهور، ص ۵۴، ۵۶ و ۵۷.

۳. همان، ص ۵۴ و ۵۸.

چه اهدافی چیده شده‌اند تا ما، به سرانجام اعتقاد مهدوی و آثار تربیتی آن دست یابیم. این توضیح لازم است که هر چند در نگاه کلان، تربیت را در دو ساحت عقلانی و ایمانی در نظر می‌گیریم، در بررسی سیر تربیتی در دوره‌های پیش از ظهور، مباحث خود را در قالب این دو قسم مطرح نمی‌کنیم؛ اما پس از بررسی، روشن خواهد شد که نتایج مباحث عرضه شده، در تجلی و رشد عقلانی و ایمانی امت مؤثر بوده، هست و خواهد بود.

گفتار دوم: زمینه‌سازی خدا و انبیا علیهم‌السلام در تربیت مهدوی و آثار آن

نخستین زمینه‌سازی برای بروز و ظهور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، در خطاب خداوند به پیامبران و اولیا و دیگر افراد بشر، در قرآن و کتاب‌های مقدس صورت گرفته است. قرآن طبق سبک و اسلوب خود، به ترسیم طرح کلی از آینده جهان و بشارت عصر رهایی پرداخته و در برخی نشانه‌های ظهور به اجمال اکتفا کرده و بیان جزئیات و حسب و نسب و مختصات یاران را به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و تبیین آنان سپرده است؛ از جمله: آیات ۵ و ۶ سوره قصص، ۵۵ سوره نور، ۱۰۵ سوره انعام، ۳۳ سوره توبه، ۲۸ سوره فتح، ۹ سوره صف، ۸۱ سوره اسراء، ۶۱ سوره زخرف و ...^۱.

قصد ما پرداختن به این آیات نیست؛ بلکه نتایج آن در بعد تربیتی مورد نظر ماست، اما به عنوان شاهد مثال در روایتی از امام باقر علیه‌السلام ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیا، در تفسیر عبارت «عبادی الصالحون» مصداق آن، حضرت مهدی علیه‌السلام و اصحاب ایشان معرفی شده‌اند^۲ یا در تمثیل و استشهاد ائمه علیهم‌السلام در مورد حیات و ممات زمین، حیات زمین به عدالت حضرت مهدی علیه‌السلام، بعد از موت زمین به واسطه ظلم و جور^۳ و به عنوان حیات طیبه تعبیر شده است.^۴

۱. عبدالرحیم مبارک، فی رحاب الامام المهدی علیه‌السلام، ص ۱۶؛ السید علی الحسینی الصدر، الامام المنتظر من

ولادته الی دولته، ص ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۳۰ و ۳۳.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴، ح ۳۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۶۸، ح ۱۳.

۴. علی کورانی، المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی، ص ۹۵۲.

از مجموع آیات که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع مهدویت اشاره دارد، چنین بر می‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند، سه نوید داده است: استخلاف و حکومت در زمین (آیه ۵ سوره قصص و آیه ۵۵ سوره نور)؛ نشر آیین حق به طور اساسی در همه جا (آیه ۲۸ سوره فتح و آیه ۳۳ سوره توبه)؛ از میان رفتن تمام اسباب خوف و ناامنی (آیه ۵۵ سوره نور).

این موارد، نمایانگر بشارت خداوند به هنگام حضور مصلح جهانی در میان مردم است. مقدمه حضور مصلح، اصلاح و تربیت مردم است که محوریت آیات قرآنی در موضوعات مختلف، اصلاحات فردی^۱ و اصلاحات اجتماعی^۲ است و به زمینه‌سازی برای آمادگی عقلی و ایمانی بشر کمک می‌کند. در کنار آن، خداوند با بشارت آمدن منجی و توصیف روزگار نهایی و دعوت به صبر و انتظار، بر اهمیت موضوع مهدویت تأکید می‌کند.

به عبارت دیگر، قرآن کریم روشی ویژه و منحصر به فرد برای مطرح کردن موضوع مهدویت به کار گرفته و تمام اصول خود را در این الگو نهادینه کرده است و با توجه به سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی، تحقق این آرمان بزرگ الهی را به بشریت نوید داده و به منتظران راستین امام مهدی علیه السلام، بینشی روشن و مسیری صحیح و انگیزه‌ای متعالی بخشیده است، و آنان را به سوی سازندگی همه جانبه در دوران انتظار فراخوانده و شاخص‌ها و ویژگی‌های منتظران را نیز ترسیم فرموده است.^۳

پیامبران و امامان نیز معلمانی از جانب خدا برای اصلاح و تربیت بشر هستند. البته معلم جهانی و مصلح نهایی در آیات قرآن، حضرت مهدی موعود علیه السلام است^۴ که برای اصلاح و

۱. سید محمد حسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۸، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

۲. از جمله: مائده (۵): آیه ۱۵؛ حجرات (۴۹): آیه ۱۳؛ لقمان (۳۱): آیات ۲۰ و ۲۱ و...؛ رک: *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۸، ص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ عبدالله اخلاقی، *اصلاحات در حکومت حضرت مهدی علیه السلام*، ص ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱ و ۵۰.

۳. سید منذر حکیم، «جایگاه دکترین مهدویت در اسلام از منظر قرآن کریم»، *فصلنامه انتظار*، ش ۱۶، سال پنجم، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱.

۴. قصص (۲۸): آیه ۵؛ نور (۲۴): آیه ۵۵؛ توبه (۹): آیه ۳۳؛ صف (۶۱): آیه ۹؛ فتح (۴۸): آیه ۲۸؛ هود (۱۱): آیه ۸۶.

تربیت جامع و کامل بشر ظهور خواهد کرد.

در دیگر کتب مقدس در بشارت‌های عهدین قدیم و جدید و زبور، اشاراتی است که در مورد ظهور یک منتظر بشارت می‌دهد و کیفیت حکم او و شیوه ارتباط او با خدا را بیان می‌کند که در این اشارات، با سخنان پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام تشابهات فراوانی یافت می‌شود.

از جمله این موارد، در سفر اشعیا ۱۱: ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۹ و ۱۰ است که در مورد صفات موعود منتظر بیان شده است:

... حلول می‌کند بر او روح رب و روح کلمه و فهم و روح مشورت و قوه و روح معرفت و ترس خدا... حکم می‌کند به انصاف و عدل... آن روزی که بالا خواهد گرفت "قائم" پرچم را برای امت‌هایی که طلب می‌کنند او را و انتظار می‌کشند او را. و عبارات آن، با صفات بیان شده در روایات اسلامی که مهدی منتظر علیه‌السلام با حکم و فهم می‌آید و به عدل و عدالت برای ساکنان زمین و با حکم داود علیه‌السلام قضاوت می‌کند و...^۱ مشابه است.

در مورد زمینه‌سازی انبیا با توجه به آن که برنامه همه ادیان و راهبرد همه انبیا علیهم‌السلام احیا و تربیت انسان بوده است، در اعتقاد اسلامی، حکومت و تربیت مهدوی، تجلی آخرین فرصت ادیان (یقیناً الله) در این جهت تلقی شده است؛ چنان که حضرت مهدی علیه‌السلام در ابتدای ظهور، در سخنرانی خود می‌فرماید: «من باقی‌مانده آدم، بهترین فرزند نوح، برگزیده نسل ابراهیم علیه‌السلام و برگزیده‌ترین [از خاندان] محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستم».^۲ در واقع، نهالی که حضرت آدم علیه‌السلام کاشت و یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر آن را آبیاری کردند، در حکومت مهدوی به بار می‌نشیند. در سخن پیشوایان دین آمده است:

خوشا به حال آنان که این زمان را درک کنند و اگر ما هم آن زمان را درک می‌کردیم، در یاری امام زمان علیه‌السلام می‌کوشیدیم.^۳

۱. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۶؛ فی رحاب الامام المهدی علیه‌السلام، ص ۲۲.

۲. النعمانی، الغیبه، ص ۲۸۱، ح ۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸، ح ۱۰۵.

۳. النعمانی، الغیبه، ص ۲۷۳، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، ح ۱۱۶.

در حقیقت این رغبت و شوق پیشوایان دین، بدین دلیل بوده که چشم‌انداز آرمانی همه انبیا و امامان، در حکومت مهدوی تحقق می‌یابد و از این دوره است که تکامل بشری شتاب می‌یابد؛ هر چند در زمان‌های قبل زمینه‌سازی تربیتی صورت گرفته است، ولی افراد بر خلاف عصر پیش از ظهور، از زمان تحقق این دوره تا انتهای تاریخ می‌توانند با کمترین کوشش و هزینه به رشد و کمال دست یابند. بنابراین بدیهی است که تمامی ادیان و رسولان و امامان، احساس خوبی به این عصر و این حکومت داشته باشند و از آن به نیکی یاد کنند.

موارد مطرح شده در مورد منجی در کتب مقدس و تبلیغ و ترویج آن از طرف پیامبران الهی، آماده‌سازی ذهنی افراد بشر در تمام ادیان درباره وجود و ظهور منجی در آخرالزمان، توصیه به کسب آمادگی و اصلاح خویش و جامعه و در انتظار او بودن و بیان توصیفات و خصوصیات او، از جمله زمینه‌سازی‌هایی است که انبیا برای ایجاد درک و فهم در آیندگان درباره منجی آخرالزمان و اهمیت این مسئله برای آن‌ها انجام داده‌اند. «روز موعود» نتیجه تلاش‌های انبیا از آغاز پیدایش است که همگی بسترسازان تحقق آن روز هستند.^۱

بدین ترتیب، بهترین روش برای هدایت و تربیت انسان، جهت بخشیدن به حیات اوست. قرآن، بهترین و عالی‌ترین روش هدایتی را داراست و آیه ۹ سوره اسراء بر این مطلب اشاره دارد؛ چرا که قرآن، روح انسانی را با بهترین روش رشد می‌دهد؛ به گونه‌ای که انسان هم قادر است مسائل سودمند و حکیمانه را درک، و هم راه عملی را به خوبی طی کند.^۲

این روش، در بحث تربیت کلی الهی و نیز در بحث زمینه‌سازی اعتقادی مهدویت در کلام خدا جلوه‌گر است و در کنار آن، رهنمودهای رهبران دینی نیز مکمل این روش تربیتی است. هم‌چنین بزرگواران دینی ما نیز در جهت تفهیم و ایجاد باور درست درباره مهدویت (غیبت، انتظار و ظهور) گام برداشته‌اند که پس از کسب معرفت و بصیرت درباره

۱. مطالب قسمت انبیا برگرفته از: تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۹۷؛ دکترین مهدویت، ص ۸۱ و ۸۲.

۲. عبدالله جوادی آملی، هدایت در قرآن، ص ۷۴؛ مرتضی مطهری، احیای تفکر اسلامی، ص ۲۰.

آن، باید بر اساس آن عمل کنیم.

به فرموده امام علی علیه السلام:

علم و عمل، پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست، باید عمل کند؛ چرا که علم، عمل را فرا خواند؛ اگر آن (عمل) را یافت، می ماند و گرنه کوچ می کند.^۱

گفتار سوم: اقدامات اساسی ائمه علیهم السلام در راستای تربیت مهدوی و آثار آن

نقطه عطف زمینه سازی برای موضوع مهدویت، از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد و طبق نقل هایی^۲ گویی شناخت سیره حضرت محمد صلی الله علیه و آله، شناخت سیره و سلوک امام زمان عجل الله فرجه است.^۳

به طور کلی امامان معصوم علیهم السلام در مسیر ایجاد آمادگی علمی، ذهنی و روحی مردم، طبق برنامه و دستور الهی و به ترتیب منطقی قدم برداشته اند. این هادیان در عرصه های مختلف و با بیان های متفاوت، موضوعات مهمی را در زمینه مهدویت تبیین کرده و سبب ایجاد آمادگی برای عصر غیبت و ظهور شده اند. با بررسی دقیق روایات و دسته بندی و عنوان گذاری آن ها، به دو اقدام اساسی ائمه علیهم السلام در جهت آماده سازی برای موضوع مهدویت و عصر غیبت و انتظار و ظهور پی می بریم: اول، سیره تربیتی معصومان علیهم السلام در آماده سازی جامعه برای عصر غیبت و انتظار و ظهور؛ و دوم شیوه های ترویج فرهنگ مهدویت و جامعه پذیرسازی آن، که با توجه به اهمیت آن ها هر یک را در قسمی جداگانه توضیح می دهیم.

الف) سیره معصومان علیهم السلام در آماده سازی جامعه برای عصر غیبت، انتظار و ظهور

ایجاد معرفت و آگاهی درباره اصل مسئله غیبت، انتظار و ظهور و معرفی حضرت مهدی عجل الله فرجه

۱. نوید آمدن مصلح جهانی و معرفی ایشان:^۴ در گام اول، ائمه علیهم السلام از طریق بشارت به

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۰۹، ح ۱۴۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۳، ص ۲۵۰.

۳. الامام المنتظر من ولادته الی دولته، ص ۳۸.

۴. رک: بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۲۱۴ و ج ۳۶، ص ۲۹۱، ح ۱۱۴؛ خزّاز قمی، کفایة الأئمر، ص ۲۹.

آمدن حضرت مهدی علیه السلام و معرفی ایشان، در مسلمانان آمادگی علمی و روحی ایجاد کرده اند.

۲. توصیف عصر غیبت و دوران انتظار: درباره دوران انتظار، سازنده بودن انتظار و معرفی آن به عنوان برترین عبادت، توصیف عصر غیبت و شرایط و اسرار آن، روایات متعددی بیان شده؛ از جمله موضوعات مهم آن، امتحانات عصر غیبت و جدا کردن مؤمنان حقیقی از افراد سست ایمان است^۱ که به منظور آماده‌سازی مسلمانان برای این امتحان، بر آن تأکید فراوانی شده است.

۳. توصیف عصر ظهور و عدل‌ورزی و اصلاحات حضرت: تأکید ویژه و توصیف ویژگی‌های جسمانی، روحانی و معنوی و اخلاقی حضرت، توصیف عصر غیبت و اوضاع آن، تبیین انتظار و معرفی صفات منتظران حقیقی، تبیین سیره و روش حکومتی حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور، بیان شرایط اقتصادی، رفاهی، قضایی و فرهنگی در زمان حکومت حضرت، شرح صفات یاران و کارگزاران او، سخنرانی حضرت در زمان ظهور و حتی پیمان‌نامه اخلاقی^۳ حضرت پیش از تشکیل حکومت جهانی خود و عهد و پیمانی که از یاران و کارگزاران خود می‌گیرد و... همه از مواردی است که چهارده معصوم علیهم السلام در روایات برای معرفت و آگاهی امت اسلامی بیان فرموده‌اند.

حال این سؤال مطرح است که این همه تأکید و توصیه در زمان پیش از غیبت برای چه بوده و چه فواید و آثاری داشته است؟ این چه سخنرانی و پیمان‌نامه‌ای است که زودتر از موعد بیان شده است؟! حکمت آن چیست؟ بیان این سخنرانی و پیمان‌نامه، دلالت بر آن دارد که حرکت، رفتار و گفتار، روش و اسلوب، برنامه و عملکرد حضرت، طبق یک برنامه حکیمانه از قبل مشخص است.

قصد ما پرداختن به این روایات نیست؛ مهم آن است که شناخت حضرت و معرفت یافتن به ایشان، آشنایی امت با توقعات و انتظارات او، آگاهی بر خواسته‌ها و پیمان او،

۱. ر.ک: النعمانی، الغیبه، ص ۲۰۲؛ امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. ر.ک: کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۳، ص ۲۵۱.

۳. النعمانی، الغیبه، ص ۶۳۲.

انگیزه و تلاش برای کسب آمادگی، الگوگیری از صفات منتظران و یاران حقیقی، ایجاد شوق و امید، و درک اهمیت مسئله به دلیل پرداختن همه ائمه علیهم السلام به این موضوع و...، از آثار تربیتی بیان این روایتهاست.

راهکار تربیتی ائمه علیهم السلام به منظور ایجاد آمادگی در امت برای عصر غیبت، انتظار و ظهور

۱. دعوت به ثابت قدم بودن امت در زمان طولانی شدن غیبت و بیان پاداش انتظار، به منظور ایجاد انگیزه و رغبت: توصیه به پایداری در دین در زمان غیبت و بیان پاداش آن، که دوستی حضرت فاطمه علیها السلام است؛^۱ توصیه به ثابت قدم بودن در اجرای امر ائمه علیهم السلام در زمان غیبت که پاداش آن، هم‌رتبه بودن با امیرالمؤمنین علیه السلام در روز قیامت است؛^۲ توصیه به ثابت قدم بودن در راه ائمه علیهم السلام و بشارت به ثواب آن از جانب خدا؛^۳ و برای ایجاد انگیزه قوی‌تر بشارت‌دادن به این نکته که منتظران ظهور و معتقدان به امامت مهدی علیه السلام شیعیان خالص و راستین ائمه علیهم السلام هستند.^۴

در این قسمت، محور سخنان معصومان علیهم السلام، درک مشکلات و سختی‌های امت در عصر غیبت و دلداری به ایشان و دعوت آنان به امیدواری و ثابت قدم بودن است. معصومان علیهم السلام با کلام خود، انسان‌ها را آگاه و آماده می‌سازند و از لحاظ تربیتی و روانی، زمینه شوق به انتظار و صبر در برابر سختی‌های عصر غیبت را ایجاد می‌کنند. همچنین در راهکار تربیتی دیگری، با بشارت به پاداش‌های ثابت قدم بودن، امت را به پذیرش و عمل فرا می‌خوانند.

۲. اشاره به فضل مؤمنان منتظر و توصیه به انتظار حقیقی: در کلام ائمه علیهم السلام ایمان و عمل صالح و به جا آوردن مراتب بندگی، از خصوصیات منتظران حقیقی معرفی شده است.^۵ همچنین بر مایوس نشدن در دوران انتظار و باقی بودن بر ایمان^۱ تأکید، و اخلاص،

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹، ح ۱.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۶.

۴. همان، ج ۳۶، ص ۳۸۷، ح ۱.

۵. همان، ج ۲۴، ص ۲۱۴، ح ۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۶، ح ۱.

یقین و ایمان، از جمله صفات منتظران حقیقی شمرده شده است؛^۲ و نیز بر تقوای الهی برای حفظ دین در دوران غیبت،^۳ و انتظار همراه با خلق نیکو و پرهیزکاری که از خصوصیات اصحاب قائم علیه السلام^۴ است، تأکید شده است.

بیانات ائمه علیهم السلام به گونه‌ای است که توصیه‌ها و تلاش آنان را در جهت آموزش انتظار حقیقی به منتظران، جلوه‌گر می‌سازد؛ چه نکات دقیق و مهمی را در عبارات خود، برای الگوگیری امت اسلامی بیان می‌دارند و می‌کوشند از همان ابتدا و در دوران پیش از غیبت، شاخصه‌ها و ملاک‌های منتظران حقیقی را در میان مردم نهادینه کنند.

ایمان، عمل صالح، به جا آوردن مراتب بندگی، مایوس نشدن و امیدواری، اخلاص، یقین، تقوا و خلق نیکو، از جمله صفاتی است که معصومان علیهم السلام ما را به آن‌ها توصیه کرده‌اند. گویی دل انسان می‌لرزد و متوجه این هشدار می‌شود که مبدا من، امید خود را در این غیبت طولانی از دست دهم و به دنبال آن، ایمان و یقین من سست گردد! با این تنبه، انگیزه‌ای حاصل می‌شود که به دنبال کسب شناخت صحیح برخیزد و با خالص کردن خود و تقویت روحیه امید، در تقویت ایمان و یقین بکوشد. این‌گونه تأثیر کلام و نوع تربیت ائمه علیهم السلام، پیش از غیبت، بروز و ظهور می‌کند و آثار آن نه فقط در زمان حضور آنان، بلکه تا این زمان جاری است.

۳. تدابیر ائمه علیهم السلام برای زمینه‌سازی عمل در زمان غیبت و ارائه الگوی عملی به منتظران: با توجه به اهمیت موارد این قسم در بحث عملی، تعدادی از متن روایات را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کنیم:

- اطاعت از خدا و تمسک به امر ائمه علیهم السلام در زمان غیبت؛ یعنی اقتدا به امام زمان علیه السلام:
امامان معصوم علیهم السلام با عنایت به غیبت امام معصوم و ظاهر نبودن او در میان مردم، در

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۱۱۰، ح ۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۰۴، ح ۱۶.

۳. اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات من الامام الثانی عشر، ص ۴۴۲، ح ۱۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

نسخه عملی برای عملکرد امت اسلامی، بیان می‌دارند که می‌باید اطاعت از خدا و ائمه علیهم‌السلام و حضرت حجت علیه‌السلام و مودت آن‌ها را در کنار هم داشته باشید و به امام زمان علیه‌السلام اقتدا کنید.^۱

به فرموده امام صادق علیه‌السلام:

خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم علیه‌السلام به امر ما تمسک کند که قلب او بعد از این هدایت گمراه نمی‌شود.^۲

آن حضرت در کلامی دیگر می‌فرماید:

در چه حالی به سر خواهید برد در روزگاری که امامتان را شناسید؟ به آن حضرت عرض شد: اگر چنین شد، چه باید کرد؟ فرمود: از دستورات امام سابق پیروی کنید تا وقتی خداوند او را ظاهر کند.^۳

- حاضر و ناظر دانستن خدا و ائمه علیهم‌السلام:

اگر اعتقاد به این انتظار، حقیقی باشد و باور کنیم که همه در محضر خدا و امام زمان خود حاضریم، چقدر از مسائل و آداب را رعایت خواهیم کرد؟ در روایتی از امام باقر علیه‌السلام آمده است: «آیا معتقدید برای ما نسبت به شما، چشمانی نظاره‌گر و گوش‌هایی شنوا وجود ندارد؟ به خدا قسم، هیچ چیزی از اعمال شما از ما پنهان نیست. پس همه، ما را حاضر در نزد خود بدانید و نفس‌های خود را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا این حقیقت را بشناسید. من، فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم، امر می‌کنم».^۴

حضرت در کلام خود، این نسخه تربیتی را برای آماده‌سازی و تنبیه صادر می‌فرماید. وقتی به صراحت بیان می‌کند که ما شما را می‌بینیم و نظاره‌گر شما هستیم، این کنترل از راه دور در نفس اثر می‌گذارد. بدیهی است که باور این قضیه و یقین به آن، نقش تربیتی

۱. همان، ج ۳۶، ص ۳۸۶، ح ۱؛ اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۰۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۵۵.

۳. اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات من الامام الثانی عشر، ص ۴۷۴، ح ۱۵۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۴۳، ح ۳۱.

زیادی در کنترل نفس دارد و موجب تحولی بزرگ در رفتار و کردار انسان می‌شود.

- دعوت به دعا و نیایش و داشتن حالت انتظار:

یکی از یاران امام هادی علیه السلام از آن حضرت، درباره برنامه عملی و وظیفه عموم شیعیان در زمان غیبت حضرت سؤال کرد: در زمان غیبت، شیعیان شما چه کاری انجام دهند؟ امام فرمود: «بر شما باد دعا و نیایش و داشتن حالت انتظار».^۱

درباره توصیه به خواندن دعای غریق در زمان غیبت، نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

شبهه‌ای دامن‌تان را خواهد گرفت و به حیرتی دچار خواهید شد؛ [ولی] نشانه هدایت و امام راهبرتان دیده نخواهد شد. در زمان غیبت او، انسان با ایمان را سزاست که خدای را با دعای غریق بخواند.^۲

عناصر کلیدی و شاخص در دعای غریق، در توصیه امام صادق علیه السلام عبارت است از: طلب ثبوت و استواری قلب بر دین، درخواست شناخت خدا که زمینه‌ساز شناخت پیام‌آور خداست، و درخواست شناخت پیام‌آور خدا، که موجب شناخت حجت خداست. در انتهای این دعا آمده است: «اگر حجت خویش را به من شناسانده بودی، از دین و دینداری راستین گمراه بودم».^۳

این موارد، تدابیر ائمه علیهم السلام در ارائه الگو و دعوت به پیروی از سنت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان غیبت، و توصیه به دعا و نیایش و ارتباط با خدا از طریق ادعیه، به ویژه دعای غریق بود که ما را در داشتن حالت انتظار واقعی کمک می‌رساند.

۱. همان، ج ۹۲، ص ۳۳۶، ح ۶.

۲. اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۳۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۷، ح ۱۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۲، ح ۴۳.

۴. در این قسمت برای یافتن احادیث جهت تنظیم و طبقه‌بندی، از این منابع بهره برده‌ایم: موعودشناسی، ص ۳۳۰-۳۳۰؛ سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۳ و ۴۶۸؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، ص ۶۳۵ و ۶۳۷؛ علی سعادت‌پور، الحشوش المضیئة، ص ۱۰۰، ۱۰۲ و ۱۰۳؛ صحیفه مهدیه، ص ۹۹، ۱۰۱ و ۱۰۷؛ المعجم الموضوعی للأحادیث الامام المهدی علیه السلام، ص ۴۲۰-۴۱۸.

به بیانی دیگر، رهنمودهای کلامی و توصیه‌ها را در سه عرصه می‌توان تقسیم کرد:

- رهنمودهایی که وظیفه منتظران حقیقی را در کسب دانش و آگاهی و معرفت صحیح بیان می‌کند؛ از جمله: آگاهی و معرفت به توحید و عدالت (توانایی او، تحقق وعده‌های او، نصرت دادن مؤمنان از طرف او و...)^۱؛ آگاهی و معرفت بر مقام امامت و ولایت امام زمان علیه السلام و شناخت حضرت^۲؛ آگاهی به نقش دین،^۳ نقش انسان در زندگی و وظایف او در دنیا.^۴

- توصیه‌هایی به منظور ایجاد تفکر و بینش صحیح ابراز شده است که در نتیجه کسب آگاهی و معرفت، بینش صحیح درباره این موارد حاصل می‌شود و درک درستی به وجود می‌آید؛ از جمله بینش درباره حضور دائم حضرت مهدی علیه السلام و نظارت خدا و ائمه علیهم السلام و امام زمان علیه السلام بر اعمال و رفتار و کردار ما؛ بینش درست درباره ایام غیبت و در معرض امتحان و ابتلای الهی قرار داشتن به منظور گزینش صالحان؛ بینش صحیح درباره انتظار و محورهای امیدواری، آمادگی، محبت همراه با عمل، اصلاح و قیام؛ داشتن درک درست از فواید صبر و حق‌جویی و عدالت‌خواهی، در همه این محورها^۵ قابل ذکرند.

- نکاتی که برای عملی کردن علم و بصیرت، با تأکید بیان شده است؛ از جمله: فرمان برداری و اطاعت کامل از حضرت مهدی علیه السلام در مقام عمل، پرهیزکاری و تقوا، داشتن اخلاق نیک و اخلاص و خیرخواهی، ادای حقوق الهی، دعای زیاد برای فرج و...^۶ که با عمل به این توصیه‌ها و کسب معرفت و بصیرت و عمل بر اساس آن، منتظران حقیقی تربیت می‌شوند.

۱. آل عمران(۳): آیات ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۳۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵؛ النعمانی، الغیبه، ص ۱۲۹، ح ۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.

۳. بقره(۲): آیه ۱۹۳.

۴. همان: آیه ۱۴۳.

۵. روایت‌های مربوط به این مطالب در مباحث قبل در همین کتاب موجود است.

۶. روایت‌های مربوط به این مطالب در مباحث قبل در همین کتاب موجود است.

ب) شیوه‌های امامان علیهم‌السلام برای ترویج فرهنگ مهدویت و جامعه‌پذیرسازی آن با توجه به بحران غیبت و وجود مشکلات این دوره و بروز سرگردانی در این عصر، امامان معصوم علیهم‌السلام برای پیش‌گیری از این بحران و بهبود مشکلات، طبق برنامه الهی و آگاهی‌های غیبی خود، قدم‌هایی برداشتند که زمینه‌های خوداتکایی و آمادگی امت اسلامی را در پذیرش غیبت و گذراندن آن دوران پدید آورند.

مرجعیت عالمان

امامت شیعه توانسته بود از ابتدا نوعی از رهبری جانشینی را در امت شیعی به وجود آورد. عالمان شیعی به اذن امامان، نوعی از مرجعیت را پیدا کرده بودند که امت در هنگام ناتوانی یا دسترسی نداشتن به امام، به آنان مراجعه کنند و مسائل خود را از آنان بپرسند. امام صادق علیه‌السلام با یک برنامه‌ریزی بسیار عالمانه، مرجعیت قضاوت را به اهل نظر؛ یعنی همان عالمانی که بعدها به عنوان مرجع در فرهنگ تشیع معروف شدند، واگذار کرد. این عمل افزون بر استقلال از حاکمیت اکثریت، به عالمان شیعی مشروعیت بخشید و همین مشروعیت، موجب پذیرش عالمان در میان شیعیان شد.

امامان معصوم علیهم‌السلام حتی در زمان خودشان به بعضی از شاگردانشان اجازه اجتهاد می‌دادند تا پاسخ‌گوی مشکلات دینی مردم باشند. این موارد، تمرین خوبی برای خوداتکایی امت به شمار می‌رفت تا در زمان غیبت، برای حل مشکلات دینی به عالمان واجد شرایط خود رجوع کنند.

معصومان علیهم‌السلام ضمن لطف و احترام به عالمان شیعه و اهدای صله به آنان، تلاش کردند آن‌ها را از وابستگی به حکومت یا گرایش به دنیا حفظ کنند و با بیان احادیث، منزلت آنان را بالا ببرند؛ به ویژه امام عسکری علیه‌السلام که در مورد عظمت علما، بسیار زمینه‌سازی کرد، از جمله مسئله تقلید از فقهای شیعه را مطرح فرمودند.^۱ بدین‌گونه، ریشه‌دار شدن عالمان در بین شیعیان، یکی از عوامل مهم عبور شیعه از بحران غیبت و از شیوه‌های امامان علیهم‌السلام

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۸۸-۸۶، ح ۱۲؛ تفسیر الامام العسکری علیه‌السلام، ص ۲۲۹ و ۳۰۰.

برای جامعه‌پذیرسازی فرهنگ مهدویت بوده است.^۱

غیبت‌های کوتاه و احتجاب تدریجی، نظام وکلا و نظام مراسله

همه ائمه علیهم‌السلام برای ایجاد آمادگی روحی و روانی و عملی در افراد و جامعه‌پذیرسازی غیبت و فرهنگ مهدویت، زمینه‌سازی کرده‌اند؛ به ویژه امام هادی و امام عسکری علیهما‌السلام که با به‌کارگیری شیوه‌هایی چون غیبت کوتاه و احتجاب تدریجی، نظام وکلا و نظام مراسله، برای آماده‌سازی مردم اقدام کرده‌اند. این دو امام، به ویژه امام عسکری علیه‌السلام از پشت پرده با اصحاب خود سخن می‌گفتند و برخی از کارهای مردم را از طریق وکیلان پی‌گیری می‌کردند و مردم را به آنان ارجاع می‌دادند؛^۲ یا با نامه‌نگاری، نکات و توصیه‌های خود را بیان می‌فرمودند^۳ تا زمینه‌ای برای تشکیلات غیبت صغری باشد.^۴ جایگاه عالمان شیعی و اصالت یافتن آنان در مقام کفیلان و نایبان عام ائمه علیهم‌السلام در اواخر امامت معصومان، کارکرد صحبت از پشت پرده و نظام وکلا و مراسله، به اضافه تلاش برای ایجاد اعتقاد به مهدویت از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که تحت عنوان سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام و آماده‌سازی جامعه عصر غیبت به آن پرداختیم، از جمله شیوه‌های تمرین جدایی از امام در ایام غیبت و جامعه‌پذیرسازی فرهنگ مهدویت است که موجب شد شیعه با بحران غیبت طولانی مواجه نشود و با آمادگی، در وادی غیبت و جدایی از رهبری معصوم قدم بگذارد.

شاگردان ائمه علیهم‌السلام و تأثیر آنان در گسترش فرهنگ مهدوی

ائمه علیهم‌السلام با تربیت شاگردان توانمند، زمینه را برای ترویج فرهنگ مهدوی آماده کردند. شاگردان و دوستداران ائمه علیهم‌السلام در راستای دستیابی به آثار تربیتی در بین مردم، از طریق ایجاد شور و رغبت در میان آن‌ها و به قصد ایجاد تحول اجتماعی و اعلام انزجار از

۱. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۰۹ - ۱۰۷.

۲. الطوسی، الغیبه، ص ۲۱۵-۲۰۹.

۳. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۴۶۲ و ۴۶۶.

۴. فی رحاب الامام المهدی علیه‌السلام، ص ۷۴ و ۷۵.

حکومت‌های ظالم، جنبش‌های مردمی را تشکیل می‌دادند و با رهبری این جنبش‌ها و ایجاد وحدت در میان مردم (در منابع تاریخی در مورد موافقت ائمه علیهم‌السلام یا مخالفت آنان با برخی رهبران این گروه‌ها، اختلاف نظر است)، در ترویج و گسترش فرهنگ مهدوی نقش مؤثری داشتند. اقدامات کیسانیه، ابومسلمیه، واقفیه، اسماعیلیه و... در بین مردم، نشان از آن دارد که اعتقاد به مهدویت در میان مسلمانان و شیعیان، امری کاملاً شناخته شده و شایع بوده است که در جای خود به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

از سوی دیگر، برخی شاگردان و دوست‌داران ائمه علیهم‌السلام از طریق تألیف کتاب در ترویج فرهنگ مهدوی مؤثر بوده‌اند و با تألیف و تصنیف کتاب‌هایی در موضوع غیبت، حتی دوران پیش از غیبت و در زمان حضور ائمه علیهم‌السلام، در این امر پیش قدم شده‌اند. بدین ترتیب، هم مردم آموختند که مصدر رجوع آنان فقیهان و عالمان دین هستند و هم عالمان دانستند که باید مصادر و مراجع علمی مورد نیاز را به گونه‌ای متقن و ثابت در دسترس مردم قرار دهند.

واقفیان از پیش‌گامان تألیف کتاب بودند؛ ابراهیم بن صالح انماطی، علی بن حسن طاهری و ابن سماعه، از سران واقفیه و صاحب کتاب در موضوع مهدویت هستند. در امامیه نیز علی بن مهزیار اهوازی با کتاب *الملاحم و کتاب القائم*^۱، حسن بن محبوب سراء با کتاب *المشیخة*^۲ در موضوع غیبت و فضل بن شاذان نیشابوری با کتاب *اثبات الرجعة و القائم*^۳، در امر گسترش فرهنگ مهدوی خوش درخشیدند.^۴

۱. النجاشی، رجال، ص ۲۵۳، ش ۶۶۴.

۲. الطوسی، الفهرست، ص ۴۱، ش ۱۵۱.

۳. النجاشی، رجال، ص ۳۰۶، ش ۸۴۰.

۴. حسن حسین زاده شانه‌چی، «غیبت صغری و وضعیت علمی - فرهنگی شیعه (۱)»، مجله موعود، ش ۲۷،

سال ششم، ص ۸۰.

گفتار چهارم: آثار تربیتی آموزه‌های مهدوی در این عصر به همراه نقل برخی

شواهد تاریخی

از جمله آثار آموزه‌های مهدوی و تعلیم اعتقاد صحیح به مهدویت که خداوند، انبیا و اولیا علیهم‌السلام و شاگردان ائمه علیهم‌السلام مسئول تعلیم آن بوده‌اند، عبارت‌اند از:

- شناخت و پذیرش قلبی حضرت مهدی علیه‌السلام به عنوان منجی آخرالزمان؛
- انتظار واقعی برای او بر اساس آموزه‌های قرآن و معصومان علیهم‌السلام؛
- فهم سختی‌ها و مشکلات خاص زمان غیبت و صبر و تحمل در برابر آن؛
- تعلیم مقاومت در مواجهه با ابتلا و آزمایش برای انتخاب مؤمنان و منتظران حقیقی در دوران غیبت؛

- مراقبت همیشگی درباره گفتار و رفتار و اعمال، به دلیل اعتقاد به نظارت دائمی خدا و ائمه علیهم‌السلام بر احوال امت؛

- شوق و انگیزه کافی برای کسب صفات منتظر حقیقی و آمادگی برای یاری حضرت؛

- الگوگیری از صفات منتظران حقیقی، حتی در زمان حضور ائمه علیهم‌السلام؛

- نا امید نشدن از آمدن حضرت و امیدوار بودن به حضور در مدینه فاضله؛

- پذیرش و آمادگی ارتباط با امام از پشت حجاب، یا از طریق نظام و کلا و مراسله و پذیرش عالمان دین به عنوان نایبان امام و...

اما مبنای آثار تربیتی اشاره شده، به این اقسام تقسیم می‌شود:

امیدواری برای تحول و بهبود شرایط جامعه و ظهور حضرت: پس از شهادت امام علی علیه‌السلام با افزایش تعصبات نژادی و اشرافیت ایرانی و رومی، فاصله گرفتن از شعائر اسلامی، رفتن عدالت اجتماعی و بازگشت تبعیض‌ها و... همه مصلحان به دنبال رهایی از این وضع بودند.

در این میان، شیعیان به دلیل اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه‌السلام که از نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و منجی دین و آیین اوست، این آرمان را واقعی و دوران سیاه ظلم و شقاوت ستمگران را ناپایدار و زودگذر می‌دانستند؛ به گونه‌ای که پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام همواره مترصد ظهور مهدی علیه‌السلام بودند و با امید و آرزوی ظهور آن امام و پیروزی وی بر ظالمان و

انتقام مظلومیت خود و هموعان‌شان، آلام خود را تسکین می‌دادند.^۱ شواهد تاریخی که در این قسم بیان می‌شود، برگرفته از کلام معصومان علیهم‌السلام و ویژگی‌های شیعیانی است که پیش از غیبت امام زمان علیه‌السلام، از طریق راهکارها و آموزه‌هایی که ذکر شد، منتظر تربیت شده‌اند؛ شیعیانی که پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام همواره مترصد ظهور مهدی علیه‌السلام بودند و با امیدواری، انتظار او را می‌کشیدند. از امام هادی علیه‌السلام درباره زمان فرج و پیروزی اهل بیت علیهم‌السلام پرسیدند، حضرت در پاسخ فرمود: «بعد از غیبت امامتان از جامعه ستمگران، منتظر فرج باشید».^۲

این روایت، بیانگر آن است که آنان در اوج امیدواری به پیروزی اهل بیت علیهم‌السلام، منتظر زمان فرج بودند و از امام زمان خود، چنین سؤالی پرسیدند.

هم‌چنین روایتی از امام رضا علیه‌السلام خطاب به معمر بن خلاد، با عبارت «انتظار شیعیان برای مهدی علیه‌السلام» آغاز شده است که نشان از وجود روح امید و انتظار در میان شیعیان دارد و در ادامه، حضرت به آنان گوشزد می‌کند که این امید و انتظار، پس از خالص شدن و کسب آمادگی‌های لازم از طرف شما محقق خواهد شد.^۳

کلامی دیگر که از گریه امام صادق علیه‌السلام و درد دل ایشان با حضرت مهدی علیه‌السلام حکایت دارد، نشان می‌دهد شخص امام معصوم نیز به امید ظهور منجی، رنج‌ها و مصائب را تحمل می‌فرمودند.^۴

انتظار با صبر: شیعیان بر اساس آموزه‌های دینی و آموزه‌های مهدوی، انتظار همراه با صبر را آموخته بودند؛ در عین حال ایستادگی و مقاومت در برابر ظالمان، نپذیرفتن بی‌عدالتی و ستم، ایثار و جهاد در راه خدا و... نیز از جمله آموزه‌های دین و ائمه علیهم‌السلام و به ویژه ره‌آورد قیام امام حسین علیه‌السلام و از اوصاف قیام حضرت مهدی علیه‌السلام بوده است.

۱. محمد حسن رجبی، «مدعیان دروغین در نهضت‌های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، سال

پنجم، ص ۷۸؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۰۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۹، ح ۲؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۳.

۳. النعمانی، الغیبة، ص ۲۰۲.

۴. الطوسی، الغیبة، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

بنابراین انتظار در تاریخ شیعه و اسلام، جلوه‌های گوناگونی داشته که یکی از آن‌ها، انتظار همراه با صبر بوده است. اثر آموزه‌های مهدویت در تحولات اجتماعی صدر اسلام و مقاومت شیعیان در برابر خلفای اموی و عباسی، در گروه صبر و انتظار و در عین حال مقاومت بوده است؛ اما مقاومت آنان با توجه به شرایط و اقتضائات زمان و مکان، از طریق تلاش و تکاپو برای افشاگری ظلم و ستم حاکمان، ارشاد مردم و دلداری و امیدواری دادن به آن‌ها، تلاش برای همراهی با امام زمان عصر و اطاعت از او صورت می‌گرفته است. از جمله شواهد تاریخی که بر وجود این اثر دلالت دارد، عبارت‌اند از: برخورد قاطع (البته غیرمسلحانه) تعدادی از شیعیان علوی در مقابل عملکرد بنی‌امیه و بنی‌عباس و رسوا کردن حکومت ظالمانه آن‌ها و شهادت این مسلمانان به دست عمال جور، رشد اصل تقیه در نتیجه پدیده‌های کم‌دوام سیاسی و سرکوب معترضان حکومت، هدایت شیعیان به سمت رشد فقهی و فرهنگی در زمان امام صادق علیه السلام، تبلیغ مذهب با در نظر گرفتن مصالح سیاسی و تدابیر فرهنگی و مذهبی، همگام با ترویج و گسترش فرهنگ مهدوی و اصل انتظار برای ایجاد امید به تحول و بهبود وضع جامعه در زمان بیشتر امامان علیهم السلام، پرورش شیعیان و افزایش نفوذ آنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی از سال ۳۳۰ هجری قمری، و ایجاد تحول مذهبی و سیاسی در دوران حکومت‌هایی مثل آل‌بویه.^۱

تأثیر اعتقاد به مهدویت در شکل‌گیری جنبش‌های مردمی با رویه ایتثار: شیعه بنا بر اعتقادات خود، علت اساسی غیبت حضرت را حاکمیت ظلم می‌داند. از این رو خداوند، آخرین امام را برای برقراری عدالت جهانی حفظ کرده و او را بقیةالله خوانده است. با این تفکر، شیعه هیچ‌گاه در زندگی سیاسی خود نا امید و سرخورده نمی‌شود و بر اساس آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، همواره به امید پیروزی حق بر باطل، برای مبارزه با حاکمیت باطل و نابودی آن آماده است. این بینش در طول تاریخ همراه با سختی‌هایش، به او

۱. «مدعیان دروغین در نهضت‌های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، سال پنجم، ص ۷۹؛ بهروزلک، «مباحث فلسفه سیاسی مهدویت و منجی‌گرایی»، باشگاه اندیشه مهدویت، ۱۳۸۶.

نشاط و شور داده است.^۱

بنابراین گروهی با الهام از آموزه‌هایی چون ایثار، مقاومت و جهاد در راه خدا، با هدف ایستادگی در برابر ظالمان وقت و ایجاد تحول در وضع موجود، جنبش‌های مردمی را برای از بین بردن ظلم و بی‌عدالتی تشکیل می‌دادند و از اعتقاد مردم به مهدویت و روحیه انتظار و امید و تحول‌خواهی آنان، به دلیل تنگ آمدن از ستم موجود بهره می‌بردند، ولی ادعایی در زمینه مهدویت نداشتند. البته تعداد این گروه‌ها بسیار اندک است.

مهم‌ترین شاهد تاریخی در این باره بابک، قهرمان مبارزه با عباسیان و ظالمان در آذربایجان است که در مورد نسب و مذهب او اختلاف است؛ ولی به نظر می‌رسد که از فرزندان مطهر، پسر فاطمه، دختر ابومسلم خراسانی بوده است و این فاطمه، همان است که فاطمیان خرمی به او منسوب هستند^۲ و دستگاه تبلیغاتی خلافت کوشیده تا بابک را هرچه بیشتر ناخوشایند جلوه دهد.^۳

یاقوت حموی در معجم البلدان با معرفی منطقه «بذ» اظهار می‌دارد که بابک خرمی، قیام خود را از آن‌جا آغاز کرد؛ سپس به سخن مسعر شاعر اشاره می‌کند: «در اردبیل، قلعه‌ای به نام "بذ" وجود دارد که طایفه خرمیه در آن اجتماع نمودند و با بابک بیعت کردند و بابک از آن‌جا خروج نمود. از آن پس، مردم در این محل، انتظار حضرت صاحب‌الامر را می‌کشند».^۴ در بین مردم شایع بود که حضرت از این محل ظهور می‌کند و این محل، سنبل و نماد انتظار آنان برای ظهور حضرت شده بود. در زیر این قلعه، نهر عظیمی است که مردم معتقد بودند هرکس دچار تب و مرضی باشد و خود را در رود آن قلعه بشوید، شفا می‌یابد.

منظور در این‌جا درست یا نادرست بودن اعتقادات این مردم نیست؛ بلکه مراد اصلی، تأثیر این اعتقاد در مردم آن عصر است تا آن‌جا که با دیدن این قلعه، به صاحب‌الامر و ظهور او فکر می‌کردند و آن را سنبل و نماد انتظار خود قرار داده بودند و در هر بیماری، به

۱. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۱۵.

۲. الدینوری، اخبار الطوال، ص ۴۴۴؛ الطبری، تاریخ، ج ۷، ص ۵۵۶.

۳. عبدالحسین زرین‌کوب، دو قرن سکوت، ص ۲۱۵ و ۲۱۷.

۴. الحموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶۱.

شفای بیمار خود از این رودِ قلعه، دل می‌بسته‌اند. اگرچه انحرافی بودن این مسئله، خود نکته‌ای است، ولی اثر تربیتی اعتقاد به مهدویت و رسوخ آن در روح و جان مردم آن منطقه، مطلب دیگری است که محل بحث و اشاره ماست.

گفته شده که منتظران مهدی کسانی هستند که پرچم سرخ برپا می‌کنند، و این نیز شاید سنبل و نماد دیگری از انتظار و منتظران آن دوره بوده است؛ چرا که آنان به سرخ جامگان مشهور بودند. آنان به ظهور مهدی علیه السلام معتقد بودند و مهدویت، راسخ‌ترین اصل اعتقادی آنان بود؛ به حدی که پس از سقوط شهر بزد و نهضت بزد و قتل‌عام ساکنان آن، بقیه مردم هم در عقاید خود باقی ماندند. گفتنی است که نهضت بزد، یکی از پنج فرقه شیعیان امامیه در آن عصر بوده است.^۱

از مهدی‌باوری تا شکل‌گیری مدعیان مهدویت^۲ (زمینه‌های تربیتی مثبت؛ اما کاربرد نامناسب): موضوع مهدویت و اعتقاد به آن در طول تاریخ شیعه، بروزهای مختلفی داشته است. در تاریخ شیعه، قیام‌های متعددی صورت گرفته که عنصر مهدویت در آن‌ها به چشم می‌خورد و تاریخ شیعه به خوبی نمایانگر این است که باور مهدویت، بر خلاف دیدگاهی که آن را با سکون همراه می‌داند، همواره عامل حرکت، قیام و مبارزه، همراه با ایثار و جهاد بوده است.

نخستین بروز مهدویت، بعد از شهادت امام علی علیه السلام و ادعای برخی شیعیان در مورد زنده بودن حضرت و مهدی بودن ایشان بود؛ اما پس از آن، ادعای جدی‌تر مهدویت، در مورد محمد حنفیه و اعتقادات کیسانیه درباره وی پدید آمد.^۳

۱. منصور تورک اوغلو، «بابک، قهرمان مبارزه با اشغالگران»، سایت اردبیل، ۱۳۸۵/۶/۱۵، www.Ardabil information.htm؛ (این مقاله خلاصه‌ای از کتاب «بابک و نقد تاریخ‌نگاری» تألیف رسول رضوی است که انتشارات نشر امین تبریز در سال ۱۳۸۰ چاپ کرده است).

۲. مراد ما از طرح این بحث در آثار و شواهد تاریخی تربیتی هر فصل، توجه به زمینه‌های تربیتی مثبتی است که به واسطه مهدی‌باوری در بین مردم وجود داشته؛ ولی متأسفانه مدعیان مهدویت از این زمینه‌های مثبت، سوءاستفاده کرده‌اند.

۳. سید علی موسوی‌نژاد، نشست «بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در نخستین جنبش‌های شیعی»، آرشو/اندیشه، سایت آینده روشن، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳، www.bfnews.ir.

با توجه به این توضیحات، دو گروه با استفاده از ادعای مهدویت، جنبش‌های مردمی ایجاد کرده‌اند:

۱. گروهی از آگاهان، با توجه به نارضایتی عمومی و اعتقاد عموم شیعیان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و انتظار آمدن او و نیز اطلاع از آثار تربیتی این اعتقاد، هم‌چون امید به بهبود وضع، تحول خواهی، مدینه فاضله و آمادگی مردم برای کمک رساندن به مهدی علیه السلام و اطاعت از او، ادعای مهدویت می‌کردند تا به این واسطه با بسیج عمومی و غلیان احساسات پیروان خود، بساط ظلم و ستم را برچینند. نیت این گروه خیر بوده و به قصد تحول اقدام می‌کردند؛ ولی به هر حال از طریق ادعای مهدویت، حرکت خود را آغاز می‌نمودند.

قیام‌های مختار ثقفی، زید بن علی بن حسین، یحیی بن زیاد، محمد بن جعفر، ابن طباطبای علوی و یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید را می‌توان شواهد تاریخی این بحث، ذکر کرد.^۱

۲. عده‌ای نیز با استفاده از آثار اعتقاد به مهدویت در بین مردم؛ از جمله روحیه ایثار و از

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: قیام مختار: تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۵۶۰ و ج ۶، ص ۷۱؛ ابن اعمش کوفی، الفتوح، ج ۶، ص ۲۲۸؛ سید حسین محمد جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سید محمد تقی آیت‌اللهی، ص ۳۰۵ و ۳۰۷-۳۰۷؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۷۱؛ غلامحسین محرمی، تاریخ تشیع از آغاز تا غیبت صغری، ص ۲۰۴؛ الاخبار الطوال، ص ۲۸۸. قیام زید: چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۶۸-۶۶؛ تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، ص ۱۴۸؛ «بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در نخستین جنبش‌های شیعی»، آرشیو اندیشه، سایت آینده روشن، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴؛ ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۶؛ «مدعیان دروغین در نهضت‌های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، ص ۸۰؛ «مباحث فلسفه سیاسی مهدویت و منجی‌گرایی»، باشگاه اندیشه مهدویت، شهریور ۱۳۸۶. قیام یحیی بن زید: ابی الفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۴۸؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۶۹؛ تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، ص ۱۴۹. قیام محمد بن جعفر: مقاتل الطالبیین، ص ۴۳۹؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۸۴. قیام ابن طباطبای علوی: ابن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۰۲. قیام یحیی: تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۲۶۸؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۹۹؛ «بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در نخستین جنبش‌های شیعی»، آرشیو اندیشه، سایت اندیشه روشن، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴.

جان‌گذشتگی آن‌ها در راه امام زمان علیه السلام، وحدت و همدلی مردم برای اجرای فرامین حضرت، صبر و ایستادگی در برابر ظلم، شور و انگیزه برای اصلاح و ایجاد تحول، دفع ظلم و آمادگی برای بسیج نیرو برای حضرت و نجات شیعیان و... به منظور تحقق اهداف قدرت‌طلبانه خود با ادعای مهدویت، علیه حکام و ظالمان وقت قیام کرده‌اند. در واقع، آن‌ها با مناسب دیدن فضا و استفاده از اختناق و فشار حاکم بر مردم به دلیل ظلم و ستم و اطلاع از احساسات پاک و قوی آن‌ها درباره مهدویت، برای پیش بردن اهداف سوء خود و کسب قدرت، از این ادعا بهره‌برداری کردند.^۱

شاهد تاریخی این نوع قیام‌ها، قیام‌های افرادی چون نفس زکیه^۲ و عبدالله بن معاویه^۳ است که برای پیشبرد اهداف خود، از طریق بازی با احساسات و عقاید مردم در مورد مهدویت، به نفع خود اقدام کردند.^۴

نکته مهمی که در این‌جا ذکر آن لازم به نظر می‌رسد، آن است که تمام آثار تربیتی مطرح شده در دوره پیش از غیبت، در عصر غیبت صغری و غیبت کبری نیز برقرار بوده و هست؛ بنابراین از ذکر دوباره و مبسوط آن در آثار تربیتی آموزه‌های مهدوی در غیبت

۱. «مدعیان دروغین در نهضت‌های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، ص ۸۰؛ «مباحث فلسفه سیاسی مهدویت و منجی‌گرایی»، باشگاه اندیشه مهدویت، شهریور ۱۳۸۶.
۲. مقاتل الطالبیین، ص ۲۱۴-۲۱۰؛ سنن ابو داود، ص ۸۷، ح ۴۲۸۲ و ص ۸۸، ح ۴۲۸۴؛ تشیع در مسیر تاریخ، ص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، ص ۱۵۳.
۳. مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۶؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۶۹.
۴. در دوره‌های بعد نیز شاهد سوء استفاده از آثار اعتقاد به مهدویت هستیم: هم‌چون دولت فاطمیان در غیبت صغری (یعقوب آژند، «مذهب امامیه در قرن چهارم هجری»، مجله تاریخ اسلام، ش ۳، سال هشتم، مهر ۱۳۷۹، ص ۱۲۸؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۲۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۹۴، ۱۱۴ و ۱۷۹) و دولت مشعشعیان (محمدعلی رنجبر، مشعشعیان (ماهیت فکری - اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی)، مقدمه کتاب و دولت سودانی) «مدعیان دروغین در نهضت‌های سیاسی و اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، ص ۸۰؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۱۷؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۷۶) و بهائیت و بابیت در غیبت کبری (سید سعید زاهد زاهدانی، «بهائیت، تقابل با اقتدار ملی ایران»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر (زمانه)، ش ۶۱، سال ششم، مهر ۱۳۸۶، ص ۹-۶).

صغری و غیبت کبری خودداری می‌کنیم و به بحث بیشتر درباره آثار تربیتی خاص آن دوره‌ها می‌پردازیم.

فصل سوم

**آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت
در دوره غیبت صغری**

تا سال ۲۶۰ هـ. ق شیعیان با امامان عصر خود در ارتباط بودند و از هدایت و فیض آنان بهره می‌بردند؛ اما در دوران غیبت صغری امام مهدی علیه السلام، ارتباط مستقیم مردم با حضرت و استفاده از هدایت و تربیت ایشان به طور معمول، میسر نبود. از این‌رو حضرت مهدی علیه السلام با تشکیل ساختاری نو و استفاده از راهکارهایی در جهت هدایت و تربیت مردم اقدام فرمودند.

با تشکیل سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری و امامت حضرت مهدی علیه السلام، ایشان با ایجاد نهاد وکالت و انتصاب نواب خاص و سفیران، بهره‌گیری از وکلای مورد اعتماد، از طریق توقیع و مکاتبه و ملاقات، و از طریق علما و فقهای جامع الشرایط و... در جهت ساماندهی فکری، علمی و اخلاقی شیعیان و هدایت و تربیت آنان تلاش می‌کردند. بدین ترتیب، راهکارهای مهدوی در این دوران عبارت‌اند از:

- سازمان رهبری و نهاد وکالت؛^۱

- توقیع، مکاتبه^۲ و ملاقات؛^۳

۱. المعجم الموضوعی الاحادیث الامام المهدی علیه السلام، ص ۹۹۵، ۸۶۴ و ۱۰۰۱؛ السید حسن الشیرازی، کلمة الامام المهدی علیه السلام، ص ۱۴۵.

۲. موعودشناسی، ص ۳۶۳ و ۳۶۵.

۳. ملاقات با امام زمان علیه السلام و امکان مشاهده و ارتباط با ایشان، در دوران غیبت صغری، هم امکان داشت و هم برای عده کثیری واقع شده بود و آن‌ها از وجود امام بهره‌مند شده‌اند. مرحوم شیخ مفید و شیخ صدوق، از این ملاقات‌کنندگان نام برده‌اند و اختلافی در آن نیست؛ اما در مورد غیبت کبری و امکان ملاقات حضرت، اختلاف نظر است و عده‌ای معتقدند با وجود تواتر نقل به رؤیت حضرت در زمان غیبت صغری و غیبت کبری و صفحات تدوین شده و حکایات نقل شده از ناقلان ثقة و معروف به صداقت و امانت و تقوا در این باب، علم قطعی به وجود چنین مسئله‌ای حاصل می‌شود و بیانات و استدلالات علامه مجلسی نیز در این زمینه در خور توجه است. از جمله افراد با اخلاص و درستکاری که امام خود را ملاقات کرده‌اند و در کتاب‌های مربوطه، فصلی جدا به آنان اختصاص داده شده است، می‌توان به علمای بزرگی؛ چون علی‌بن‌مهزیار، شیخ انصاری، سید بحر العلوم، محقق اردبیلی، علامه حلی و... اشاره کرد. اگر این تشرفات و مکاشفات را بپذیریم، در آن‌ها نکات تربیتی تأمل برانگیزی وجود خواهد داشت.

- تربیت علما.^۱

در ادامه به بررسی آثار تربیتی هر یک می‌پردازیم.

گفتار اول: آثار تربیتی سازمان رهبری و نهاد وکالت در تربیت افراد

نقش حضرت و آثار تربیتی سازمان رهبری ایشان، از طریق بررسی نواب و وکلای حضرت و نیز نقش آنان در زمان غیبت، از طریق توقیعات و نامه‌های حضرت و فرمایشات و توصیه‌های اخلاقی و تربیتی حضرت، از طریق ملاقات‌های حضرت در دوران غیبت و توصیه‌های ایشان به افراد که در مباحث بعدی بیان می‌شود، روشن خواهد شد. ضمن آن که تبیین می‌شود چگونه ایشان هدایت مردم را به طور مستقیم و غیر مستقیم در اختیار داشته‌اند و در زمینه حفظ ارزش‌ها و فرهنگ دینی و تربیت نسل مهدوی، اقدامات مؤثری انجام داده‌اند.

الف) سازمان رهبری

شیوه رهبری امام در ایام غیبت کبری به منظور انجام رسالت تربیت و هدایت امت، و با هدف بهره‌مندی متریبان آن دوره بوده است؛ از جمله مهم‌ترین آثار تربیتی سازمان رهبری حضرت، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

نجات شیعیان از گمراهی از طریق عنایت حضرت

- پس از فوت ابامحمد، نائب دوم حضرت، میان ابن ابی‌غانم القزوینی و جماعتی از شیعه در مورد خلف و جانشین حضرت اختلاف افتاد و مشاجره در گرفت که ایشان با پاسخ به نامه شیعیان، شک و تردید را برطرف کردند.^۲

....→

بحارالأنوار، ج ۵۲، باب ۱۸ و ۱۹، ص ۹۰-۱ و ج ۵۳، ص ۱۹۹-۵۹ و ص ۳۲۵-۳۱۸ (۳۱۲) حکایت؛ الزام الناصب فی اثبات الحجّة الغائب، ج ۲، ص ۴۱-۱ (۸۳ حکایت)؛ علی اکبر نهاوندی، حکایات عبقری الحسان فی أحوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام (کل کتاب)؛ صحیفه مهدیه، ص ۴۵۴-۴۱۳؛ الامام المنتظر من ولادته الی دولته، ص ۸۱؛ جمعی از نویسندگان حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۳۳.

۱. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۲۲.

۲. المعجم الموضوعی الأحادیث الإمام المهدی علیه السلام، ص ۸۶۷؛ الطوسی، الغیبه، ص ۲۸۵؛ طبرسی، الاحتجاج،

پاسخ حضرت، نشانه‌ای است بر این که امام زمان علیه السلام، مردم زمان خویش را رها نکرده اند و بر همه امور نظارت دارند و از حیث روانی و تربیتی، با دلیل و توجیه فکری و عقلانی، مردم را قانع می‌سازند و از گمراهی می‌رهانند.

- توقیع حضرت به آخرین نائب خود در اواخر غیبت صغری و عبارت «فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ...» که آغاز غیبت کبری و نشانه‌های آن و علائم ظهور را بیان فرموده‌اند،^۱ نشان می‌دهد که حضرت، مردم را در سرگردانی و ناآگاهی رها نکرده‌اند و با اعلام غیبت کبری و نشانه‌های آن، اظهار داشتند که منتظر باشند و بکوشند که حق را بشناسند تا گمراه نشوند.

- در ابتدای غیبت صغری، گروهی از شیعیان قم، مثل همیشه برای دیدار با امام حسن عسکری علیه السلام و تقدیم هدیه و وجوهات شرعی خود، به سامرا رفتند و در آنجا متوجه شهادت حضرت شده، با ادعای جعفر کذاب مواجه گردیدند. پس از نیافتن امام بعدی، با حیرت و سردرگمی راهی قم شدند که در بیرون شهر سامرا، پیک امام مهدی علیه السلام آنان را نزد حضرت برد. حضرت به شیعیان قم فرمودند: «نماینده خود را با نام عثمان بن سعید عمری در بغداد می‌گذارم تا در مواقع لزوم به او مراجعه کنید».^۲

بدین طریق حضرت، شیعیان قم را با اقدامی به‌موقع، در راهیابی درست و شناخت ولیّ زمانشان و خارج شدن از حیرت، یاری فرمودند. به این ترتیب مردم در هنگام ناامیدی و سختی و در مشکلات علمی، مادی یا خانوادگی و... از طریق نائب با امام خود ارتباط برقرار می‌کردند. البته شناسایی این نائبان نیز با امدادهای غیبی ناحیه مقدسه صورت می‌گرفت. افزون بر این ماجرا که به «وفد قمیین» معروف است، می‌توان به ماجرای حسن بن نصر قمی،^۳ محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی^۴ و ابوالعباس احمد دینوری اشاره کرد^۵ که به

ج ۲، ص ۴۶۷.

۱. المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی علیه السلام، ص ۱۰۰۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۶، ح ۲۶.

۳. همان، ص ۴۴۳، ح ۱۶.

۴. همان، ص ۴۸۶، ح ۸.

۵. محمدرضا جباری، «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، مجله انتظار، ش ۱، سال اول، پاییز

توضیح یکی از این موارد می‌پردازیم:

در مواردی برای نجات مردم از ادعاهای دروغین و هدایت آن‌ها به مسیر اصلی، به امداد غیبی حضرت نیاز بود. امام برای مقابله با این مدعیان، روش‌های مناسب و شیوه‌های خاصی داشتند؛ از جمله تعلیم مقایسه ظاهر مدعیان دروغین با سفیر راستین، چنان‌که احمد دینوری پس از ورود به بغداد و مواجه شدن با ادعای نیابت سه نفر، با بررسی وضعیت ظاهری و خانه آن‌ها توانست به صحت ادعای ابوجعفر عمری پی ببرد.^۱

آماده شدن نواب برای حل مسائل مردم و راهنمایی شیعیان از طریق آموزش‌های حضرت: از جمله روش‌های امام و سفیران ایشان جهت هدایت مردم، حضور سفیر راستین در محفل مدعی سفارت و پیروان او بود که به شیوه‌ای از وی درباره دروغ بودن ادعایش اقرار می‌گرفتند. مانند ادعای ابوطاهر محمدبن‌علی‌بن‌بلال که ابوجعفر عمری با راهنمایی امام، در محفل او و پیروانش حاضر شد و خطاب به او گفت: «آیا صاحب‌الزمان به تو امر نکرد که اموال را به من تحویل دهی؟» و او در حالی که رنگ باخته بود، چاره‌ای جز اقرار ندید و همین مسئله، موجب بازگشت برخی پیروانش شد.^۲ این چنین، حضرت و سفیر راستینشان، نقش هدایتی و تربیتی خود را ایفا کردند.

تربیت و اصلاح افراد از طریق هدایت باطنی و نفوذ روحانی حضرت مهدی علیه‌السلام: حضرت مهدی علیه‌السلام از طریق هدایت باطنی و نفوذ روحانی نیز به تربیت و اصلاح پیروان خویش می‌پردازند؛ چنان‌که در کلام امام علی علیه‌السلام آمده است: «خداوندا! جز این نیست که باید حجتی از سوی تو در زمین باشد تا خلق را به سوی آیین تو رهنمون گردد و اگر وجود ظاهری او از مردم پنهان است، ولی بی‌شک تعالیم و آداب او در دل‌های مؤمنان پراکنده است و آن‌ها بر اساس آن عمل می‌کنند».^۳

....

۱۳۸۰، ص ۳.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۰، ح ۱۹.

۲. الطوسی، الغیبة، ص ۴۰۰ و ۴۰۱.

۳. اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات من الامام الثانی عشر، ص ۴۶۳، ح ۱۱۲.

مسلم است کسانی همچون شیخ مفید که شایستگی لازم را داشته‌اند، تحت تربیت ویژه حضرت قرار گرفته‌اند.^۱

از دیگر آثار تربیتی سازمان رهبری حضرت مهدی علیه السلام در میان مردم، حفظ سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. این امر با اقدامات عملی و توصیه‌های کلامی حضرت مهدی علیه السلام، رفع نیازهای مؤمنان و اصلاح مشکلات آنان، کشف انحرافات عقیدتی و افشای به موقع کذابان، امیدبخشی و ایجاد آمادگی و همدلی در شیعیان، حل مشکلات علمی و فکری آنان و... صورت می‌گیرد که هر یک به مقتضای بحث خود، در مبحث نهاد وکالت، توقیعات و ملاقات بررسی خواهد شد.

ب) نهاد وکالت

یکی از مهم‌ترین ارکان سازمان رهبری حضرت در دوره غیبت صغری، انتخاب نواب خاص از سوی حضرت و استفاده از آنان برای پیش‌برد اهداف تربیتی بوده است. از کارکردهای نهاد وکالت و آثار تربیتی آن در میان مردم، می‌توان به این موارد اشاره کرد: هدایت شیعیان به مسیر اصلی امامت و رهایی بخشیدن از سردرگمی‌ها و انحراف‌ها؛ ارشاد شیعیان و تلاش برای راهیابی درست آنان و رهایی از سردرگمی‌ها، در غوغای شیطنت‌های فرمانروایان عباسی و ادعای مدعیان دروغین نیابت و خیانت برخی نایبان امامان پیشین، از جمله کارکردهای نهاد وکالت بود. مانند ابوجعفر عمری و نقش هدایتی او در اقرار گرفتن از ابوطاهر محمدبن علی بن بلال درباره ادعای دروغش، که در گذشته مطرح شد. همچنین نواب خاص برای جلوگیری از انحراف‌ها، بر روایات و احادیث و تألیف کتب دینی و اموری از این قبیل نظارت داشتند.^۲

جلب اعتماد مردم از طریق خرق عادت، با عنایت حضرت: برای مثال، ابوجعفر عمری

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، مجله انتظار، ش ۱، ص ۷؛ «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۳)»، مجله موعود، ش ۳۰، سال ششم، اسفند ۱۳۸۰، ص ۸۱.

در یک ماجرا با خرق عادت، از محل پارچه گم‌شده‌ای به یکی از شیعیان خبر می‌دهد؛^۱ یا حسین بن روح نوبختی به نامه‌ای نانوخته که صفحه‌ای سفید بیش نبود و پرسش فقط در ذهن صاحب نامه بود، پاسخ داد؛^۲ یا این که علی بن محمد سمری در بغداد از وفات علی بن بابویه قمی در قم در همان تاریخ خبر داد.^۳

جلوگیری از تفرقه شیعیان: از جمله فعالیت‌های سفیران این بود که با اثبات امامت پسر امام حسن عسکری علیه السلام، جماعت امامیه را از انشعاب‌های بیشتر مصون دارند. در این راستا، آنان با نقل سخنانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام که بر ختم دوازده امام به امام مهدی علیه السلام و غیبت ایشان دلالت داشت، توانستند انشعاب‌ها در مکتب تشیع را کاهش دهند و در نهایت از بین ببرند.^۴

پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و علمی و عقیدتی مردم و مناظره با مخالفان: نایبان، مرجع مراجعات مردم در مسائل و مشکلات علمی و اخلاقی، معتبرترین سند علمی و تربیتی و تعیین‌کننده حقانیت در شبهه‌های کلامی و عقیدتی بودند؛ چنان که از نایب دوم حضرت در مورد مفوضه و عقایدشان و پیروی از آن‌ها سؤال شد، ایشان نظر مفوضه در نسبت دادن خلق و رزق به ائمه علیهم السلام را تکذیب، و آن را از شئون ذات الهی ذکر کرد. مردم نیز چون می‌دانستند که نواب با حضرت در ارتباط هستند، سخنان آنان را با اطمینان می‌پذیرفتند.^۵ در ماجرای دیگر، حسین بن روح نوبختی به سؤالی درباره علت تسلط دشمنان بر امام حسین علیه السلام پاسخ مفصل و قانع‌کننده‌ای داد؛ به گونه‌ای که راوی می‌گوید: تردید کردم که پاسخ‌ها از جانب او باشد، ولی چیزی نگفتم که خودش رو کرد به من و گفت:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۲، ح ۳۰.

۲. همان، ص ۴۸۸ و ۴۸۹، ح ۱۱؛ قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۳، ح ۳۲؛ رک: محمدرضا جباری، «از سازمان وکالت تا فقاقت»، مجله موعود، ش ۳۸، سال هفتم، خرداد و تیر ۱۳۸۲، ص ۴۵.

۴. حسن عبدی‌پور، نقش اجتماعی انتظار، ص ۷۱.

۵. اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات من الامام الثانی عشر، ص ۷۵۷، ح ۴۳.

این‌ها را از حضرت حجت علیه السلام شنیده است.^۱

به واسطه این کار نایبان، اطمینان و آرامشی پدید می‌آمد که از شدت بحران نبودِ امام می‌کاست. نایبان، وکلا را تثبیت می‌کردند و هر دو در جهت تحکیم و تثبیت فقیهان مرجع اقدام می‌کردند و مردم را برای طلب سؤالات و مشکلات از فقیه در زمان غیبت کبری، آماده می‌ساختند.^۲

رساندن نامه‌ها، پیام‌ها، پرسش‌ها و مشکلات مردم به حضرت و دریافت جواب و ابلاغ به آنان: مانند نامه حضرت به محمدبن جعفر الاسدی که خاص پاسخ به سؤالات و مسائل شرعی و فقهی بوده و از طریق نایبان حضرت به او رسیده است^۳ یا پاسخ به سؤالات فقهی محمدبن عبدالله بن جعفر الحمیری^۴ که نایب حضرت به او ابلاغ کرد.^۵

گفتار دوم: آثار تربیتی توقیع و مکاتبه

نوشتن توقیع و نامه از طرف حضرت مهدی علیه السلام یا پاسخ به نامه‌های نگاشته شده برای حضرت، وسیله هدایت خواص و عوام در مسیر حقیقت دین بوده است. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از:

اعلان نصب سفرا و وکیلان و آگاهی دادن به مردم درباره آن‌ها: از جمله توقیع حضرت به نایب دوم، فرزند عثمان بن سعید، به مناسبت ارتحال پدرش و هم‌دردی حضرت در این مصیبت و اعلام جانشینی او^۶ یا توقیع حضرت درباره معرفی راویان حدیث که فرمود: «و اما رخداده‌ها و پیش‌آمدهایی در آینده روی خواهد داد، درباره آن‌ها به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمایند و من، حجت خدایم»^۷.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷، ح ۳۷.

۲. «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۳)»، مجله موعود، ش ۲۹ و ۳۰، سال ششم، ۱۳۸۰، ص ۸۱.

۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۹.

۴. همان، ص ۴۸۱.

۵. السيد صدرالدين القبانجي، الحركة الإصلاحية من الحسين الى المهدي، ص ۸۲.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.

۷. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰، ح ۱.

حفظ ارزش‌ها و فرهنگ دینی و سنت و سیره نبوی ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام از طریق توصیه‌ها و اندرزها؛ برای مثال، در مورد نهی از پرسش‌های بیهوده، حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه ضمن توقیعی، ظهور را در اختیار خدا و زمان آن را از علم و اختیارات الهی دانستند و مردم را از پرسش‌های بیهوده در حکمت و مصلحت غیبت نهی فرمودند.^۱

در توقیعی، امام زمان عجل‌الله‌تعالیه در موضوع لزوم محبت فرمود: «هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک کند و از آنچه ناخوشایند ما و موجب کراهت و خشم ماست دوری گزیند؛ زیرا امر ما ناگهان فرا می‌رسد، در هنگامی که توبه در آن زمان برای او سودی ندارد و خداوند رشد و هدایت مطلوب را بر شما الهام فرماید و به لطف خویش، شما را به بهره‌وری از رحمت‌هایش توفیق بخشد».^۲ در بیان حضرت آمده است که عمل ما باید مطابق رضایت آنان باشد تا موجب محبت و دوستی حقیقی گردد؛ ضمن آن‌که ایشان ما را از تأخیر انداختن در امر توبه و متکی شدن به توبه آن لحظه برحذر می‌دارند.

در مورد ادای حقوق الهی، در توقیعی که برای شیخ مفید صادر شده و حضرت، ایشان را دوست بااخلاص خود می‌خوانند، به شیعیان سفارش می‌کنند: «سفارش می‌کنیم هر یک از برادران دینی تو را که تقوای الهی پیشه کرده است تا آن‌چه بر گردن دارد، به مستحقانش برساند؛ در نتیجه از فتنه‌های ویرانگر و گرفتاری‌ها و آشفتگی‌های تاریک و گمراه‌کننده در امان خواهد بود و آن کس که در دادن نعمت‌هایی که خداوند به او کرامت کرده، به کسانی که فرمان رسیدگی به آن‌ها را دارد، بخل ورزد، زیان کار دنیا و آخرت خواهد بود».^۳

در موردی دیگر، درباره حق امام زمان عجل‌الله‌تعالیه سفارش شده و حضرت در ضمن توقیعی، با توصیه به شیعیان می‌فرماید: «پس از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کار را به ما واگذارید و بر ماست که شما را از سرچشمه، سیراب بیرون آوریم... از راه راست منحرف نشوید و به نادرستی نگرایید و بر اساس سنت آشکار الهی به وسیله محبت و دوستی خود، راه و

۱. الحركة الاصلاحية من الحسين الى المهدي، ص ۸۲.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸؛ واحد تحقیقات جمکران، فرازهایی از توقیعات حضرت، ص ۶۴.

۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷؛ فرازهایی از توقیعات حضرت، ص ۶۵.

مقصدتان را به سوی ما ادامه دهید»^۱.

امیدبخشی و همدلی با شیعیان: حضرت صاحب الامر علیه السلام برای ایجاد آمادگی در شیعیان و اعلام مراقبت از اعمال و رفتار و گفتار آنها، چنین بیان می‌دارد: «ما به همه اخبار و احوال شما علم داریم و چیزی از اخبار شما از ما دور نمی‌ماند»^۲. این چنین، ضمن اعلام همراهی، شیعیان را متوجه کنترل و نظارت دقیق خود می‌کنند.

در بیانی دیگر درباره رسیدگی به امور مردم، ضمن امید دادن و همدلی با آنها می‌فرماید: «ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم و اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصائب بر شما فرود می‌آمد...»^۳. بیان چنین عبارتی از جانب یک امام و مولا، آثار تربیتی عمیقی در قلب و عمل منتظران حقیقی می‌تواند داشته باشد.

در بیانی دیگر، حضرت در مورد کیفیت بهره‌وری از ایشان، ضمن اعلام امان و امنیت برای اهل زمین، شیعیان را مطمئن می‌کنند که اگرچه حضور ظاهری ندارند؛ اما همچون خورشید پشت ابر، آثار و برکات خود را ارزانی می‌دارند: «اما کیفیت بهره‌وری از من در دوران غیبتم، هم‌چون بهره‌وری از خورشید است؛ هنگامی که ابرها آن را از دیدگان بیوشانند و من برای اهل زمین، موجب امان و امنیت باشم، همچنان که ستارگان برای اهل آسمان موجب امان می‌باشند. پس از آن‌چه به شما مربوط نیست، پرسش نکنید... و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که به راستی همین دعا، فرج شماست»^۴.

حل مسائل و مشکلات علمی و فکری شیعیان و پاسخ به سؤالات شرعی: از این نمونه‌ها بسیار است؛ برای نمونه، پاسخ حضرت به سؤالات مختلف فقهی - عقیدتی محمدبن عبدالله بن جعفر الحمیری در یکی از توقیعات^۵.

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹؛ فراهایی از توقیعات حضرت، ص ۷۱.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۷۱.

۵. همان، ص ۴۸۱.

کشف انحرافات عقیدتی و افشای دروغ‌گویان و لعن مدعیان دروغین: مدعیان دروغین و فرقه‌های انحرافی، نقش زیادی در گمراه کردن مردم داشتند که حضرت با اقدام به موق و نظارت و کنترل بر همه امور مسلمین، آنان را از انحراف‌ها رهایی می‌بخشیدند. آن حضرت در توقیعی، شیعیان را از همنشینی با گروه گمراه «ابوخطاب اجدع» برحذر داشتند و در ضمن، توصیه فرمودند که مردم از مال حرام و باطل دوری کنند.^۱

در اقدامی دیگر، حضرت توقیعی در اعلان لعن مدعی دروغین، «احمدبن هلال کرخی عبرتائی» وکیل سابق امام هادی و امام عسکری علیه‌السلام که فردی صوفی مسلک بود، صادر فرمودند که به دلیل جایگاه ویژه او و استفاده وی از منصب پیشین خود، ناگزیر حضرت دو یا سه بار، ماهیت دروغین و گمراه شدن او را اعلام و وی را لعن کردند.

توقیع حضرت در مورد اعلان لعن شملغانی که از مدعیان دروغین مهدویت بود،^۲ شاهدهی دیگر در این زمینه است.

هر یک از این موارد، بیانگر توجه حضرت به هدایت مردم و شناساندن افراد گمراه، نظارت و کنترل بر امور و انجام اقدامات تربیتی - هدایتی برای آنان است که از جمله آثار آن، هدایت مردم به مسیر اصلی و سیره و سنت معصومان علیهم‌السلام و حفظ ارزش‌ها و فرهنگ دینی است که ضمن آن، به پرسش‌های علمی و فکری شیعیان پاسخ داده شده و آنان را منتظر حقیقی و امیدوار و آماده تربیت می‌کند.

گفتار سوم: آثار تربیتی حضور علما و پرورش شیعیان

از دیگر راهکارهای تربیتی حضرت مهدی علیه‌السلام برای تقویت عقیده به مهدویت و تربیت مردم، تثبیت و تأیید علما و فقهای بافضیلت شیعه برای مراجعات مردم بود؛ علمایی هم چون شیخ صدوق، شیخ مفید و شریف مرتضی.^۳ در این قسمت، به آثار و برکات حضور علما در میان مردم اشاره می‌کنیم.

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۰ و ۴۷۱.

۲. الاحتجاج، ص ۴۷۴.

۳. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۲۲.

چنان که پیش تر بیان شد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام درباره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و غیبت او، از حدود دویست سال پیش از غیبت کبری سخن گفته بودند و این سخنان، در اوایل قرن دوم به همت یاران و شاگردان ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، در صحیفه‌ها و نوشته‌های متعددی گردآوری شده بود. این نوشته‌ها که به «اصول مدوئه» شهرت یافته بودند، اساس کتاب‌های بعدی علما درباره غیبت صغری و کبری و مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام شدند.^۱

انگیزه علما از نوشتن کتاب در مبحث مهدویت، این بود که با آغاز غیبت صغری تا نیمه دوم قرن چهارم، مکتب اهل حدیث یا اخباریون، بر مدارس شیعی کاملاً مسلط شدند و موضوع مهدویت از مسائل بسیار مهم و بحث برانگیز آن دوره شد. دشمنان نیز از همین زاویه حمله می‌کردند و اتهام می‌زدند. گروهی از متکلمان توانای شیعه از فرصتی که دولت آل‌بویه ایجاد کرد، برای مبارزه با افکار اخباریان و اتهامات دشمنان در این بحث استفاده کرده، آثاری هم‌چون *تصحیح الاعتقاد* و *مقابس الأنوار فی الرد علی أهل الأخبار* (اثر شیخ مفید) و *الرد علی أصحاب العدد* (اثر شریف مرتضی) و... منتشر نمودند که به کاهش قدرت اخباریون و اتهامات دشمنان به شیعه، کمک بسزایی کرد.^۲

افزون بر تألیف کتاب و فعالیت‌های علمی و پرورشی شاگردان، شیعیان در دوران غیبت صغری از طریق تلاش عالمان بزرگ شیعه و پیروی از ولایت و سفرا و وکیلان حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام رشد و تعالی می‌یافتند؛ از جمله:

- از اواخر قرن سه؛ یعنی آغاز غیبت صغری، تشیع امامی در ماوراء النهر (حوالی سمرقند) رواج یافت. عامل اساسی در این امر، وجود برخی عالمان شیعه در این ناحیه بود. محمدبن مسعود سمرقندی عیاشی، مؤلف تفسیر عیاشی،^۳ از برجسته‌ترین عالمان شیعه بود که در سمرقند، مجلس درس داشت و خانه او مرکز علمی و آموزش و تربیت شاگردان

۱. «موعود اسلام»، روزنامه ابتکار، ش ۱۲۶۸، سال پنجم، مرداد ۱۳۸۷؛ علیرضا مزروعی، «مسئله موعود، فلسفه‌ای رو به آینده»، سایت معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی (پژوه دین)، ۱۳۸۶، www.pajohe.ir

۲. «موعود اسلام»، همان.

۳. النجاشی، رجال، ص ۳۵۰.

بسیاری بود که از این طریق، مکتب تشیع را در این ناحیه پدید آوردند. به امور شیعیان در این نواحی، و کیلان امام مهدی علیه السلام در خراسان رسیدگی می‌کردند. در مقدمه من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق آمده که در عصر غیبت صغری تشیع در ماوراءالنهر رشد بیشتری یافت؛ چنان که شیخ صدوق به آنجا سفر، و با شیعیان دیدار کرده است.^۱

- در عصر غیبت صغری، در شهر ری نیز گرایش‌های قوی شیعی بروز و ظهور بیشتری یافتند. حضور راویان و محدثان و عالمان برجسته در این شهر در عصر غیبت، از تأثیر کار و کیلان این شهر که ارتباط نزدیک با شیعیان داشتند، حکایت دارد. از نمونه‌های بارز علما می‌توان به محمد بن یعقوب کلینی، نویسنده کتاب *الکافی* اشاره کرد.^۲

- شهر قم مرکز شیعیان بود، ولی در عصر غیبت صغری با توجه به شرایط خاص حاکم بر آن، حضرت برای وارد شدن فقها و علما به صحنه، و گسترش و تربیت شیعه تأکید بیشتری کردند. از همین رو به دلیل آن که متولیان مساجد از اهل سنت بودند، خانه‌های خود را محل آموزش و پرورش شیعه کردند؛ از جمله علمای بزرگ شهر قم، پدر شیخ صدوق بود که فرزندش با دعای حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمد و دیگری، احمد بن محمد بن خالد برقی که از شخصیت‌های شاخص این عصر و صاحب تألیفات بسیاری است.^۳

بدین ترتیب نائبان و سفرای چهارگانه به رهبری حضرت مهدی علیه السلام با هدایت فعالیت‌های سازمان پرسابقه و کالت، همکاری و کلای برجسته در دوران غیبت صغری و آماده‌سازی علما، توانستند راه ارتباطی مطمئن و کارگشایی میان حضرت و شیعیان سرزمین‌های گوناگون برقرار سازند و از آن برای حفظ سازمان رهبری جهان تشیع در دوران حساس و سرنوشت‌ساز بهره‌جویند.

با پایان یافتن دوران غیبت صغری و وفات آخرین رهبر نهاد و کالت و صدور آخرین توقیع حضرت، دوران فعالیت سازمان و کالت پس از دو قرن تلاش (با محاسبه از زمان

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه: علی‌اکبر و محمدجواد غفاری، مقدمه محقق، ص ۱۱؛ «غیبت

صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۲)»، مجله موعود، ش ۲۹، ص ۸۲.

۲. «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۲)»، همان.

۳. «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۳)»، مجله موعود، ش ۲۹، ص ۸۰.

امام صادق (علیه السلام) و دوران صدور توقیع از طرف حضرت، به پایان رسید و سازمان فقاہت در طول دوران غیبت کبری، ادامه دهنده راه سازمان وکالت تا عصر حاضر گشت.^۱ با مرور شواهد تاریخی آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره غیبت صغری، و با عنایت به آثار تربیتی راهکارهای مهدوی و سازمان رهبری (از طریق نهاد وکالت، توقیع، حضور علما و...) بر افراد، و با توجه به مواردی که در بحث دوره قبل از غیبت گذشت، محورهای آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در میان مردم، عبارت است از: انتظار همراه با صبر در مشکلات و امید به بهبود شرایط، شکل‌گیری جنبش‌های مردمی برای مبارزه با ظلم، ادعاهای مهدویت با نیت خیر و ایجاد تحول یا کسب قدرت که در پایان به طور گذرا به آثار آنها اشاره می‌کنیم:

- احیای شیعه در جهان اسلام، پس از سه قرن مبارزه و ترک حالت تقیه و حضور در صحنه رقابت؛^۲

- رابطه گرم و صمیمانه مرجعیت دینی شیعه و مرجعیت سیاسی و تحقق امید و انتظار شیعیان برای ایجاد تحول؛^۳

- برگزاری کرسی‌های علمی علما با حمایت حکومت؛ مثل کرسی کلام شیخ مفید، شریف مرتضی و شیخ طوسی؛^۴

- پیروزی جنبش‌های مردمی و تشکیل دولت‌های شیعی آل‌حمدان^۵ و آل‌بویه^۶ به نیت مبارزه با ظلم (آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دولت آل‌بویه، با اقداماتی مثل احیای

۱. «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، فصلنامه انتظار، ش ۱، ص ۵.

۲. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۵.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۵. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۳۴۲.

۶. همان، ص ۱۲۲؛ الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۲۶۴.

فرهنگ شیعی، بزرگداشت ائمه علیهم‌السلام،^۱ برگزاری مجالس پاسخ به شبهات دینی^۲ و مهدویت، و تألیف کتاب در مورد مهدویت^۳ جلوه‌های دیگر یافت).

۱. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

۲. همان، ص ۱۲۸؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۸۷.

۳. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

فصل چهارم

**آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت
در دوره غیبت کبری**

تا به حال دو گام از این مراتب تربیتی را در دوره پیش از غیبت و غیبت صغری طی کردیم؛ اکنون برآنیم که در گام سوم، به چگونگی تربیت امت توسط حضرت مهدی علیه السلام و آثار تربیتی اعتقاد به ایشان و اجرایی شدن راهکارهایشان در دوره غیبت کبری بپردازیم. برخی اقدامات و راهکارهایی که در قالب یک ساختار تربیتی هماهنگ برای این دوره در نظر گرفته شده، عبارت است از:

- توصیه برای تمسک به سیره و سنت اهل بیت علیهم السلام و سخنان خود حضرت برای عمل در دوران غیبت ایشان؛
 - جایگزینی فقها و علما و نواب عام؛
 - ملاقات با برخی خواص و نقش آفرینی حضرت در حل مشکلات؛
 - راهنمایی و کمک به برخی عوام خاص.
- پیش از ورود در بحث اصلی، فایده امام غائب و چگونگی بهره‌مندی از او را توضیح می‌دهیم.

گفتار اول: فایده امام غائب و چگونگی بهره‌مندی از او

با توجه به شرایط خاص دوران غیبت کبری، این‌گونه به ذهن می‌رسد که فایده امام غائب چه می‌تواند باشد؟ امام غائب، چگونه می‌تواند وظایف امامت و ولایت خویش را انجام دهد، در حالی که در میان مردم حضور ندارد؟ آیا غیبت با وظیفه هدایت و تربیت امام، سازگار است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا امامت را از قول علامه طباطبایی تعریف می‌کنیم: امامت حقیقی، ورای مقام اطاعت یا ریاست دین و دنیا یا وصایت و خلافت در زمین، به

معنای حکومت در بین مردم است.^۱

امام غائب، روش هدایت و تربیتی خاصی دارد که با روش پیامبر ﷺ و دیگر معصومان علیهم السلام متفاوت است. در کیفیت بهره‌مندی از حضرت در زمان غیبت، در کلام خود ایشان آمده است: «کیفیت نفع بردن من در زمان غیبت، مانند نفع بردن به واسطه خورشید است، هنگامی که ابرها او را از دیدگان مستور نماید».^۲

نکته قابل توجه این است که این سؤال پیش از تولد حضرت نیز مطرح بوده؛ و پیامبر ﷺ نیز پاسخی مشابه کلام حضرت مهدی علیه السلام (بهره‌مندی از خورشید در پشت ابر) بیان فرموده‌اند.^۳

توصیف بیان شده حاکی از آن است که اصل قضیه غیبت نه تنها مانع تربیتی نیست، بلکه دارای آثار و فواید تربیتی برای بندگان خداست؛ از جمله:

امتحان بندگان از طریق غیبت حضرت و گزینش صالحان: اولین نکته دارای اهمیت در این بحث، امتحان بندگان از طریق غیبت حضرت و ایام غیبت است؛ زیرا به واسطه غیبت، به ویژه اگر سر آن نامعلوم باشد، مرتبه ایمان و تسلیم افراد در برابر تقدیر الهی، ظاهر می‌شود و قوت تدین و تصدیق آنان آشکار می‌گردد. هم‌چنین در زمان غیبت، به واسطه حوادث و فتنه‌هایی که روی می‌دهد، شدیدترین امتحانات از مردم گرفته می‌شود. امتحان، یکی از سنن الهی در گزینش صالحان است. زندگی و مرگ، داشتن و نداشتن، مقام، بیماری و... همه وسایل تخلیص و تربیت، امتحان برای ظهور کمالات و فعلیت یافتن استعدادها و نمایش شخصیت، ایمان، صبر، استقامت، میزان درجه حضور و تسلیم افراد در برابر خداست.^۴

از آن‌جا که دوران غیبت، طولانی می‌شود، افراد به شک می‌افتند و جز مخلصان و افراد بامعرفت و آزموده و معتقد حقیقی، باقی نمی‌مانند. ایمان به بقا و حیات حضرت، انتظار

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲، ح ۶.

۴. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۳۹.

ظهور در دوران بسیار طولانی غیبت توسط منتظران و نیز ایمان به غیب، استواری عقیده و اعتماد به خبرهای غیبی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اولیا، نشانه ایمان به قدرت الهی آنان و علامت قوت تسلیم و تمکین این منتظران در برابر برنامه دین است.^۱

آمادگی بشر برای ظهور و حرکت به سمت اصلاح و تکامل: یکی از مصالح و فواید غیبت، انتظار و تکامل بشر و آمادگی فکری او برای ظهور آن حضرت است. از جمله این اسرار، آن است که افراد بشر به تدریج برای ظهور آن مصلح حقیقی و سامان دهنده وضع بشر، آمادگی علمی و اخلاقی و عملی پیدا کنند؛ زیرا روش آن حضرت، مانند انبیا و اولیای گذشته نیست که مبتنی بر اسباب و علل عادی و ظاهری باشد؛ بلکه بر اساس حکم به باطن است. سیره ایشان در رهبری جهانیان، مبنی بر حقایق و حکم به واقعیات، مسامحه نکردن در امور دینی، احقاق حقوق در رد مظالم، بازخواست دست‌نشانگان و ارباب قدرت و رسیدگی به کار آنان است که تحقق این امور، در گرو تکامل علوم و معارف، و ترقی و رشد فکری و ایمانی بشر است؛ به طوری که زمینه عالم‌گیر شدن آموزه‌های اسلام و جهانی شدن حکومت احکام قرآن فراهم باشد.^۲

در زمان حضور ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و با وجود تلاش‌های آنان در راه تربیت و اصلاح همه انسان ها، به دلیل فقدان فهم و درک مناسب عامه مردم، تنها خواص در پرتو تربیت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رشد می‌کردند.

شاید بتوان ادعا کرد که دوران حضور ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برای رشد و بالندگی خواص مناسب بوده است. غیبت آخرین ولی خدا، با توجه به شرایط خاص این دوران و سیر حکومت‌ها و ناعدالتی‌ها در جهان، احساس نیاز به یک مظهر عدل جهانی و منجی را در دوران غیبت برمی‌انگیزد؛ به گونه‌ای که ندای فطرت مردم را زنده می‌کند. در زمان دیگر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، آنان حضور داشته‌اند و بیشتر مردم از حضور آنان استفاده نکرده‌اند؛ اما حال رویکرد به سمتی است که معصوم، حاضر نیست و به تدریج احساس نیاز مردم به حجت زمان و

۱. همان، ص ۳۵۱.

۲. همان، ص ۳۳۹ و ۳۵۴.

ضرورت تربیت از طریق او بیشتر برانگیخته می‌شود و آن‌ها با تشنگی و ولع بیشتر به دنبال تکامل و اصلاح هستند.

بنابراین یکی دیگر از حکمت‌ها و فواید غیبت را می‌توان آمادگی جهانی برای ظهور خاتم‌الاولیاء علیه‌السلام بیان کرد که باید زمینه پذیرش در سطح کلی و عمومی آماده باشد. سر تربیتی غیبت آن‌گونه است که با غیبت معصوم علیه‌السلام و اوضاع نامطلوب و تاریک جامعه، مردم طلب نور می‌کنند و در یک کلام، فلسفه این غیبت طولانی و فایده آن، تربیت و تکامل و ایجاد آمادگی برای ظهور در عموم مردم است.^۱

حضرت در پشت پرده‌های غیبت، دل‌های آماده را تحت جذبۀ مخصوص خود قرار می‌دهد و از طریق هدایت باطنی و با در نظر گرفتن راهکارهایی، به تربیت و تکامل بشر می‌پردازد. در ادامه به بررسی راهکارهای تربیت مهدوی در دوران غیبت کبری و آثار تربیتی آن می‌پردازیم.

گفتار دوم: آثار تربیتی توصیه برای تمسک به سیره و سنت اهل بیت علیهم‌السلام و سخنان

حضرت مهدی علیه‌السلام

هر چند غیبت ظاهری مربی، برخی محرومیت‌ها را در پی دارد؛ اما این غیبت، بر اساس حکمت‌ها و شرایطی بوده است و در ضمن آن، امکاناتی هم در نظر گرفته شده که دارای آثار هدایتی و تربیتی است.

در زمان غیبت کبری، کتاب خدا و سنت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، احادیث و آموزه‌های یازده معصوم علیهم‌السلام و سیره عملی ایشان در ابعاد گوناگون، دوران هفتاد ساله غیبت صغری و مجموعه ارشادها و آموزه‌ها در این دوره که از طریق نایبان و وکلای حضرت منتقل شده است و وجود جمعی از عالمان و بزرگان شیعه که با واسطه‌های کم، دوره‌های تربیتی امامان علیهم‌السلام را درک کرده‌اند،^۲ از راهکارهای عملی تربیت متریبان و منتظران است. ابونصر فارابی و برخی دیگر از فیلسوفان می‌گویند:

۱. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام، ص ۲۵۱.

۲. ذبیح الله محسنی کبیر، مهدی علیه‌السلام آخرین سفیر انقلاب، ج ۱، ص ۲۷.

هنگامی که رئیس [مدینه فاضله] غایب بود، باید به سنن و قوانین پیشینیان او عمل کرد؛ علمای بزرگ تشیع نیز همین سیره را عملی کرده‌اند.^۱

در کلامی از خود حضرت نیز چنین آمده است: «بکوشید در صراط مستقیم باشید و به چپ و راست نروید؛ ما را با شناخت و حجت قبلی، الگوی خود قرار دهید».^۲

این است که با وجود میراث هدایتی و تربیتی ائمه پیشین علیهم‌السلام که در ابعاد گوناگون به جای مانده است و با وجود توصیه‌ها و سخنان حضرت مهدی علیه‌السلام در دوران غیبت صغری، درمی‌یابیم که آثار وجودی حجت در دوران غیبت، به طور کلی منتفی نیست.

مهم‌ترین آثار این راهکار تربیتی که با عمل به سنت و سخنان چهارده معصوم علیهم‌السلام حاصل می‌شود، عبارت‌اند از:

اعتقاد به واسطه فیض بودن حضرت: به واسطه اخبار مستفیضه قطعیه، ثابت شده که ذات ائمه علیهم‌السلام، علت غایی ایجاد مخلوقات عالم است. از این رو، حضرت مهدی علیه‌السلام نیز واسطه فیض الهی و علت غایی مخلوقات هستند و بدون ایشان، زمین و اهل زمین مضطرب‌اند؛ چرا که حضرت، واسطه‌ای تکوینی است و چنان‌که پیش‌تر گفته شد، از انظار عموم، غائب؛ ولی درباره نفوس شایسته، هدایت باطنی دارند و آنان را به حق و حقیقت و به سوی هدایت و سعادت، هدایت خواهند کرد.^۳

شیعیان معتقدند آنچه از مادیات و معنویات به آنان می‌رسد، همگی به برکت وجود حضرت و فیض پر برکت ایشان است و این‌جاست که آثار تربیتی این اعتقاد، بروز و ظهور می‌کند و مردم به امید حضرت و هدایت و تربیت توسط ایشان، برنامه سعادت‌بخش خود را دنبال می‌کنند.

در کلامی از زیارت جامعه کبیره^۴ که ائمه علیهم‌السلام به آن گواهی داده‌اند، آمده است که افاضه فیض بدون واسطه حضرت، امکان‌پذیر نیست. اعتقاد به این‌که امام، واسطه فیض

۱. خورشید مغرب، ص ۱۸۵.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷.

۳. موعودشناسی، ص ۲۸۲.

۴. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره: «بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِکُمْ یَخْتَمُ وَبِکُمْ یَنْزِلُ الْغِیْثُ وَبِکُمْ یَمْسِكُ السَّمَاءُ».

است و به مؤمن کمک می‌کند، موجب ثبات و صلابت مؤمن در عقیده‌اش می‌شود و در رویارویی با طاغوت و ظلمت، به او قوت قلب می‌بخشد.^۱

احساس وجود و حضور امام و نظارت ایشان: بنا بر فرموده شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه که در بخش توقیعات ذکر شد، حضرت از احوال همه انسان‌ها و اوضاع آنان آگاهی دارند و مراقبت‌ها و کنترل‌های حضرت و رسیدگی و سرپرستی ایشان دائمی است.^۲ اگر چه حضرت، حکومت ظاهری ندارند؛ اما شئون امامت و رهبری را در حد امکان بر عهده دارند و وظایف خود را به بهترین شکل انجام می‌دهند. هدایت اشخاص، یاری مؤمنان بر مخالفان، حل مسائل مشکل علمی، موعظه افراد و تعلیم معارف، رفع گرفتاری‌ها و دفع انواع عذاب و یاری دادن به علما در استنباط احکام دین و...، از جمله اقدامات حضرت است.

فرمایش حضرت به شیخ مفید که فرمود: «شیخ، تو فتوا بده، ما اصلاح می‌کنیم»^۳ یا سخنان دیگر که در بخش توقیعات بیان شده است، بر آگاهی حضرت و مراقبت ایشان بر احوال امت دلالت دارد.

حال، آگاهی مردم بر چنین مواردی و ایمان آنان به امام غائب؛ اما زنده و دارای حضور مفید و مؤثر، منشأ حیات و نشاط مذهب است؛ چنان‌که هانری کربن به علامه طباطبایی گفته است: مذهب شیعه باقی است، به دلیل این که اعتقاداتش بر اساس رجوع به امام زنده شکل می‌گیرد و همه شیعیان حقیقی، به این رهبر و پیشوای کامل اقتدا و از سیرت او پیروی می‌کنند.^۴ این احساس حضور امام و نظارت ایشان، افزون بر آثاری؛ هم‌چون اطمینان به حضور یک مربی و یقین به تربیت و هدایت او، شور و نشاط و دل‌گرمی به داشتن پناهگاه و یاری‌گر و...، حس مراقبت افراد بر رفتار و گفتار و کردارشان را به دلیل نظارت حضرت تقویت می‌کند.

۱. فی رحاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه ص ۱۸۲.

۲. کلمة الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه ص ۱۸۸.

۳. همان، ص ۵۷۵.

۴. فی رحاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه ص ۱۸۳.

به فرموده حضرت مهدی علیه السلام: «ما تربیت یافته‌های پروردگارمان هستیم و مخلوقات دیگر از ما و تحت تربیت ما هستند»^۱.
احساس وجود و حضور حضرت کمک می‌کند که انسان با بهره‌گیری از هدایت و تربیت این امام و نظارت کامل بر اعمال خود، از متریبان خوب آن مربی باشد.

گفتار سوم: آثار تربیتی جایگزینی فقها، علما و نواب عام

بر اساس روایات، مقام نیابت عامه به حکم خود ائمه علیهم السلام، به ویژه امام مهدی علیه السلام، به فقیه واجد شرایط تفویض شده است. دو سند مرتبط با این بحث، مقبوله عمر بن حنظله^۲ و نیز توقیع حضرت در پاسخ به سؤال اسحاق بن یعقوب است که در مورد شیوه رجوع مردم در حوادث در ایام غیبت کبری صادر شده است؛ حضرت فرموده است:

اما آن چه سؤال کردی، خداوند تو را هدایت کند و ثابت قدم دارد؛ اما در حوادثی که پیش می‌آید، به راویان حدیث ما (فقها) مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت و نمایندگان من هستند بر شما و من، حجت خدا بر شما هستم.^۳

از این توقیع، به خوبی معلوم می‌شود که فقهای عادل، نماینده و نواب عام حضرت هستند و خود ایشان، مردم را به آنان ارجاع داده‌اند. بنابراین فقیهی که نگه‌دارنده نفس خود، محافظ دین و مطیع امر مولاست، بر عوام واجب است که از او تقلید کنند. این مطلب گواه آن است که مسلمانان در ایام غیبت، بدون پناهگاه رها نشده‌اند.^۴

در روایتی دیگر، نواب عام و فقیهان واجد شرایط، سرپرست یتیمانی معرفی شده‌اند که آن یتیمان، افراد دورمانده از امام و مولای خویش هستند.^۵ در مثالی دیگر، امام رضا علیه السلام بن‌مسیب را برای آموزش علوم دینی، به زکریا بن آدم قمی ارجاع دادند و

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ الطوسی، الغیبه، ص ۲۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۵۶.

۳. همان، ص ۴۶۹.

۴. السید صدرالدین الصدر، المهدی علیه السلام، ص ۲۴۴.

۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۴۴، ج ۲۲۴؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷.

فرمودند: «علوم دینت را از او بیاموز».^۱

بدین ترتیب، مهم‌ترین وظایف فقها و نواب عام در هدایت و تربیت امت، عبارتند از: الگوگیری از آرمان‌ها و سیره حضرت مهدی علیه السلام،^۲ حراست از معارف حقیقی اسلامی^۳ و نیابت.^۴ اکنون با روشن شدن جایگاه خاص نواب عام و توان آنان در تأثیرگذاری، آثار تربیتی این راهکار مهم را توضیح می‌دهیم.

اثر غیبت بر تربیت خودِ علما: دوران غیبت و مسئله انتظار مهدی موعود علیه السلام زمینه تربیت علمای دینی را در بخش‌های مختلف فراهم کرد و علما را برای ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌هایی که در فقدان معصوم بر عهده داشتند، به تلاش مستمر و سازمان‌یافته واداشت. از همین رو، علما نقش مشخص و جدی‌تری در جامعه عهده‌دار شدند و سازمان روحانیت و علما، جایگزین نهاد وکالت گردید و حوزه‌های علمیه در این راستا شکل گرفتند.

فقها و علمای اسلام، شاخص‌ترین قشری بودند که در هدایت و ارشاد و تعلیم و تربیت مردم و دفاع از عقاید اسلام، همت گماردند و در هر عصری، با استفاده از جایگاه وعظ و خطابه، نوشتن کتاب، برگزاری کلاس‌ها و حوزه‌های علمی و درسی، بحث و مناظره با مخالفان و ملحدان و... ایفای نقش کردند.^۵

رشد و ترقی حاصل شده در زمینه‌های مختلف کلامی و نوشتاری، از آثار دوران غیبت و ایام انتظار است.

اقدام علما به هدایت مردم برای عمل به سیره و سنت، و تربیت آنان بر این محور: علما و نواب عام، ضمن رشد و بالندگی و تربیت خود در مسائل گوناگون علمی و عملی، بر اساس وظایف خویش که در مباحث قبل اشاره کردیم، با الگوگیری از آرمان‌های مهدی

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۱، ح ۶۸.

۲. نقش اجتماعی انتظار، ص ۹۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۴، ح ۱؛ نقش اجتماعی انتظار، ص ۹۲.

۴. نقش اجتماعی انتظار، ص ۹۵.

۵. همان، ص ۸۷ و ۸۸.

موعود علیه السلام و سیره آن حضرت، به منظور حراست از معارف اسلامی و روح عدالت‌خواهی و ستم‌ستیزی، سرپرستی امت اسلامی را بر عهده گرفتند و مردم را بر اساس سیره و سنت چهارده معصوم علیهم السلام و احکام الهی هدایت کردند. همچنین به تربیت عقلی و ایمانی آنان، از طریق تقویت معرفت و بصیرت دینی و نشان دادن محاسن معارف اسلامی و... اقدام نمودند.

همچنان که مردم در زمان غیبت، معتقدند تنها مرجعی که می‌توانند دین را از آنان فراگیرند، علمای دینی هستند؛ امید است علمای این عصر نیز، هم‌چون علمای عصرهای گذشته، بتوانند در غیاب معصوم، پاسخ‌گوی نیازهای مردم باشند.

گفتار چهارم: آثار تربیتی ملاقات با برخی علما

از دیگر راهکارهای حضرت، بحث ملاقات است. با توجه به موارد مطرح شده در قسمت ملاقات‌ها در عصر غیبت صغری و بنا بر پذیرش اصل ملاقات، حضرت در مواقع و شرایط خاصی با برقراری ارتباط با برخی علمای واجد شرایط و رفع مشکلات علمی و مالی آنان یا آگاه ساختن آنان بر اموری و یا ارتباط با برخی عوام پاک‌سرشت و راهنمایی و کمک به آنان در مسائل مختلف، راه ارتباطی دیگری را برای هدایت و تربیت افراد برگزیده‌اند. آثار تربیتی این راهکار حضرت در زمان غیبت کبری، عبارت‌اند از:

ایجاد انگیزه و مواظبت عملی برای کسب این توفیق: با نگاهی گذرا به شرح حال کسانی که در طول غیبت کبری حضرت را زیارت کرده‌اند، روشن می‌شود که توجه قلبی، مواظبت عملی، رعایت تقوا و استمرار عبادت و بندگی خدا و اطاعت از اولیایش، زمینه‌های ایجاد این توفیق الهی بوده است. علم و معرفت به این مسئله و چگونگی حاصل شدن توفیق زیارت حضرت مهدی علیه السلام و آگاهی بر ملاقات‌های حضرت با افرادی؛ هم‌چون سیدبن طاووس، علامه سید بحر العلوم، شیخ محمدعلی فشنندی، سید علی‌اکبر آقای قاضی، سید عبدالکریم کفاش، ملاعلی نوری‌همدانی و... موجب ایجاد انگیزه و الگوگیری در افراد دیگر می‌شود؛ هم‌چنان که در بررسی موارد مطرح شده در کتب مربوطه و نقل ماجراها،

شاهد تلاش و تکاپو و مواظبت عملی شاگردان آنان برای کسب این توفیق الهی بوده‌ایم.^۱ ذکر این مطلب در این جا لازم به نظر می‌رسد که «شاید بالاترین آرزوی هر شیعه پاک و خالص، زیارت حضرت باشد؛ لکن باید توجه داشت که مهم‌تر از زیارت حضرت، راضی بودن مولای عالم از ماست و بالاترین مقام، رضایت خدا و رضایت مولای زمان است».^۲ در بحث ملاقات و زیارت حضرت مهدی علیه السلام، اصل مهم، احساس حضور و نظارت ایشان و ملاقات دائمی حضرت، در قلب و روح انسان است. زمانی که هر لحظه و در هر مکان، حضور معنوی حضرت را درک، و در جهت اطاعت از او تلاش کنیم، در راستای تربیت مهدوی گام برداشته‌ایم.

برکات دیدار با حضرت: دیدار حضرت مهدی علیه السلام خود، جزئی از فرج است؛ فرجی که انسان را از رذایل اخلاقی و صفات ناپسندی که قرآن و اهل بیت علیهم السلام نهی فرموده‌اند، دور می‌دارد؛ فرجی که منتسب به حضرت است و از طریق شناخت امام، مقام نورانیت و ولایت الهی حاصل می‌شود و به همراه آن، کمالات معنوی فراوانی پدیدار می‌گردد؛ فرجی که موجب توفیق درک محضر امام می‌شود و پیمودن راه کمالات معنوی نیز آسان می‌گردد؛^۳ به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله: «خوشا به حال کسی که امام زمان را ملاقات کند».^۴

گفتار پنجم: مروری بر شواهد تاریخی آثار تربیتی عقیده به مهدویت

در مبحث شواهد تاریخی عقیده به مهدویت در دوران غیبت کبری، با توجه به طولانی بودن این دوران، سعی می‌شود شواهد تاریخی با سیر منطقی زمانی مطرح گردد؛ هر چند برخی شواهد به طور مشترک در طول غیبت کبری رواج داشته است. در ضمن با توجه به مباحثی که در مبحث تاریخی عصر قبل از غیبت و عصر غیبت صغری مطرح کردیم و مبنا را در شواهد تاریخی، انتظار توأم با صبر و امید به بهبودی شرایط، جنبش‌های مردمی

۱. مرتضی آقاچه‌رانی، «اهل بیت، مشتاق دیدار مهدی علیه السلام»، مجله موعود، ش ۶۷، سال دهم، ۱۳۸۵، ص ۲۰.

۲. سید عبدالله فاطمی‌نیا، فرهنگ انتظار، ص ۳۲-۲۸.

۳. «اهل بیت، مشتاق دیدار مهدی علیه السلام»، مجله موعود، ش ۶۷، ص ۲۲.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۸.

و مدعیان مهدویت قرار دادیم، در عصر غیبت کبری نیز با همین مبنا، ولی متناسب با شرایط و احوالات این عصر و بیان نکات دیگر، بحث خود را دنبال می‌کنیم.

الف) انتظار همراه با صبر و امید

در طول هزاره اول اسلامی در ایران، از دوران حکومت خلفا، امویان و عباسیان تا زمان مغولان و تیموریان و... و پیش از سلسله صفوی، مذهب رایج، مذهب اهل سنت بوده است. برنامه مذهب شیعه در مقابل ظلم و ستم و بی‌عدالتی حکام، انتظار و امید به زندگی در بازگشت امام زمان علیه السلام بوده است.^۱ عده‌ای این انتظار را همراه با صبر و قرار دادن نمادی برای انتظار خود، دنبال می‌کردند که برخی از مصادیق آن عبارتند از:

۱. پس از حملات ویران‌گر و وحشیانه مغول به ایران و حاکمیت آنان بر جان و مال و ناموس مردم، شیعیان نشانه‌های ظهور را نزدیک می‌دیدند. یاقوت حموی، مورخ معروف قرن هفتم، می‌نویسد: «در سال‌های نخست حمله مغول، در شهر کاشان که کانون تشیع بود، مردم شهر هر روز هنگام سپیده‌دم، از دروازه شهر خارج می‌شدند و اسب زین کرده‌ای را با خود می‌بردند تا حضرت مهدی علیه السلام در صورت ظهور بر آن سوار شوند».^۲

۲. هم‌چنین در زمان فرمانروایی سربداران، یکی از فرمانروایان سربدار، مسئله مهدویت و انتظار ظهور مهدی علیه السلام را احیا کرد؛ تا آن‌جا که دستور داد نظیر همین عمل در شهر سبزوار که یکی از مراکز تشیع بود، صورت گیرد و هر صبحگاه و شامگاه، اسب زین کرده‌ای را در ابتدای شهر آماده نگه دارند تا اگر امام زمان علیه السلام ظهور کردند، بی‌مرکب نباشند.^۳ به بیان «میرخواند» در *روضه‌الصفاء*: «هر بامداد و شب، به انتظار صاحب الزمان، اسب

۱. «امام عصر و جنبش‌های مردمی»، تبیان، ۱۳۸۲/۷/۱۹، www.tebyan.net.

۲. «مدعیان دروغین در نهضت‌های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، ص ۸۰ (رجوع شد به: ای. پ بطروشفسکی، نهضت سربداران خراسان، ص ۱۵ و ۱۶).

۳. هادی مشگان، «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سربداران»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی شیعه‌شناسی، ۱۳۹۲، www.shiastudies.net؛ «مدعیان دروغین در نهضت‌های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، ص ۸۱.

کشیدندی»^۱.

درست بودن یا درست نبودن این عمل، محل بحث ما نیست؛ مهم این است که این اسب نزد مردم کاشان و سبزوار، یک نماد انتظار بوده است که مردم با انجام دادن این عمل و در هر روز هنگام سپیده‌دم، یا هر صبحگاه و شامگاه، انتظار موعودشان را به یاد می‌آوردند و با توجه به کوچک بودن شهرها در آن زمان، در هنگام عبور هر عابری از دروازه شهر، با دیدن این صحنه، یاد حضرت و انتظار ایشان تداعی می‌شده است. طبق نظر صاحب‌نظران، این حرکت نمادینی است تا به مردم بفهمانند صبح و شام به فکر امام زمان خود باشند و این آمادگی را داشته باشند که در پای رکاب او گام بردارند.^۲

۳. صدقه دادن به نیت سلامتی حضرت که از اقدامات مهم نزد شیعیان بوده و در سفارش سیدبن طاووس به فرزندش آمده است: «حوائج حضرت را مقدم بر حوائج خودت، و صدقه دادن از سوی آن حضرت را مقدم بر صدقه دادن از طرف خودت قرار بده».^۳

۴. هدیه دادن اعمال به حضرت؛ مرحوم نوری طبرسی در *نجم الثاقب* آورده است: «حج کردن به نیابت از آن حضرت، از قدیم میان شیعیان مرسوم بوده است».^۴

۵. بزرگداشت حضرت و برگزاری مجالس ادعیه و خواندن دعای توسل، ندبه، دعای عهد، دعای فرج و... از نشانه‌های انتظار همراه با صبر و امید است؛ چرا که در دعای ندبه با بیان‌های مختلف، انتظار آمدن حضرت، محبت به او، امید به درک حضور او و صبر و... را هر جمعه ندبه می‌کنند.^۵

هم‌چنین شیعه به خواندن دعای عهد توصیه شده است تا هر روز جمعه با مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام بیعت کند: «خدایا! من در بامداد امروز و نیز تا زمانی که زندگی کنم، با او

۱. محمدبن‌خاوند (میرخواند)، *روضه الصفا فی سیره الانبیاء والملوک و الخلفاء*، ج ۵، ص ۶۲۴.

۲. «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سربداران»، همان.

۳. *مکیال المکارم*، ج ۲، ص ۳۰۱؛ حسن عبدی‌پور، «تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه شناسی»، *فصلنامه انتظار موعود*، ش ۵، سال دوم، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵.

۴. حسین نوری طبرسی، *نجم الثاقب*، ص ۷۷۴.

۵. *مفاتیح الجنان*، دعای ندبه.

تجدید پیمان می‌کنم و بیعت او را بر گردن می‌گیرم که هرگز از او روی برنگردانم و هرگز از بیعت او دست برندارم. خدایا! مرا از یاران، کمک‌کاران، مداهنین، شتابندگان به سوی او برای برآوردن خواسته‌هایش و از فرمان‌برداران دستورهای او و حامیانش و از پیشی‌گیرندگان در دوستی او و از شهیدان رکابش قرار بده»^۱.

این ادعیه، میراثی است که علمای ما در عصر غیبت کبری به آن مقید بوده‌اند که در مجموعه *مفاتیح الجنان* شیخ عباس قمی نیز گردآوری شده است و تکرار و مداومت بر آن (دعای فرج و دعای عهد)، و تکرار هفتگی آن (دعای ندبه، توسل) موجب یادآوری رکن انتظار و شاخص‌های امید، تلاش برای آمادگی و اصلاح نفس و... و رسوخ اعتقاد به مهدویت در دل و جان و روح می‌شود.

۶. توجه به اماکن خاص منتسب به حضرت مهدی علیه السلام، از جمله مسجد جمکران که درباره آن سندی از دوره صفوی موجود است. این سند، دست‌خطی از پسر فیض کاشانی، علم الهدی، (متوفای ۱۰۹۱ هـ. ق) است که به همراه پدر به زیارت جمکران رفته است و از قول پدرش بیان کرده که شیخ بهایی و علامه محمدتقی مجلسی هم به زیارت جمکران می‌آمده‌اند.^۲

در زمان ما نیز شاهد سیل گسترده مردم در شب‌های چهارشنبه در مسجد جمکران هستیم. این حضور و حرکت مردم مشتاق پیاده و سواره، و حضور مستمر و هفتگی آنان در این مکان که منتسب به حضرتش است، سنبل و نمادی از انتظار در این روزگار به شمار می‌رود. پناه بردن به این مکان و ندبه‌ها و ناله‌های مردم در هر هفته، نشانی آشناست برای آنان که خود نیز، سنبل و نماد صبر و انتظارشان را حضور در این مکان قرار داده‌اند تا به این وسیله، قلب و روحشان آرام گیرد و با کسب انرژی و امیدی دوباره، در روزگار غیبت، ایام انتظار را بگذرانند.

۷. گرامی‌داشت مقام حضرت مهدی علیه السلام و بزرگداشت میلاد ایشان، هدیه دادن اعمال

۱. همان، دعای عهد با امام زمان علیه السلام.

۲. رسول جعفریان، «سندی درباره مسجد جمکران در دوره صفوی»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی

به پیشگاه حضرت، یاد کردن حضرت در مراسم حج و به جا آوردن حج به نیابت از ایشان، توجه به موضوع نظارت دائمی حضرت بر اعمال شیعیان و رسیدن کارنامه اعمال آن‌ها به دست ایشان در روزهای دوشنبه و پنجشنبه و شب‌های قدر و... میراث مشترک علما و معتقدان به امید و صبر در ایام انتظار است که به دست ما رسیده است و در روزگار ما هر چه می‌گذرد، بر گستردگی مجالس و اشتیاق مردم به دعای ندبه و زیارت جمکران افزوده می‌شود. این امر، از اضطراب مردم، تشنگی و ولع آنان و احساس نیاز شدیدشان به ظهور منجی رهایی‌بخش، و افزایش محبت و معرفت به امام زمانشان حکایت دارد.

این آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، در قالب نمادهای صبر و انتظار، شور و شوق برای آمدن حضرت، ابراز محبت و دلتنگی برای حضرت، به یاد او و برای سلامتی ایشان صدقه دادن و... بروز می‌یابد.

ب) نقش انتظار و امید، در شکل‌گیری جنبش‌های مردمی

اعتقاد به بازگشت امام عصر علیه السلام، آن که عدالت را در جهان می‌گسترده و صلح و آرامش را به ارمغان می‌آورد، شیعه را وامی‌داشت که باور داشته باشد جهان در غیبت حضرت، ناقص است و انسان که همواره در جست‌وجوی کمال است، به کمال انسان و جامعه نخواهد رسید، مگر با ظهور قائم علیه السلام.^۱

از این رو، شیعه با این اهداف و انگیزه که برخاسته از اعتقاد به مهدویت بود، در جهت رفع ظلم و ایجاد تحول و استقرار عدالت، با روحیه ایثار و جهاد می‌کوشید؛ چنین انگیزه‌ای در تشکیل دولت سربداران^۲ و صفویان^۳ مشاهده می‌شود.

۱. «امام عصر و جنبش‌های مردمی»، دین و اندیشه، تیبیان، ۱۳۸۲/۷/۱۹.

۲. «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سربداران»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی شیعه شناسی، ۱۳۹۲، www.shiastudies.net؛ «اعتقاد به مهدویت در تعبیر و ادبیات جنبش سربداران»، سایت کنگره بین‌المللی سربداران، ۱۳۹۳/۹/۱۶، www.sarbedaran.hsu.ac.ir؛ «ویژگی‌های نهضت شیعی سربداران»، سایت نهضت سربداران سبزوار، ۱۳۹۲/۴/۱۳، www.sarbedaran.esabzevar.blogfa.com

۳. الرازی، تجارب الامم، ترجمه: علی نقی منزوی، ج ۵، ص ۲۳۴ و ج ۶، ص ۲۲۹؛ چهارده قرن تلاش شیعه

با توجه به تأثیرات قیام سربداران خراسان بر مناطق دیگر که در تاریخ نقل شده، می‌توان احتمال داد مهدی‌گرایی و اعتقاد به مهدویت که از مباحث مورد توجه سربداران بوده است، در مناطق دیگر نیز بروز و ظهور یافته باشد.

در تاریخ، قیام سربداران کرمان و سمرقند طبرستان، تحت تأثیر سربداران خراسان و قیام مرعشیان مازندران، تحت تأثیر قیام سمرقند ذکر شده است؛ ضمن آن که مرعشیان مازندران، در حکومت آل کیا در گیلان و دولت صفویان تأثیرگذار بوده‌اند.^۱

آنچه ذکر شد، رسوخ اعتقاد به مهدویت و انتظار را در روح و قلب و اعمال مردم نشان می‌دهد که شاخصه‌هایی؛ چون ایستادگی در برابر ظلم و ظلم‌ستیزی، تحول‌خواهی و تلاش برای اصلاح را جلوه‌گر می‌سازد؛ اما نقش انتظار و امید، در شکل‌گیری حرکت‌های رهایی‌بخش در ایران و جهان اسلام که مربوط به دوره معاصر است، از این قرار است:

انقلاب اسلامی ایران و اعتقاد به مهدویت: یک عامل فکری و ایدئولوژیکی مهم در شکل‌گیری انقلاب ایران که از نگاه تیزبین نظریه‌پردازان و نویسندگان داخلی و خارجی پنهان نماند، مسئله غیبت حضرت مهدی علیه السلام و انتظار ظهور منجی عالم بشری است. به نظر آنان، این باور و اعتقاد، زمینه‌ساز تغییر نگرش و رفتارهای مردم ایران، تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگی جامعه، گسترش روزافزون اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه، تلاش و کوشش برای تغییر و تحول، نپذیرفتن حاکمیت‌های سیاسی فاسد، داشتن امید و آرزوی پیروزی و در نهایت، قیام علیه بی‌عدالتی‌ها و زمینه‌سازی برای انقلاب جهانی مهدی موعود علیه السلام بوده است.

نقش و تأثیر انتظار در شکل‌گیری مبانی فکری و ایدئولوژیکی انقلاب، انکارناپذیر است. با توجه به مؤلفه‌های ظلم‌ستیزی انتظار، مشروعیت نداشتن حاکمان سیاسی، نصب عام فقیهان به نیابت از امام عصر علیه السلام، امید به اصلاح و تعالی جامعه و نابودی مظاهر ظلم و فساد،

....»

برای ماندن و توسعه، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۱. «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سربداران»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی شیعه‌شناسی، ۱۳۹۲، www.shiastudies.net.

غصب حق حاکمیت ائمه علیهم السلام، محدودیت جامعه از فیض حضور امام، زمینه‌سازی برای تعجیل فرج و... می‌توان گفت که مسئله انتظار، به طور مستقیم و گاه غیرمستقیم، محور فکری و رهبری انقلاب اسلامی بوده و نقش عمده‌ای در شروع و پیروزی آن داشته است. بعد از مشروطیت در ایران، روشن شد که بی‌تفاوتی و گوشه‌نشینی با فلسفه اصل غیبت ناسازگار است. خاستگاه انقلاب و قدرت مذهبی، عمدتاً انتظار ظهور امام غائب و آمادگی شیعیان برای ایثار، جهاد، مبارزه و اصلاح‌گری و قیام در زمان غیبت بوده است. خانم تدا اسکاچ‌پل در مقاله خود، نقش امام خمینی رحمته الله علیه را این‌چنین توصیف می‌کند:

نقش امام خمینی، به عنوان یک کانون مرکزی برای رهبری انقلابی، پروژه‌ای از انتظار مداوم مردمی برای ظهور دوباره امام دوازدهم را در خود داشت؛ امامی که مدت‌ها قبل، از انظار پنهان گشته بود، تا در زمانی که یک اسلام کامل به عنوان مقطع نهایی سیر تاریخ پدید آید، بار دیگر به جهان مرئی بازگردد.^۱

امام خمینی رحمته الله علیه با تلفیق چند مقوله مهم، به ویژه با تأکید بر وظیفه شیعیان در عصر غیبت؛ مثل ایستادگی در برابر ظلم، تلاش برای اصلاح و از بین بردن آن، تقویت روحیه تعهد، ایثارگری و اتحاد، پیام‌آور امید و انتظار ظهور مهدی موعود علیه السلام بود. ایشان مردم را به پایان دادن به ظلم و ستم پهلوی ترغیب نمود و با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و مهدوی، در جایگاه مرجعیت و نایب امام در ایام غیبت، مردم را رهبری کرد و با اتحاد و همدلی آنان علیه ظالمان وقت به پا خاست و انقلاب اسلامی ایران را در راستای انقلاب مهدی موعود و با امید به ظهور و تحقق حکومت عدل جهانی او به وجود آورد.

دفاع مقدس و اعتقاد به مهدویت: حاکمان ظالم و دین‌ستیز، همواره شیعیان را آزار داده اند و به حیات دینی و معنوی آنان تعرض کرده‌اند؛ از جمله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیگانگان و دین‌ستیزان که انقلاب ایران را مخالف اهداف و بی‌عدالتی‌های خود می‌دیدند، با تحریک و تهدید و فشارهای همه‌جانبه، کوشیدند این انقلابیون منتظر را از بین ببرند. یکی از راهبردهای آن‌ها برای رسیدن به هدفشان، تحمیل جنگی بی‌رحمانه علیه ایران بود.

۱. «انقلاب اسلامی و فرهنگ انتظار»، فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۵۲.

مردم ایران که در سیر تاریخی و عقیدتی خود و به ویژه پس از انقلاب اسلامی، با فرهنگ مهدوی، زندگی و رشد می‌کردند و اندیشه و تفکرات خود را رشد می‌دادند، با الهام از فرهنگ زنده مهدویت که آثار تربیتی آن، هم‌چون ایستادگی در برابر ظلم ظالمان، تلاش برای اصلاح‌گری، تعهد و ایثارگری در برابر دشمنان دین، و شهادت‌طلبی در راه اعتلای اسلام و فرهنگ مهدوی، در بین آنان جلوه‌گر بود، به دفاع از کشور اسلامی خود پرداختند.

آنان با ویژگی اعتقاد به دین و عنصر مهم اعتقاد به مهدویت، انتظار و آمادگی مداوم و آگاهانه برای ظهور امام غائبی که به منظور نابودی ظلم و بی‌دینی و تباهی از جهان قیام و ظهور می‌کند، برای زمینه‌سازی قیام او و اعلام آمادگی برای حضور در رکاب او، علیه دشمنان دین شوریدند.

مقاومت حزب‌الله و اعتقاد به مهدویت: جنبش انقلابی حزب‌الله، از مشهورترین و مهم‌ترین گروه‌های اسلام‌گراست که از بدو تا به حال توفیقات زیادی کسب کرده است. اعتقاد به مهدویت، اساس و منشأ جنبش‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش و تحول‌آفرین جوامع شیعی بوده است. جنبش شیعی لبنان هم از این قاعده مستثنا نیست و نشانه‌های فراوانی از باورداشت مهدویت در شکل‌گیری و پیروزی این نهضت وجود دارد:

* روحیه عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی که در کلام و رفتار آنان کاملاً مشهود است.

* امیدبخشی درباره آینده که الهام از این آموزه مهدوی، روح امید را در میان حزب‌الله، و ایمان به مبارزه با ظلم را در آنان قوی‌تر می‌کند:

- سخنان دبیر کل حزب‌الله، سید حسن نصرالله در مورد دولت عدل و ظهور، معرفی انقلاب ایران به عنوان مقدمه ظهور و تشکیل وطن بزرگ اسلامی در کره زمین با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، موجب امیدواری در میان مردم است.

- بر پرچم حزب‌الله، آیه (فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) نقش بسته که به طور مشخص، امید و باور آن‌ها را به مهدویت اثبات می‌کند. آن‌ها به پیروزی خویش ایمان دارند و تنها خاستگاه این عقیده، باور آن‌ها به مهدویت و امید به آینده‌ای روشن است.

- حزب‌الله در گفتمان خویش با تأسی به آیه (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي

الأرض... و اعتقاد به آینده روشن، حرکت می‌کند.

* تأکید بر اندیشه حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه؛ در فرهنگ گفتمان حزب‌الله، به این موضوع توجه ویژه شده است. آنان تنها در پی آزادی لبنان از تجاوز دشمنان نیستند؛ بلکه در اندیشه پیروز ساختن اسلام بر کفر و فراهم ساختن پایه‌های حکومت جهانی موعود هستند:

- حسین موسوی (ابوهاشم)، از رهبران تشکیلات حزب‌الله لبنان، می‌گوید: ما تلاش داریم که در سرتاسر جهان از مسلمانان دفاع کنیم.

- شیخ صبحی طفیلی، اولین دبیر کل حزب‌الله، در نامه سرگشاده به حزب‌الله لبنان که با نگاهی دوراندیشانه و عمیق، برگرفته از آموزه‌های مهدوی است، می‌گوید: ما فرزندان حزب‌الله، خود را بخشی از امت اسلامی در جهان می‌دانیم... ما یک سازمان حزبی بسته یا تشکیلات تنگ سیاسی در لبنان نیستیم. ما خود را امتی می‌دانیم که با مسلمانان سراسر جهان، ارتباط عقیدتی استوار در چهارچوب اسلام دارد. ما ضرورت تشکیل جبهه جهانی مستضعفان، متشکل از تمامی جنبش‌های رهایی‌بخش با هدف هماهنگی بیشتر برای آغاز یک حرکت فعال و متمرکز بر ضد دشمنان را یادآور می‌شویم.

* پیوند با ولایت در عصر غیبت و رسالت، حفظ مکتب و ساماندهی آن به همت علما و فضلا، از برکات عقیده به مهدویت است. اعتقاد به ولایت و التزام قلبی و عملی به آن، از مقدمات فکری و عملی حزب‌الله است:

- در کتابچه‌ای که حزب‌الله در خصوص تاریخچه خود منتشر کرده، آمده است: ولایت، در ولی فقیه جامع‌الشرایطی است که عدالت، اعلی‌ت، کفایت، آگاهی به مسائل روز، مدیریت، تقوا و دیگر صفات لازم در او تجلی یافته است.

- در نامه سرگشاده حزب‌الله آمده است: تعهد خود را به دستورات رهبری یگانه، حکیمانه، عادلانه، ولی فقیه جامع‌الشرایطی که در حال حاضر در امام خمینی تجسم یافته، اعلام می‌داریم.

- اظهارات سید حسن نصرالله و سید ابراهیم الامین، از رهبران تشکیلات حزب‌الله نیز در این زمینه مهم است.

سید حسن نصرالله در سالروز میلاد حضرت مهدی علیه السلام پس از تبریک به مردم لبنان، بیان می‌کند: هم‌چنین تبریک می‌گوییم به برپادارنده پرچم و فرمانده دولتش و زمینه‌ساز بزرگ حکومتش در زمین؛ کسی که با اراده و پرصلابت و ایمان مهدی‌گونه‌اش، همه طاغوت‌های جهان را به مبارزه می‌طلبد و در برابر همه طوفان‌ها با عزمی راسخ می‌ایستد؛ یعنی آیت‌الله خامنه‌ای.

روشن شد که مهدویت - به منزله باور مذهبی - و آموزه‌ها و آثار آن در عرصه‌های فردی و اجتماعی، در میان حزب‌الله لبنان جلوه‌گر، و عامل موفقیت آنان است. تأکید بر ظلم‌ستیزی و عدالت، امید به آینده، تحقق حکومت واحد جهانی، پیوند با ولایت و اطاعت پذیری از باورداشت مهدویت است که روح حزب‌الله را زنده نگاه داشته است.^۱

ج) شواهد تاریخی تأثیر نواب عام و مرجعیت، در تربیت مهدوی

تأثیر مرجعیت نواب عام امام زمان علیه السلام در تحولات اجتماعی، و بهره‌گیری آن‌ها از آثار مهدویت در میان مردم برای ایجاد تحول، دارای اهمیت است. نیابت فقها و علمای واجد شرایط در دوران غیبت از جانب امام، یکی از توصیه‌ها و راهکارهای مهدوی است که در کلام شیخ مفید، این‌چنین بیان شده است:

وجود امام برای حل منازعات، بیان احکام شرعی و مصالح دنیوی، همواره لازم است... و اگر امام به لحاظ تقیه و اضطرار... غیبت نماید... در حوادث واقعه مورد ابتلا، به فقهای شیعه مراجعه کرده و از طریق آنان به احکام شریعت که نزد آنان به امانت واگذار شده، آگاه شوند.^۲

از نکات در خور تأمل در اقدامات دولت صفوی، به ویژه شاه طهماسب، توجه به جایگاه ولایت فقها و نایبان عام امام زمان علیه السلام است؛ به طوری که شاه طهماسب از محقق ثانی

۱. حبیب زمانی محبوب، «باورداشت مهدویت و آثار آن، در پیروزی مقاومت حزب الله لبنان»، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکتترین مهدویت (جلد چهارم)، پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، ۱۳۹۳، www.brightfuture.ir.

۲. شیخ مفید، الرسالة الاولى فی الغیبة، ج ۹، ص ۲۸؛ داود فیرحی، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، ص ۲۸۴.

(از مراجع بزرگ شیعی) دعوت کرد تا به ایران بیاید و خطاب به ایشان گفت:

تو به پادشاهی سزاوارتری؛ چون تو نایب امام زمانی، من فقط کارگزار تو هستم و به اوامر و نواهی تو قیام می‌کنم.^۱

بیان شد که از جمله راهکارهای تربیتی حضرت در زمان غیبت کبری، جایگزینی علما و فقها و نواب عام بود که شاه طهماسب در برابر آن سر خضوع و تسلیم فرود آورد. می‌توان ادعا کرد مهم‌ترین اندیشه‌ای که در میان مردم دوره صفوی رواج یافت، اعتقاد به ولایت فقها بود. شاردن و کمپفر گزارش می‌دهند که یکی از گفتمان‌های مطرح صفویان درباره حکومت زمان غیبت، نواب عام و مجتهد عادل بوده است.^۲ طرح این مطالب در آن دوران، از اعتقاد قوی به مهدویت و دغدغه مردم در زمان غیبت برای حفظ دین و دریافت احکام صحیح دین از جانشینان امام زمان علیه السلام در دوران غیبت حکایت دارد.

این اعتقاد، در دوره معاصر نیز موجب شده است که مردم در زمان تردید در مصالح و احکام، و هنگام ناامیدی و فشار و اختناق حاصل از ظلم و ستم حاکمان جور، به مرجعیت و نواب عام امام زمان علیه السلام خود رجوع کنند و از آنان برای حل مشکلات و مسائل خود یاری بخواهند. در این باره می‌توان به نمونه‌های تاریخی ذیل اشاره کرد:

۱. پس از شکستن مواد عهدنامه گلستان از طرف روس‌ها در سال ۱۲۴۰ ق و تجاوز آن‌ها به ایران و انجام اقداماتی چون تجاوز به زنان مسلمان، گرفتن اموال مردم، آزار و اذیت رعایا و غارت دست‌رنج آن‌ها و...، مردم تحت ستم که از حکومت وقت ناامید شده بودند، دست به دامان علمای نجف شدند و به علمای عظام آقا سید محمد اصفهانی و... از رفتار خشن روس‌ها با مسلمانان شکوه، و درخواست کمک کردند.^۳

مردم در اوج ناامیدی، در زیر بار ظلم و ستم، پناهگاه خود را نواب عام امام زمانشان می‌دانستند و به آنان پناه بردند. این امر نشان‌دهنده تأثیر راهکار تربیتی حضرت و هدف ایشان از این راهکار است که جزئی از اعتقاد ما به مهدویت به شمار می‌رود و آثار آن در

۱. محمدباقر خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۴، ص ۳۶۱.

۲. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۸۶.

۳. همان، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

این شواهد تاریخی، بروز و ظهور می‌یابد.

۲. این نمونه نیز مشابه نمونه قبلی، پس از شکست ایران از روس و قرارداد ترکمانچای و ورود الکساندر سرگیویچ گریبایدوف به ایران رخ داد که مؤلف *ناسخ التواریخ*، او را متکبر و دارای غلظت و خشونت معرفی می‌کند. در پی فشارها، تحقیرها و خشونت‌های گریبایدوف در رفتار با مردم و اقدام آخر او، مبنی بر درخواست دو زن شوهردار و بچه‌دار از آصف الدوله و تسلیم شدن وی، مردم به تنگ آمدند و ناامید از دولت، از دولت‌سرای مجتهد زمان، حاجی میرزا مسیح، طلب کمک کردند.^۱

۳. در پی ماجراهای زمان ناصرالدین شاه، پیش از فتوای میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو، مردم باز بر اثر فشار و اختناق و ناامیدی، به مجتهدان رجوع کردند که در پی آن، فرمان میرزای شیرازی، مجتهد وقت، در جهت تحریم توتون و تنباکو رسید و به مسلمانان پژمرده، طراوت و تازگی بخشید:

«بسم الله الرحمن الرحيم. از امروز استعمال توتون و تنباکو بر هر نحوی، در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است»^۲.

دکتر فووریه، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه، بازتاب‌های این فتوا را این چنین بیان می‌کند:

فتوایی از عتبات رسیده؛ به مردم امر شده است که برای برچیدن کمپانی، از استعمال دخانیات خودداری کنند. این فتوا با انضباط تمام رعایت شده، تمام توتون‌فروشی‌ها دکان‌های خود را بسته و تمام قلیان‌ها را برچیده‌اند و احدی در شهر، نه در میان نوکران شاه و نه در اندرون او، لب به استعمال دخانیات نمی‌زند. مردم ایران هر وقت فتوایی از طرف ملایی معتقد یا مجتهدی معتبر برسد، با انضباط تمام، اطاعت آن را گردن می‌نهند.^۳

نکته جالب ماجرا، تأثیر حکم میرزا در همه اقشار و طبقات مردم، حتی داش‌مشتی‌ها و

۱. همان، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.

۲. همان، ص ۲۴۲.

۳. فووریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، ص ۳۲۳.

اوباشان است که از هیچ گناه و جرمی روی گردان نبوده‌اند؛ در کلام آنان آمده است: «من شراب را علانیه و برملا می‌خورم و از هیچ [گناهی] باکی ندارم؛ ولی چپق را تا آقای میرزا حلال نکند، دم هم نخواهم زد. من عرق را به امید شفاعت صاحب‌الزمان می‌خورم، چپق را به چه امید بکشم؟ وقتی میرزا در حکم محاربه با امام زمان می‌داند»^۱.

اما آثار این ماجرا:

- پناه بردن مردم در اوج ناامیدی و فشار و ظلم، به مجتهد و نائب امام زمان وقت؛
 - اطاعت‌پذیری مردم از حکم میرزا، جدا از مسائل سیاسی؛ چرا که بنا بر اعتقادات خود، او را نائب امام زمانشان و پناه خود می‌دانند و اطاعت از او را واجب می‌شمرند؛
 - نکته دیگر، علم میرزا به آثار اعتقاد به مهدویت در میان مردم و استفاده از واژه محاربه با امام زمان علیه السلام در فتوای خود است که موجب اطاعت تام همه اقشار، حتی اوباش شد؛ چنان که می‌گفتند وقتی میرزا، توتون و تنباکو را در حکم محاربه و جنگ با امام زمان می‌داند، به چه امیدی سراغ آن برویم.

۴. در جریان تشکیل مجلس شورا به دستور شاه وقت، روشن‌فکران غرب‌زده کوشیدند با تحریک مردم، به ویژه زنان، علما را تحت فشار قرار دهند تا نتوانند درباره تصویب قوانین مورد نظر آنان، اظهار نظر کنند. مرحوم شیخ فضل‌الله نوری با مشاهده این دسیسه غرب‌گرایان و با علم به اعتقاد مردم به مهدویت و آثار مطلوب آن در فرمان‌پذیری و اطاعت مردم، و محبت آن‌ها به حضرت ولی‌عصر علیه السلام و راضی نبودنشان به نارضایتی آن حضرت، اصل پیشنهادی خود را با این مطلع، آغاز فرمود:

این مجلس شورای ملی که به توجه حضرت امام عصر علیه السلام و بذل مرحمت شاهنشاه و مراقبت حجج اسلامیه و عامه ملت ایران تأسیس شده، باید در هیچ عصر از اعصار، مواد احکامیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام (مهدی) علیه السلام نداشته باشد و معین است که تشخیص مواد موافقت و مخالفت قوانین موضوعه مجلس شورای ملی با قواعد اسلامیه در عهده علمای اعلام بوده و

۱. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۲۴۳.

هست...^۱

سرانجام، کمیسیون نظر شیخ را پذیرفت. روشن‌فکران غرب‌زده و مخالفان اعلام نظر علما در قوانین نیز چون از آثار اعتقاد مردم به امام زمانشان و تمایل آنان به مخالف نبودن قوانین مجلس با قوانین خدا و قوانین موضوعه امام عصرشان باخبر بودند، سکوت کردند و نظر شیخ را پذیرفتند.

۵. در جریان حضور انگلیسی‌ها در شیراز در سال ۱۳۳۵ ق و اقدامات ظالمانه آنان، از جمله تجاوز به زنان و کودکان یکی از قبایل قشقایی، آیت‌الله سید عبدالحسین لاری، اعلم مجتهدان فارس، ضمن همدردی با مردم، حکم جهاد را از طریق نماینده خود، به خان قشقایی اعلام می‌کند:

اعلام فرمان قضا جریان حضرت سبحان و محکمت قرآن و امام زمان عجل الله فرجه... واجب فوری و عینی است مخصوصاً در این زمان امتحان کفر و ایمان، جهاد بر این کفار حربی ابالیس انگلیس و اعوان ایشان... و هر کس تخلف و تقاعد از این جیش مجاهدین و از این جهاد اکبر و نهی از منکر نماید، کأن تخلف از جیش اسامه و امام عصر عجل الله فرجه نموده...^۲

سردار عشایر هنگامی که حکم جهاد را خواند، آن را بوسید و گفت: «... اکنون که حضرت آقا نیز تأکید فرموده‌اند، این حکم جهاد را برای خویشتن الهامی الهی می‌دانم...»^۳ روشن است که آیت‌الله لاری نیز در مقام نایب عام و با علم بر فرمان‌پذیری خان و مردم از فرمان او با توجه به اعتقادات شیعه، برای تحریک و تقویت انگیزه آنان، فرمود: تخلف‌کنندگان جهاد، در حکم تخلف‌کنندگان از فرمان امام زمان عجل الله فرجه هستند.

۶. در پی واکنش آیت‌الله قمی به کشف حجاب و قانون استفاده بانوان از کلاه فرنگی، نیروهای شاه، ایشان را محاصره کردند. خبر محاصره ایشان به عنوان مرجع تقلید، موجب

۱. همان، ص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۲. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۳۵۰؛ محمدباقر وثوقی، اسناد و مکاتبات آیت‌الله سید عبدالحسین لاری، ص ۷۳.

۳. نهضت روحانیون ایران، همان؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۳۴۲.

قیام مسجد گوهرشاد شد و علت مقاومت مردم در برابر رضا شاه، مرجعیت آیت‌الله قمی بود. آقای حاجی هادی محقق، از قول پدرش (شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی، از روحانیان پرتلاش قیام گوهرشاد) نقل می‌کند: «بدان این جریان، نه خیال کنی که همه‌اش یک قضیه سیاسی است و ما هم کشیده شده‌ایم؛ این قضایا به رهبری حاج آقا حسین قمی بود... او هم نایب امام زمان علیه السلام است و خصوصیتی که امام زمان علیه السلام راجع به نواب عامش می‌فرماید، در ایشان هست»،^۱ (لذا اطاعت و حمایت از او، واجب است).

با توجه به پیام شیخ واعظ خراسانی، روشن است که این قضایا جدای از مسائل سیاسی، قضیه اعتقادی است و آثار اعتقادی مهدویت و پذیرش نواب عام و مجتهدان، موجب داخل شدن در قضایای سیاسی می‌شود. بدین ترتیب، نقل ماجراها، جنبش‌ها و قضایای تاریخی - سیاسی در این اثر، از این باب است که ریشه این اقدامات به آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در میان علما و مردم باز می‌گردد.

پس از بررسی شواهد تاریخی بر محور مباحث ذکر شده، نکاتی از آثار ملاقات خواص با امام زمان علیه السلام را بیان خواهیم کرد و سپس، از آثار این اعتقاد در میان شعرا سخن خواهیم گفت.

د) شواهدی بر آثار راهکار تربیتی حضرت، مبنی بر ملاقات با خواص

در مورد آثار تربیتی اصل ملاقات با حضرت، سخن گفتیم و روشن است کسی که اعتقاد به مهدویت را پذیرفته باشد، هدایت و تربیت، نظارت و مراقبت حضرت بر احوال منتظران را نیز خواهد پذیرفت. شواهدی که بیان می‌کنیم، افزون بر آثار تربیتی اصل ملاقات، اثر هدایت، تربیت، مراقبت حضرت، کمک به حل مسائل علمی و اصلاح فتاوای مراجع و... را در بر دارد. هم‌چنین نقل شواهد تاریخی از خواص (آنان که توفیق درک حضوری حضرت را داشته‌اند)، از اعتقاد عمیق آنان به مهدویت و یقین آنان به آثار تربیتی آن تربیت و مراقبت حضرت و... حکایت دارد که موجب تعمیق و تثبیت اعتقاد به مهدویت و آثار تربیتی آن در ما نیز می‌شود.

۱. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۴۲۴.

اکنون به تعدادی از این ملاقات‌ها که دارای کثرت نقل است، اشاره می‌کنیم:

۱. علامه حلی

علامه حلی عازم زیارت کربلا بود. در راه، شخصی عرب همسفر ایشان می‌شود که به گفته علامه، بسیار فهیم و علامه بوده است. شخص عرب سؤالاتی از علامه حلی می‌پرسد و در فتوایی با نظر او مخالفت می‌کند. علامه حلی به عنوان اعتراض می‌گوید: سند و مدرکی برای این مطلب نداریم. فرد عرب، به تهنیدیب شیخ طوسی اشاره می‌کند و می‌فرماید: در فلان صفحه در کتابی که در دست توست، این روایت آمده است. علامه حلی شک می‌کند که شاید این آقا، مولا باشد. در ادامه می‌پرسد: آیا ملاقات با حضرت امکان دارد؟ در این هنگام، تازیانه علامه به زمین می‌افتد؛ شخص عرب در حالی که تازیانه را به او می‌دهد، می‌گوید: چگونه امکان ندارد، در حالی که دست او اکنون در دست توست.^۱

اصلاح فتوا و خبر از دلیل آن و معرفی روایت مورد نظر، جهت تربیت و هدایت مربیان جامعه که در غیاب حضرت، وظیفه تربیت مردم را دارند، در این شاهد تاریخی روشن است.

۲. مقدس اردبیلی

میرفیض، یکی از شاگردان مقدس اردبیلی، با علم به درجه بالای معنوی استادش، شبی او را در تاریکی دنبال می‌کند. مقدس اردبیلی به صحن حرم امیرمؤمنان علیه السلام می‌رود و درهای صحن به روی او گشوده می‌شود. او رو به ضریح، سلام می‌دهد و زمزمه‌هایی می‌کند، سپس به مسجد کوفه می‌رود و در محراب با فردی سخن می‌گوید و دوباره به حرم باز می‌گردد و... در پی سوگند شاگردش، مقدس اردبیلی ماجرا را نقل می‌کند و از او عهد می‌گیرد که تا زمانی که مقدس زنده است، ماجرا را برای کسی نقل نکند. مقدس اردبیلی می‌گوید: مسئله‌ای در دین برایم مشکل شده بود. خدمت حضرت علی علیه السلام رسیدم و مسئله را از آن حضرت پرسیدم. آن حضرت فرمودند: امروز امام زمان تو در این شهر است، به مسجد کوفه برو و از او بپرس. رفتم و در محراب مسجد کوفه، سؤال خود را

۱. محمد تنکابنی، *قصص العلماء*، ص ۲۵۹ و ۳۵۵.

پرسیدم و جواب شنیدم.^۱

حل مشکلات علمی برای نواب عام که وظیفه هدایت و تربیت مردم را در زمان غیبت بر عهده دارند، از آثار خاص این ملاقات بوده است.

۳. سیدبن طاووس

سیدبن طاووس از جمله علمایی بود که حقوق مولای خود را رعایت کرد و معرفت و محبت به ایشان داشت، در نتیجه به مقامی رسید که حضرت مهدی علیه السلام در ملاقات با اسماعیل هرقلی، سید را فرزند خود می خواند و می فرماید: به فرزندم رضی بگو که نامه ای به علی بن عرض درباره تو بنویسد و من به او سفارش می کنم که هر چه تو خواهی، به تو بدهد. یکی از علمای اهل معنا می فرمود: سیدبن طاووس در مقامات معنوی و کمالات، به حدی رسید که بعضی اعمال و ادعیه را بدون واسطه از حضرت می گرفت و نقل می کرد. وی برای تأیید این مطالب، شواهدی ذکر می کند.^۲

اعتقاد راسخ به مهدویت، موجب تأثیر و تربیت علمایی چون سیدبن طاووس شده و روشن است که پایه های این اعتقاد، منتظر حقیقی بودن و در پی آن، امیدوار بودن به کمک و تربیت حضرت و حضور ایشان، تلاش برای کسب آمادگی و محبت عمیق و واقعی و... است.

هم چنین ملاقات علامه بحرالعلوم^۳ و کمک علمی حضرت در حل مسائل و توجه دادن این عالم به مأمور بودن به ادله حاضر یا تلاش هدایت گونه حضرت در شیعه شدن ملاعلی رشتی^۴ و شفای بیماری علامه میرجهانی و اصلاح تفکر علمی او^۵، از دیگر شواهد ما در این موضوع هستند.

۱. مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم از کتاب بحارالأنوار)، ترجمه: علی دوانی، ص ۹۳۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۲. سید جعفر رفیعی، «سید بن طاووس»، مجله موعود، شماره ۱۲، سال پنجم، ۱۳۷۷، ص ۶۵.

۳. روایات الجنات، ج ۷، ص ۲۰۴؛ قصص العلماء، ص ۱۷۳.

۴. «تشریف یافتگان»، دین و اندیشه، تبیان، ۱۳۸۴/۶/۲۹، www.tebyan.net.

۵. محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۴۱۵-۴۱۰.

هـ) شواهد اعتقاد شعرا به مهدویت

از موارد دیگری که در جایگاه بروز و ظهور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، می‌توان به بررسی آن پرداخت، آثار این اعتقاد در میان شعرا و شعرهای آن‌هاست. شعرا زمانی شعر می‌سرایند که طبع لطیفشان تحت تأثیر موضوع یا حادثه‌ای قرار گیرد و در حس، ذهن، قلب و روح آنان دگرگونی و احوالاتی خاص پدید آورد، یا تحت تأثیر نیاز جامعه، احساسات مردم و موضوعات مورد علاقه آنان، اثری از خود خلق می‌کنند. بنابراین، این دو حالت، برای ارزیابی آثار اعتقاد به مهدویت در میان شعرا و مردم، محک و میزان خوبی به نظر می‌رسد. حال، شعرهای شعرا در مورد حضرت مهدی علیه السلام در هر کدام از این دو مسیر خلق شود، مطلوب و مراد ما از بیان نمونه‌هایی برگرفته از اعتقاد به مهدویت حاصل می‌آید و مهم‌تر از آن، پرداختن آنان به آثار تربیتی این اعتقاد در جامعه است که به غلیان احساسات، عواطف و هیجانات مردم درباره این مسئله کمک می‌کند؛ آثاری چون، انتظار، امید، منتظر حقیقی بودن، دلتنگی برای حضرت و محبت به ایشان، سختی‌های زمانه و امید مردم به تحول شرایط و اصلاح جامعه به دست حضرت، ایستادگی و صبر تا زمان ظهور حضرت و... که از نمونه‌ها و شواهد آن، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- در کتاب *نجم الثاقب* ذکر شده است که حضرت، مکنی به ابوالقاسم، ابوصالح و... بوده و ابوصالح، کنیه معروف حضرت میان عرب‌های بادیه‌نشین است و آنان پیوسته در توسلات و استغاثات خود، آن جناب را به این اسم می‌خوانند. شعرا نیز ایشان را با همین کنیه، در قصاید و مدایح خود یاد می‌کنند.^۱

- جناب میراسرافیلی، از شعرای پیش‌کسوت حاضر، اشاره دارد که موضوع مهدویت و انتظار در میان شعرای گذشته، دارای اهمیت بوده است؛ برای نمونه زمانی که پادشاهی از جنگ باز می‌گشته است، شاعران درباری برای شاه، شعر می‌سرودند و او را به «مهدی موعود» تشبیه می‌کردند و هم‌چنان افزونی شعر در موضوع مهدویت و انتظار در میان

۱. *نجم الثاقب*، ص ۶۰.

شاعران معاصر، دلالت بر توجه به این مطلب تا به امروز دارد.^۱

- شاعری به نام حسام‌الدین محمدبن حسام کوهستانی که یک روستایی شاعریپیشه بوده و در حدود سال ۸۷۵ ق درگذشته است، منظومه‌ای به نام خورشیدنامه دارد که در مدح امیرمؤمنان علیه السلام و امام عصر علیه السلام است.^۲

- استاد شهید مطهری نیز از تأثیر اعتقاد به مهدویت در اشعار حافظ سخن گفته و نمونه‌هایی را به عنوان شاهد مثال ذکر کرده‌اند؛ از جمله:

کجاست صوفی دجال چشم ملحدشکل بگو بسوز که مهدی دین‌پناه رسید
غزل معروف

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید و ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید...^۳

با وجود این نمونه‌ها و صدها نمونه دیگر، روشن است که موضوع مهدویت از دیرباز در شعر مطرح بوده و شعرای فارسی‌زبان، گاه به صورت کنایی و غیرمستقیم و گاه روشن و آشکار از مهدی موعود علیه السلام یاد کرده‌اند.

- شاعر دکتر غلامرضا کافی، درباره شعر و مهدویت معتقد است که برخی از شاعران، امام زمان علیه السلام را وارد حادثه عاشورا می‌کنند و قیام ایشان را ادامه قیام امام حسین علیه السلام می‌دانند و از منتقم بودن ایشان یاد می‌کنند. به گفته وی، اشعار مذهبی، پیش از تشکیل حکومت شیعه، سه نوع و در قالب‌های توحیدی، نبوی و علوی بوده‌اند و بعد از تشکیل حکومت شیعی در دوره صفویان، رویکرد به شعرهای علوی و عاشورایی بیشتر بوده است. در دوره ما، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، توجه به شعر مهدوی بیشتر است و با توجه به نیاز جامعه، مضمون اصلی شعر شاعران نسل سوم، مهدویت است. ایشان معتقدند که باید در مقتل‌ها و مرثیه‌ها از منتقم حسین علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته شود و با برگزاری جشنواره‌های مهدوی، شعرا، نقاشان و دیگر هنرمندان، تصویر زیبا و روشن

۱. حسین اسرافیلی، «آثار اعتقاد به مهدویت بر روی شعرا»، فرهنگ و هنر، آینده روشن، ۱۳۸۵،
www.bfnews.ir

۲. «مدعیان دروغین در نهضت‌های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، شماره ۲۲، ص ۸۱.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۷۷.

آینده را به نمایش بگذارند.^۱

با عنایت به سخنان استاد کافی، رویکرد به شعر مهدوی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر بوده است. این رویکرد، با توجه به آن که انقلاب، حرکتی رهایی‌بخش و برگرفته از اصل مهدویت بوده است، منطقی به نظر می‌رسد و با توجه به رشد و گسترش اندیشه مهدوی و اضطرار و شوق مردم به حضرت مهدی علیه السلام شاعران نسل سوم انقلاب، بیش از گذشتگان به مهدویت می‌پردازند که نشان از بارقه‌های امید و انتظار در شاعران ما دارد.

گفتنی است در سده‌های آغازین هجری از نام مهدی بیشتر به عنوان یک نماد تاریخی استفاده می‌شد؛ نمادی که یادآور «صلح و آرامش»، «قسط و عدل»، «پیروزی» و «جهان شمولی اسلام و نابودی کفر جهانی» بوده است. از همین پیشینه ادبی می‌توان به آثار اعتقاد راسخ مسلمانان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از سده‌های آغازین هجری تا کنون پی برد.^۲

و) آثار اعتقاد به مهدویت در فرقه نعمت‌اللهی

انتخاب این فرقه و پرداختن به مهدویت از نگاه آنان، به دلیل ادعای رویکرد معناگرایانه آنان به بحث مهدویت است. فرقه نعمت‌الله، همواره به آن حضرت متوسل می‌شوند و روزی چندین بار آن حضرت را صدا می‌زنند و صلوات کبیر می‌خوانند و هنگام خواب، به باطن او و پدر و اجداد بزرگوارش متوسل می‌شوند.

نظر آن‌ها در مورد حضرت مهدی علیه السلام، به قیام و به اطاعت از حضرتش باز می‌گردد و قیام ظاهری را که به اصطلاح خودشان مخصوص ذکر تام است، هنگامی پسندیده می‌دانند که نماینده قیام باطن باشد و معتقدند اگر تنها به قیام ظاهر اکتفا کنند و در رفتار و گفتار و کردار، آن حضرت را در نظر نگیرند، قیام ظاهری‌شان تأثیری نخواهد داشت.^۳

۱. غلامرضا کافی، «مهدویت و شعرا»، فرهنگ و هنر، آینده روشن، ۱۳۸۵، www.bfnews.ir.

۲. محمدعلی مجاهدی، سیمای مهدی موعود در آینه شعر فارسی، ص ۶۳.

۳. سلطان حسین تابنده، رساله رفع شبهات، ۱۳۸۶، www.njavan.ir.

جدا از اعتقادات ناصحیح و دارای اشکال این فرقه، تبلیغ آنان در مبحث مهدویت، در خور توجه است؛ آن‌ها به پیروان خود هشدار می‌دهند که ابتدا به فکر قیام و اصلاح درونی خویش باشند و با در نظر گرفتن حضرت در رفتار و گفتار و کردارشان، در راه تحول درونی خویش بکوشند؛ که اگر در قیام درون و باطن خود موفق بودند، آن‌گاه قیام ظاهری و اصلاح بیرونی آن‌ها پسندیده و اثرگذار خواهد بود.

ز) آثار اعتقاد به مهدویت در انتخاب نام مهدی

طبق اطلاعات سایت آمار ایران، در سال ۱۳۹۲، بالاترین آمار انتخاب نام پسر، به ترتیب: امیرعلی، امیرحسین، ابوالفضل، محمداطها، محمد، علی، امیرمحمد، محمدمهدی، مهدی و... بوده که نام مهدی در مرتبه نهم و دهم انتخاب قرار داشته است. بررسی این فراوانی در سال‌های قبل از ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که نام مهدی در رتبه‌های دوم و سوم و چهارم بوده است.^۱

با سیری در تاریخ و موضوع تأثیر وقایع تاریخی و اعتقادی بر نام‌گذاری ایرانیان، مشخص می‌شود که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی، انتخاب نام روح‌الله و مهدی افزایش چشمگیری داشته است. همچنین اوج‌گیری دفاع مقدس و توجه ویژه جامعه در آن سال‌ها به شهادت در رکاب امام زمان علیه السلام، مردم را به انتخاب نام مهدی برای فرزندانشان ترغیب کرد.^۲

با توجه به این اعتقاد شیعه که در زمان افزایش ستم و اضطراب و اختناق، امید آنان به ظهور افزایش می‌یافته است، با افزایش فشارها در اواخر دوره رژیم پهلوی و قیام امام خمینی علیه السلام - که الهام گرفته از قیام مهدوی بوده و بنابر وظیفه دینی و رسالت مرجعیت و در مقام نائب عام امام زمان علیه السلام صورت گرفته - پس از پیروزی انقلاب، رویکرد مردم به دو اسم مهدی و روح‌الله بیشتر شد.

۱. فراوانی نام‌گذاری، سایت سازمان ثبت احوال کشور، زمستان ۱۳۹۳، www.sabteahval.ir.

۲. محسن پوریانی، «تأثیر وقایع بر نامگذاری ایرانیان»، نشر سازمان ثبت احوال کشور، عصر ایران، www.asriran.com. ۱۳۸۷/۲/۱۸

همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، رویکرد مردم به اعلام آمادگی و بودن در رکاب حضرت، از طریق انتخاب نام مهدی گسترش یافت که همگی این‌ها بر اعتقاد راسخ مردم به مهدویت دلالت دارد که آثارش در انتخاب نام، شعر شعرا و هنر هنرمندان تجلی یافته است.

فصل پنجم

تربیت در عصر ظهور و آثار آن

پس از بررسی آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در مرحله پیش از ظهور، در گام بعدی وارد مرحله بعد از ظهور می‌شویم. برخی راهکارها و برنامه‌های تربیتی حضرت مهدی علیه السلام برای پرورش افراد در عصر ظهور از این قرار است:

- تشکیل حکومت دینی و تلفیق آن با اخلاق و تربیت؛
- بهره‌مندی از پرورش‌یافتگان دوران انتظار (منتظران حقیقی) جهت پیشبرد اهداف؛
- برنامه‌ریزی خاص برای افرادی که در مکتب انتظار چنان‌که شایسته است، رشد و تربیت نیافته‌اند.

در این فصل، به بررسی این راهکارها و آثار تربیتی آن خواهیم پرداخت.

گفتار اول: آثار تربیتی حکومت دینی - سیاسی حضرت مهدی علیه السلام

پس از قیام حضرت مهدی علیه السلام، تمام دولت‌های باطل در سراسر جهان نابود، و دولت جهانی حضرت تشکیل خواهد شد. هر قیام و اصلاحی که با هدف تشکیل حکومت صورت می‌گیرد، برای رسیدن به اهداف حکومتی خود، به برنامه‌ای جامع و قانونی کامل، رهبری عالی و توانمند و یارانی شایسته نیاز دارد؛^۱ به ویژه دولت حضرت که هدفش، تشکیل حکومت سیاسی و تلفیق آن با اخلاق و تربیت است.

برنامه: هم‌چنان‌که دوران پیش از ظهور، دارای برنامه‌ای جامع و سنجیده و برنامه‌ریزی شده بود، روزگار پس از ظهور هم دارای برنامه‌ای جامع و هماهنگ در عرصه تربیت انسان‌هاست و به گفته شهید صدر، در حقیقت، برنامه تربیتی خداوند برای تکامل انسان، با به نتیجه رسیدن آن در پیش از ظهور پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه این برنامه همواره تا انتهای

۱. نگین آفرینش، ص ۱۴۳.

عمر بشر ادامه دارد.^۱

هر چند پس از قیام و پیروزی بر گروه باطل و نابودی آن‌ها، ظلم و ستم از بین می‌رود و امنیت برقرار می‌شود؛ اما حضرت مهدی علیه السلام برای تغییر در بینش، روش و منش ناسالم مردم (آنان که به گمراهی اهل باطل نبوده و در عین حال، با راهکارهای تربیتی پیش از ظهور، نتوانسته‌اند به اصلاح خود بپردازند و جزء یاران و منتظران حقیقی باشند)، رشد و کمال‌یابی انسان‌ها را سرلوحه برنامه‌های حکومت خود قرار داده و بر تزکیه نفوس، مکارم اخلاقی، دعوت به خیرات عامه و فضایل (عدالت، راستی و...) اقدام خواهد کرد.^۲

برنامه‌های دولت مهدوی، حتی برنامه‌های اقتصادی، سیاسی، رفاهی و... حضرت دارای آثار است؛ چرا که با اجرای عدالت در اقتصاد، صداقت در سیاست و...، سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ را به سمت فضیلت‌های اخلاقی و تربیتی می‌کشاند و با پیوند میان سیاست و اقتصاد با اخلاق و تربیت، در تعالی و تکامل مردم می‌کوشد. در این راستا، دانش و صنعت و تکنولوژی در مسیر درست قرار می‌گیرند؛ رابطه مردم با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت اصلاح می‌شود و قدرت نیز در خدمت آنان قرار می‌گیرد. در این عصر، سرچشمه اخلاق و تربیت، وحی الهی و شریعت آسمانی است که تکلیف مردم را به شکل مطلوبی تبیین می‌کند.

در حقیقت دولت حضرت، دولت تربیتی - اخلاقی است؛ بدین معنا که هم خود جامع تمام فضایل، نیکی‌ها، محاسن ایمانی و عقلانی است و هم در مقام عمل و اجرا، همه آن‌ها را در جامعه محقق می‌سازد.^۳

رهبر: رهبر این دولت اخلاقی، رهبری عالی و توانمند، عادل، آگاه، دلسوز، مدیر و مدبر، قاطع و... است؛ ویژگی‌هایی که از آن برترین مربی عالم است.

امام زمان علیه السلام به دلیل ارتباط با عالم غیب، بر همه هستی و روابط موجودات آگاهی دارد و داناترین انسان زمان خویش، و به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله، وارث تمام علوم است و بر

۱. تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۹.

۲. رحیم کارگر، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۲۳۱.

۳. همان، ص ۲۳۲.

دانش‌ها احاطه دارد. چنین فردی که خُلق و خُلُق او چون رسول خدا ﷺ است، از همه قیدها و بندها آزاد است و دل تنها در گرو رضایت خدا دارد. حضرت به کامل‌ترین شکل، شئون امامت را در عرصه جهان جلوه‌گر خواهد کرد و زعامت دینی - سیاسی و هدایت و تربیت انسان‌ها را عهده‌دار خواهد شد.^۱

بدین ترتیب، حضرت مهدی ﷺ با برقراری حکومت دینی - سیاسی؛ اما مبتنی بر اخلاق و فضیلت و تربیت، به متریان عصر ظهور می‌آموزد که حتی از برنامه‌های اقتصادی، سیاسی، رفاهی و... می‌توان در جهت تربیت مردم و احیای جامعه بهره برد. ملاک اصلی تشکیل چنین حکومتی، احیا و تربیت افراد جامعه است و از این حکومت و برنامه‌های متنوع آن، برای رسیدن به این مطلوب بهره‌برداری می‌شود.

گفتار دوم: آثار تربیتی بهره‌گیری از پرورش یافتگان مکتب انتظار

آن عده از منتظران که در مکتب انتظار و دوران پیش از ظهور، با استفاده از راهکارها، آموزه‌ها و برنامه‌های تربیتی الهی و مهدوی، از نظر ایمانی و عقلانی پرورش یافته‌اند و با داشتن امید، شور، شوق و محبت، با ایجاد آمادگی و زمینه‌سازی، به اصلاح خود پرداخته و از هدایت باطنی حضرت نیز بهره‌مند شده‌اند، در مسلک منتظران حقیقی پیش از ظهور و یاران خاص و یاران عام بعد از ظهور جای گرفته‌اند. آنان در سمت کارگزاران و همراهان حضرت، در برنامه‌های تربیتی پس از ظهور قرار می‌گیرند، تا افزون بر رشد و تقویت پایه‌های تربیتی و تکاملی خود، در جهت رشد و توسعه فرهنگ مهدوی و برنامه‌های اصلاح طلبانه و عدالت‌خواهانه حضرت، به ایشان یاری رسانند و به فرمان حضرت، برای اصلاح و تربیت مابقی افراد بشر و پرورش نیافتگان در مکتب انتظار قدم بردارند.

در مورد ویژگی‌های یاران حضرت، روایاتی بیان شده است که نشان‌دهنده درجات ایمانی آن‌هاست: «همه وجودشان یقین به خداست»، «هرگز شک به خدا در دلشان راه ندارد»، «زاهدان شب‌اند و زمزمه قرآن و مناجات آنان، چون صدای زنبوران عسل می‌ماند»، «گوش به فرمان امام خویش هستند»، «خدا به دست آنان، امام حق را یاری

۱. نگین آفرینش، ص ۱۴۳.

می‌کند» و...^۱.

از این کارگزاران و یاران در دولت اخلاقی حضرت مهدی علیه السلام، با عناوین مختلف نام برده شده است. البته احتمال دارد برخی از گروه‌هایی که نام خواهیم برد، جزء همان ۳۱۳ تن (حاکمان و والیان جهان) باشند؛ از این گروه‌ها با نام‌های نجبا،^۲ رفقا، نقبا، ابدال،^۳ عصاب،^۴ اوتاد،^۵ رجال الهی، اعوان و قواد (فرماندهان)، فقها، خزّان (خزانه‌داران)، اهل قضاوت و... یاد شده است.^۶

در این راهکار، شخص حضرت با استفاده از پرورش‌یافتگان مکتب انتظار، در جایگاه کارگزاران و یاران حکومتی خود در مناصب مختلف، شایسته‌سالاری و نخبه‌پروری را سرلوحه کار خود قرار داده و نشان می‌دهند که بر اساس ملاک تقوا و پارسایی، از افراد برای انجام کارهای مهم خویش، به ویژه در امر تربیت دیگران و احیای جامعه استفاده می‌کنند.

گفتار سوم: آثار تربیتی برنامه‌های حضرت برای پرورش‌نیافتگان در مکتب انتظار

همان‌طور که اشاره شد، برنامه‌های تربیتی حضرت در پیش از ظهور، بر محور تربیت ایمانی و تربیت عقلانی استوار بود؛ هر چند با تفکیک این دو محور در مورد آن بحث نشد؛ اما با دقت و تأمل در هر کدام از راهکارها و آموزه‌ها و برنامه‌ها، روشن می‌گردد که در رشد ایمانی یا عقلانی متربی مؤثر بوده‌اند.

برنامه‌های تربیتی حضرت در عصر ظهور نیز با دو رکن تربیت عقلانی و تربیت ایمانی صورت می‌پذیرد. با وجود آثار تربیتی دیگر برنامه‌های حضرت در عرصه سیاست، اقتصاد و...، بحث را بر اساس برنامه‌های فرهنگی - تربیتی با محوریت تربیت ایمانی و تربیت

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲؛ منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۲۶.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۱۸؛ منتخب الأثر، همان.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴، ح ۷۳؛ منتخب الأثر، همان.

۴. همان.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۸، ح ۴۳.

۶. آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۲۷۷.

عقلانی، ادامه خواهیم داد و این‌ها آثاری است برگرفته از اعتقاد به مهدویت که در زمان آینده، بروز و ظهور خواهد یافت.

هدف ما بیان برنامه‌های حضرت در دوران ظهور نیست؛ ولی به جهت الگوگیری و رسیدن به مقصود خود، به اختصار به آن می‌پردازیم:

۱. برنامه‌های حضرت برای تربیت عقلانی، بر مبنای رشد اندیشه و تفکر، ایجاد معرفت و بینش صحیح یا اصلاح آن^۱ و... با دو روش نهضت علمی^۲ و نهضت فکری^۳ برای رسیدن به کمال علمی و کمال عقلی و در نتیجه «تعادل» سامان می‌یابد؛
 ۲. برنامه‌های مصلح برای تربیت ایمانی، بر مبنای رشد روحیه خودنگه‌داری و تزکیه نفس، پرورش فضیلت‌ها و نفرت از رذایل، پرورش اراده برای عملی کردن فضایل اخلاقی^۴ و... به روش‌های ذیل اجرا می‌شود:
- ریشه‌کنی رذایل اخلاقی (مبارزه با هوای نفس)^۵، از بین بردن بدعت‌ها^۶، نهی از منکرها^۷، رفع کینه‌ها^۸، مداوای نافهمی^۹ و جلوگیری از معصیت الهی^{۱۰}).

۱. رضا فرهادیان، مبانی تربیت، ص ۱۵.

۲. بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳، ح ۶۹ و ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۲۳؛ النعمانی، الغیبه، ص ۲۲۸، ح ۳۰؛ نگین آفرینش، ص ۱۸۳.

۳. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۱؛ گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ترجمه: غلامرضا متقی‌فر و اسدالله طوسی، ص ۷۶؛ سیدرضا صدر، راه مهدی علیه السلام، ص ۲۹؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۳۲.

۴. مبانی تربیت، ص ۱۴؛ گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۸۱.

۵. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۵؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۱۸.

۶. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۴۷، ح ۹ و ج ۵۲، ص ۳۳۹، ح ۸۴؛ نگین آفرینش، ص ۱۸۴.

۷. النعمانی، الغیبه، ص ۲۰۵، ح ۹؛ الکافی، ج ۸، ص ۳۹۶، ح ۵۹۷؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸، ح ۱۸۲.

۸. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱؛ مبانی تربیت، ص ۱۱؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۹. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۳، رک: نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۶، ص ۲۴۱؛ النعمانی، الغیبه، ص ۲۳۷، ح ۲۶.

۱۰. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۴۷؛ منتخب‌الأثر، ص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۲۰ و ۳۲۱.

- تربیت و گسترش مکارم اخلاقی (تزکیه و تقویت اخلاق)^۱، دعوت به سنت رسول خدا ﷺ و امر به معروف^۲.

۳. دیگر برنامه‌های حضرت که در زمینه‌های دینی - تبلیغی و اجتماعی و... صورت می‌گیرد و در رشد و تربیت عقلانی و ایمانی مؤثر است:

الف) برنامه‌های دینی و تبلیغی حضرت بر مبنای تجلی ایمان و باورها؛ و ایجاد انگیزه قوی ایمانی که آدمی را به عمل وا دارد،^۳ با روش‌هایی؛ چون اصلاح اعتقادات و باورها،^۴ احیای اسلام و قرآن، تثبیت دین،^۵ ترویج و گسترش دستورات دینی و اجرای احکام الهی،^۶ ساخت و اصلاح مسجد^۷ سامان می‌پذیرد.

ب) برنامه‌های اجتماعی ایشان، بر مبنای توجه به مشکلات دیگران، پرورش روحیه همکاری جمعی، همدردی با دیگران و توجه به سرنوشت آنان^۸ و... با روش‌هایی چون عدالت‌گستری در جامعه و احیای جامعه مرده،^۹ ایجاد وحدت و تألیف قلوب^{۱۰}، عملی می‌شود.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۱؛ منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۲۸، ح ۷؛ سیده نصرت امین اصفهانی، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۶ و ۸۷؛ تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۱۹۳؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۲۱۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۶؛ اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹، ح ۸۴؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۸۵.

۳. گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۸.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۴۷؛ اصلاحات در حکومت حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۰۹-۱۲۴.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴؛ النعمانی، الغیبه، ص ۲۵۵؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۳۸۳.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳ و ج ۵۳، ص ۱۷.

۷. الطوسی، الغیبه، ص ۴۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲، ح ۵۷؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۹۳-۳۹۱؛ اصلاحات در حکومت حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۷۹.

۸. مبانی تربیت، ص ۱۴.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۴۲۷، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴، ح ۱۶۹ و ج ۵۳، ص ۳۴؛ نگین آفرینش، ص ۱۷۷؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۱۱.

۱۰. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۳، ص ۶۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲، ح ۱۶۴؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۱۲.

پرورش‌نیافتگان و به عبارتی متریبان عام دوران ظهور نیز با دیدن رویه‌های اصلاحی و اقدام‌های عدالت‌خواهانه حکومت، با اعتماد و یقین به رهبر و کارگزاران او، ضمن الگوگیری از پرورش‌یافتگان مکتب انتظار و یاران خاص حضرت، برای رسیدن به مقام آنان تلاش می‌کنند.

برنامه‌های فرهنگی - تربیتی حضرت در این دوره در دو بعد فردی و اجتماعی تنظیم شده و دارای آثار تربیتی مطلوبی است؛ از جمله:

- تقویت‌کننده روان انسان‌هاست که در بعد روحی، تزکیه نفس و آراسته شدن به فضایل و دوری از رذایل، از آثار تربیت اخلاقی است؛ در بعد جسمانی نیز تمام امکانات مادی را در جهت رشد و تعالی روح به کار خواهد گرفت.

- تعدیل‌کننده خواسته‌هاست؛ به طوری که اخلاق، میان غریزه و نیروهای باطنی انسان تعادل ایجاد می‌کند. تعدیل این غرایز، در اصلاح رفتار، گفتار و اعمال انسان، تأثیر بسزایی دارد و از طریق رشد معرفت و عقل و بصیرت و تغییر در بینش به نظام هستی و زندگی، از بسیاری از تجاوزها، فتنه‌ها و فسادها، کوتاه‌بینی‌ها و تنگ‌نظری‌ها جلوگیری خواهد کرد.

- جامعه سالم به واسطه افراد دارای فضایل اخلاقی به وجود خواهد آمد. اگر در اجتماعی، تعاون، انفاق، عفت، تواضع، حسن‌ظن، محبت و به طور کلی عدالت، حکمفرما باشد، این جامعه، مدینه فاضله و جامعه آرمانی اسلام خواهد بود.

به این ترتیب، در پرتو برنامه‌های فرهنگی - تربیتی در دو بعد فردی و اجتماعی و با تأثیر متقابل آن‌ها، افراد در کنار جامعه احیا خواهند شد؛ به طوری که تربیت عقلانی، در دو محور کمال علمی و کمال عقلی، به «تعادل» می‌انجامد و تربیت ایمانی در پرتو کمال اخلاقی و تزکیه، به «تعالی» و «تکامل» منجر خواهد شد. پس از تحقق آثار تربیت فردی از طریق کمال اجتماعی با نتیجه «پیشرفت و همدلی»، زمینه تعالی جامعه نیز فراهم خواهد شد.

به فرموده آیت‌الله جوادی آملی:

کار اصلی امام زمان این نیست که جهان را از عدل و داد پر کند؛ کار اصلی او، زنده کردن جامعه است. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه عامل حیات است. او جامعه مرده را زنده می

کند و سپس به عدل و داد فرا می‌خواند. جامعه زنده، مشتاق عدل و داد است. برخی انسان‌ها به حسب ظاهر، انسان و در باطن، مرده‌اند؛ صورت آن‌ها مطابق سیرتشان نیست. امام علیه السلام صورت آن‌ها را مطابق سیرتشان می‌کند. بعد از آن که سیرت را انسانی و واقعی کرد، جامعه ظاهراً و باطناً انسانی می‌شود. سپس به عدل و داد فرا می‌خواند و جامعه زنده، تشنه عدل و داد می‌شود. کار اصلی او احیاء است. همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله، جامعه مرده را زنده کرد، حضرت ولی عصر علیه السلام نیز جامعه مرده را زنده، و برای احیای آن، معارف و حقایق و طهارت حقیقی را اعطا می‌کند. **﴿يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُم﴾** جامعه‌ای زنده است که کتاب الهی، حکمت الهی و طهارت باطنی را بداند. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از این که تزکیه و تعلیم فردی را مطرح کرد، به تزکیه و تعلیم جمعی پرداخت و به درمان کینه‌جویی، حسادت و... روی آورد. آن که عداوت را تبدیل به صلح می‌کند، کیمیاگری است (ولایت تکوینی) و این امر تنها با نصیحت ممکن نیست. کار امام عصر علیه السلام تبدیل عداوت به صداقت و... است. بیشتر کارهای امام زمان علیه السلام (تأمین عدالت، رفاه و...) فرعی است و مهم، کار اصلی است و این کار اصلی با کارهای فرعی برای تربیت افراد، کامل می‌شود...^۱

گفتار چهارم: آثار تربیتی حاصل از بیان ویژگی‌ها و برنامه‌های عصر ظهور برای

عصر حاضر

نکته در خور تأمل در این مباحث، آن است که ذکر و بررسی برنامه‌های تربیتی عصر ظهور که هنوز دوران آن فرا نرسیده است، چه ضرورت و فایده‌ای دارد؟ به نظر می‌رسد هم‌چنان که در برنامه‌ریزی الهی، مباحث انتظار و منتظران، قبل از شروع غیبت صغری و کبری مطرح گردید و حتی از ابتدای خلقت ساماندهی شد و این برنامه‌ریزی، حاصل تدابیر حکیمانه الهی برای تربیت بشر بوده است، بیان پیش از موعد اخبار و شرایط دوران ظهور نیز در راستای برنامه کلان تربیتی الهی و برای زمینه‌سازی و ارائه الگوست. بنابراین لازم است ما نیز پیش از فرا رسیدن ایام موعود، برای برنامه‌ریزی و ساماندهی امور تربیتی و

۱. عبدالله جوادی آملی، «مهدویت و عدل الهی»، (سخنرانی ایشان در دیدار با مسئولان فصلنامه انتظار)،

فصلنامه انتظار، ش ۱۳، ۱۳۸۳، ص ۴۲.

الگوگیری از مربی آن دوران و برنامه‌های او برای متربیانش، به شناخت برنامه‌های ایشان اقدام کنیم.

الگوگیری از سیره حکومتی - تربیتی حضرت، برای حاکمان، علما و مربیان امروز جامعه یکی از مباحث جالب توجه در تربیت اسلامی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت است. یکی از روش‌های مؤثر در تربیت اسلامی، روش الگویی یا معرفی اسوه‌هاست که این روش، چه در نظام‌های تربیتی - تبلیغی الحادی و چه در سیستم تربیتی - تبلیغاتی اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد و بدان اهتمام خاصی شده است. در این شیوه، درباره الگوگیری از یک حرکت موفق، یا یک فرد موفق و اسوه، و تلاش برای نزدیک شدن به او از طریق شناخت آن اسوه و عملکرد و نتایج موفق کار او... سخن گفته شده است. همچنین درباره نوع تربیت اسوه‌ها و الگوها و چگونگی معرفی آن‌ها به جامعه و راه‌های هدایت بیشتر جامعه به وسیله الگوها بحث می‌شود.^۱

این روش مؤثر در تربیت اسلامی، در بحث تربیت مهدوی نیز مطرح، و در دو جایگاه برای ما شایسته بهره‌گیری است. یکی از آن جایگاه‌ها، الگوگیری از سیره حکومتی - تربیتی حضرت مهدی علیه السلام برای حاکمان، علما و مربیان جامعه است.

برنامه‌ها و آثار مطرح شده در زمان ظهور که برگرفته از اعتقاد به مهدویت است، هر چند برای زمان آینده است؛ ولی برای عصر حاضر نیز قابلیت الگوگیری دارد. این ویژگی جالب دین ماست که افزون بر الگوگیری از گذشته سنت نبوی صلی الله علیه و آله و آموزه‌های مهدوی علیه السلام، از روش حکومتی آینده حضرت، برخورد با کارگزاران، برنامه‌های تربیتی، رویکرد تربیتی به برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و رفاهی و اصلاح آن، و نحوه برخوردها و عملکردهای عصر ظهور و... نیز می‌توانیم الگوگیری کنیم.

با توجه به این که اسوه و الگوی ما در این مرتبه، معصوم است؛ تطبیق دقیق ما با ایشان امکان‌پذیر نیست و تحقق عینی این موضوع فقط در زمان ظهور حضرت اتفاق می‌افتد، ولی بر اساس اعتقاد به انتظار سازنده و تکلیف منتظران بر کسب آمادگی و زمینه‌سازی

۱. مصطفی عباس مقدم، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۹.

برای ظهور ایشان، باید در حدّ توان برای اصلاح و مقدمه‌سازی و پاک‌سازی درون و برون خود تلاش کنیم.

شایسته است بر اساس آموزه‌های مهدوی و آثار تربیتی حاصل شده از زمان گذشته و حاضر، برای نزدیک شدن به حکومت، حکمرانان، کارگزاران و شایستگان در حکومت مهدوی و نیز برای نزدیک شدن عالمان و مربیان جامعه به عملکرد و روش‌های تربیتی حضرت، اقدامات اصلاحی انجام دهیم.

الگوگیری از سیره یاران حضرت و تمایل و شوق برای شبیه شدن به یاران خاص
مرتب‌ه دوم از روش الگوگیری در تربیت مهدوی علیه السلام، الگوگیری از سیره یاران حضرت در زمان ظهور است. با بیان ویژگی‌ها و اوصاف این افراد که رضایت خدا و امام زمان خود را به دست آورده‌اند، و ذکر مقامات آن‌ها در روایات، انگیزه و شوق برای شبیه شدن به آنان و کسب رضایت خدا و امام عصر علیه السلام، در منتظران حقیقی اوج می‌گیرد و در افزایش همت آنان برای کسب آمادگی و خودسازی و هم‌سنخ شدن با ویژگی‌های ذکر شده در روایات نتیجه‌بخش خواهد بود؛ چرا که بر اساس این الگوگیری، ملاک و معیار مشخص و صحیح برای خوب بودن، در اختیار منتظران قرار می‌گیرد.

در مراحل تقلید از الگو، ابتدا برای شناخت صحیح اسوه و الگو تلاش می‌کنیم. سپس با استفاده از مراتب تفکر و اندیشه و تحلیل ذهنی، از آن نکته‌ها و عملکردها و اوصاف متناسب با اقتضائات و شرایط خود، الگوبرداری ذهنی نموده و با تقویت انگیزه و اراده خود، برای رسیدن به هدف مورد نظر وارد صحنه عمل می‌شویم.^۱

ایجاد تصویر انسان‌های متعالی و مدینه فاضله و عصر ظهور، برای ایجاد شوق و انگیزه بیشتر در منتظران

برای پرداختن به این اثر، دو پرسش را مطرح می‌کنیم: در بحث الگوگیری از سیره یاران حضرت، این نکته مطرح شد که برای رسیدن به هدف خود باید با تقویت انگیزه وارد صحنه عمل شویم؛ اما این انگیزه چگونه تقویت می‌شود؟ چگونه تحرک و شوق برای

۱. همان، ص ۱۰۶.

عمل کردن، افزایش می‌یابد؟ سؤال دوم، منتظران در انتظار چه هستند؟ در امید به چه کسی یا چه چیزی به سر می‌برند؟

در پاسخ به سؤال دوم، روشن است که انتظار و امید منتظران به ذات ظهور بر نمی‌گردد؛ بلکه انتظار آنان و امید آن‌ها برای آمدن امام زمان علیه السلام، منجی احیاکننده و عدل‌گستر آنان است. امید و انتظار آنان برای رسیدن به وعده‌های الهی در زمان ظهور و ویژگی‌ها و شرایط متعالی آن دوران است. ریشه‌کن شدن فقر و بدبختی، جهل و نادانی و ظلم و ستم از سراسر جهان، حکم‌فرما شدن بینش و بصیرت، آرامش و همدلی، امنیت و رفاه بر جامعه، قرار گرفتن امام در رأس امور به عنوان زمامدار صالح و عادل، حضور کارگزاران شایسته او در اجرای امور و لذت بردن انسان‌ها در آن دوران از کنار هم بودن، از جمله چیزهایی است که انتظار آن را می‌کشند؛ چرا که انسان عصر ظهور، در ارتباط خود با خدا، با خود، با طبیعت و با دیگران^۱ تعالی یافته، و این انتظار و امید است که او را برای تحقق هدف‌های اسلامی و انسانی و برنامه‌های عملی دین، به عمل و حرکت وا می‌دارد. ایجاد تصویر از رهبر، از انسان‌های عصر ظهور، از جامعه عصر ظهور و مدینه فاضله برای منتظر، رونق و شوق و نشاط و امید او را به همراه دارد و با این تصویر و برای رسیدن به این دوران است که انگیزه و تحرک او فزونی می‌یابد.

در این جا پاسخ سؤال اول نیز روشن می‌شود. قصد ائمه علیهم السلام (در روایات) از پرداختن به ویژگی‌های انسان و جامعه عصر ظهور (مدینه عدل،^۲ مدینه رفاه،^۳ مدینه امن و امنیت،^۴ مدینه علم^۵ و مدینه تربیت^۶)، ترسیم تصویر آن در ذهن منتظران و ایجاد شوق و انگیزه و

۱. دکتربین مهدویت، ص ۷۵، ۷۶ و ۸۸-۸۲.

۲. از جمله: الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۴؛ النعمانی، الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۴۵ و ص ۲۷۴، ح ۵۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۹۰، ح ۴۴ و ج ۵۲، ص ۳۳۸، ح ۸۳ و ج ۵۱، ص ۱۲۰، ح ۲۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲؛ اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۶۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۸، ح ۳۷.

۴. نور (۲۴): آیه ۵۵؛ النعمانی، الغیبه، ص ۲۴۰، ح ۳۵.

۵. النعمانی، الغیبه، ص ۲۳۹.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۱؛ حسن مسعودی، مهدویت و مدینه فاضله، از مجموعه چشم به راه

تقویت آن در مخاطبان و منتظران دوران غیبت بوده است و این، یکی دیگر از آثار تربیتی حاصل از بیان ویژگی‌ها و برنامه‌های عصر ظهور برای عصر حاضر بود که به آن پرداختیم.

بدین ترتیب، آنان که به مهدویت اعتقاد دارند و آثار تربیتی این اعتقاد را می‌پذیرند، باور دارند که پرورش‌یافتگان مکتب انتظار، به همراه رهبر و مربی فرزانه خود، در قالب یک حکومت دینی - سیاسی مبتنی بر اخلاق و تربیت، انسان‌های پس از ظهور را این چنین تربیت می‌کنند و چنین جامعه آرمانی و مدینه فاضله‌ای را می‌سازند و این انسان‌ها و جامعه پس از ظهور که براساس روایات، تصویر شد، تبلور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت خواهد بود.

یک نکته مهم در بحث الگوگیری

بررسی نگاه فلسفی جامعه در بحث الگوگیری و رابطه آن در عرصه تربیتی مهدوی، نکته مهمی است که در این قسمت بدان می‌پردازیم.

اصولاً بینش فلسفی، نظام‌دهنده به جهان‌بینی انسان‌هاست و این بینش فلسفی، انگیزه اساسی انسان‌ها را برای اقدام کردن یا اقدام نکردن می‌سازد. بینش فلسفی را در قسم ماهیت، به سه قسم می‌توان تقسیم کرد: اصالت گوهر، اصالت ذات و اصالت وجود دینی؛ یعنی اصالت گوهر و ضرورت ذات. در جهت‌گیری این ماهیت‌ها نیز به آرمان‌گرا بودن و خوش‌بین بودن، و واقع‌گرا و بدبین بودن تقسیم می‌شود.^۱

هدف ما توضیح و تبیین این بینش فلسفی نیست؛ بلکه درصدد بیان آثار تربیتی این بینش در عرصه جامعه در مبحث الگوگیری هستیم.

برخی اندیشمندان و کارگزاران تربیتی، بر فلسفه اصالت ذات تکیه دارند؛ نه اصالت گوهر (یعنی به ذات و شخص افراد اسوه و الگو اصالت می‌دهند، نه به گوهر و ارزش‌ها و برجستگی‌های رفتاری و به عبارتی شخصیت آنان)؛ اگر هم در مینا به آن معتقد نباشند، در

....→

مهدی علیه السلام ص ۲۰۵-۱۹۸.

۱. سیدحسین سیف‌زاده، اصول روابط بین الملل، ص ۲۳ و ۲۴.

عمل، اصالت ذات را برتری می‌دهند.

در این بینش تربیتی - فلسفی، انسان‌هایی متعالی فرض می‌شوند، و بقیه افراد با هریک از مصادیق فرض شده، مورد سنجش قرار می‌گیرند و در صورت دوری از آنان - به جای تلاش برای اصلاح این افراد - به عنوان انسان‌هایی نامطلوب مطرح می‌گردند. حتی در برخی مواقع، خصوصیات این افراد متعالی و اسوه را فقط عقلای جامعه می‌توانند کشف و فهم کنند و آنان بدون ایجاد درک، فهم و معرفت درست درباره ویژگی‌ها و خصوصیات اسوه در ذهن جوانان، مطالب را چونان مادر پرنده، به جوجه‌اش می‌خورانند.

در این حالت، حقیقت‌یابی این افراد اسوه و متعالی، فقط در بحث تعاریف خلاصه، و به تعبیری صفات و خصوصیات در قالب توصیف‌های زیبا، به سوی مخاطبان پرتاب می‌شود، بدون آن‌که فهم درست و کاربردی از آن ویژگی‌ها ایجاد شود.^۱ در واقع به ارزش‌گذاری و احترام به ذات آن اسوه می‌پردازند، ولی گوهر وجود و ویژگی‌هایی که باعث اسوه شدن آن فرد شده است را برای متربی بیان نمی‌کنند. به عبارتی، فقط بازگوکننده و تعریف‌کننده هستند، نه تبیین‌کننده و سازنده.

در نتیجه این بینش و عمل، انسان‌های دیگر هیچ‌گاه حقیقت‌ساز نمی‌شوند تا افرادی متعالی و اسوه‌های جدید به وجود آیند. در این صورت، ما بیشتر به دنبال کشف افراد متعالی و اسوه خواهیم بود تا خلق افراد جدید و متعالی و اسوه. در این نظام تربیتی، ما فقط الگوها را مشخص و معرفی می‌کنیم، ولی راه رسیدن به این الگوها را برای متربیان و نسل منتظر خود تبیین نمی‌کنیم.

گویی در عرصه ارائه نظام تربیتی و اجرای آن در جامعه در بحث تئوری آرمان‌گرا هستیم؛ اما در عرصه عملی و اجرا شاید ناخواسته آرمان‌گرا بوده‌ایم. به جای تلاش برای تغییر دادن شرایط، امیدوار بودن و خوش‌بین بودن به احیا و تربیت انسان‌های جدید، به واقع‌گرایی محافظه‌کارانه و تلاش برای حفظ شرایط موجود و اصرار بر حفظ همین الگوها و اسوه‌های موجود، روی آورده‌ایم و به جای اصالت دادن به گوهر و معیارهای الگو بودن

۱. علی صفائی حائری، رشد، ص ۱۸.

اسوه‌ها و پرداختن به شخصیت آن‌ها، به اصالت دادن به ذات و شخص‌ها مشغول شده‌ایم. با ادامه دادن این مسیر، هم‌چنان در مقام عمل و در توسعه و ثبات در عرصه تربیتی دینی، ناموفق خواهیم ماند.

هر چند ارزش گزاردن به ذات‌ها و انسان‌های وارسته، امری ارزشمند و ضروری است؛ اما در کنار آن باید با توجه به نظام تربیتی اسلام، ملاک و معیار را گوه‌های کسب‌شده در این شخصیت‌ها و اسوه‌ها دانست و برای تربیت و پرورش این ارزش‌ها در نسل جدید سرمایه‌گذاری کرد. پس در قسم ماهیت، به ضرورت احترام به ذات و اصالت دادن به گوهر و ارزش‌های آن اسوه معتقدیم و در جهت‌گیری در اجرای نظام تربیتی، به آرمان‌گرایی و خوش‌بین بودن به احیا و تربیت انسان‌های جدید ارزش می‌دهیم.

نتیجه عملی و ملموس این بحث در عصر حاضر، در اسوه‌ها و الگوهای زمان ظهور (حضرت مهدی علیه السلام و یاران و کارگزاران ایشان) و در ایام انتظار (در منتظران حقیقی و عالمان و مربیان برجسته جامعه) مطرح می‌شود.

در این نگرش فلسفی در عرصه تربیتی مهدویت، اگر فقط به ذکر مشخصات، ویژگی‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های حضرت، یاران و کارگزاران ایشان، منتظران حقیقی و علمای مشهور بسنده کنیم و اصالت ذات را در پیش گیریم، به بیراهه رفته‌ایم. شایسته است با احترام به ذات و شخص حضرت، یاران، کارگزاران و منتظران حقیقی، به اصالت گوهر وجود ایشان پردازیم و افزون بر کشف این اسوه‌های متعالی، به منظور الگوگیری عملی و نه فقط توصیفی، و خلق و پرورش یاران و منتظران حقیقی و علما و مربیان شایسته در ایام انتظار، و بهره‌گیری از روش حکومتی و سیره تربیتی حضرت و بهره‌مند شدن از صفات و فعالیت‌های یاران و کارگزاران در ایام ظهور، چاره‌ای اندیشیده و در راه پژوهش و ایجاد تحول و پرورش اسوه‌های جدید در خانواده و جامعه گام‌های مثبتی برداریم.

فصل ششم

موانع بروز آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت و راه‌های مقابله با آن

در این فصل برآنیم که در حدّ توان به این پرسش‌ها پاسخ دهیم؛ چرا با وجود آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت که در بحث نظری، اثبات‌شدنی است، ولی در عرصه عمل و عرصه تاریخی - تربیتی تنها تا حدودی بروز و ظهور یافته است؟! چرا همپای نظرهای قوی و عمیق بخش نظری، شاهد آثار و شواهد عملی کافی و وافی در این عرصه نبوده ایم؟!

چرا با توجه به آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت که در منابع دینی و تمدن اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای است، از آن در حوزه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، انسان‌سازی و جامعه‌سازی استفاده لازم نمی‌شود؟ چرا از آموزه‌ای که تعیین‌کننده وظایف مؤمنان و هدایت‌گر آنان و تعیین‌کننده حرکت جوامع - چه قبل از ظهور و چه پس از ظهور - است، برای رسیدن به جامعه ایده‌آل با انسان‌های متعالی، بهره کافی گرفته نمی‌شود؟! چرا فرهنگ مهدوی و آثار این اعتقاد، در بنیان‌های اصلی زندگی شیعیان، مهجور و متروک مانده است؟!

روشن است که هر فرهنگ و مجموعه معرفتی - تربیتی، ممکن است دچار آفت‌هایی شود که مانع رشد و کمال و بالندگی آن فرهنگ گردد. فرهنگ دینی و به تبع آن فرهنگ مهدوی نیز گاهی به آسیب‌هایی دچار می‌شود که حرکت رو به کمال آن را کند می‌کند و بحث آسیب‌شناسی، عهده‌دار شناختن این آفت‌ها و شیوه مقابله با آنهاست. مناسب است در انتها با آسیب‌شناسی و بررسی موانع بروز آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، ضمن آشنایی با موانع، به راه‌های مقابله با آن بپردازیم.

گفتار اول: آشنایی با موانع و آسیب‌ها

الف) آسیب‌شناسی در مباحث کلان

فقدان نظام تربیتی مهدوی: با وجود آیات تربیتی پر بار و روایات عمیق و اثرگذار، نتوانسته‌ایم آن‌ها را در قالب یک نظام تربیتی برای استفاده در جامعه و متناسب با جوانان، خانواده‌ها، مدارس، رسانه‌ها و... عرضه کنیم. البته مراد ما از نظام تربیتی، چینش چند آیه و روایت در کنار هم نیست؛ بلکه این کار، بسان کاوش در معارف انباشته از سنگ و آهن است که جز با تلاش‌های بی‌وقفه متخصصان علوم تربیت دینی و مهدوی، و تحمل سختی‌ها و جست‌وجوی عمیق و ریشه‌ای، و ایجاد رابطه مناسب میان اصلاح و فضیلت و تربیت با سیاست، اقتصاد، خانواده، مدارس، رسانه‌ها و...، امکان‌پذیر نیست.^۱

ناهماهنگی مباحث تربیت دینی و مهدوی با نظام‌های اداری، اقتصادی، رسانه‌ای... و کوتاهی متخصصان و عالمان دینی در تدوین یک نظام تربیتی جامع و هماهنگ مهدوی، از ضعف‌های آشکار در این عرصه است. هر چند بسیار کتاب نوشته و گفتمان و همایش ترتیب داده‌ایم، گاه موازی‌کاری‌ها، سطحی بودن کارها، پرداختن به توصیف‌ها به جای تبیین‌ها، نبود همراهی و اتحاد متخصصان و نویسندگان در این وادی برای عرضه نظام جامع و هماهنگ تربیتی، مانع از آن شده است که نظام تربیتی مهدوی برای استفاده در مباحث مورد نیاز فرد و جامعه، شکل بگیرد.

نبود نظریه‌پردازی در مباحث تربیتی مهدوی: در طول تاریخ شیعه، از بحث مهدویت، برای نظریه‌پردازی در موضوع حکومت و دولت و شرایط حاکمان در عصر غیبت، آن هم با توجه به آن که قسمی از مباحث فقهی بوده، استفاده شده است و فقها و علمای اسلام، موضوع مهدویت را به عنوان یک اصل، موضوع بحث و گفت‌وگو قرار داده‌اند؛ اما متأسفانه این توجه به فرهنگ مهدویت، منحصر در همین حوزه حکومت در عصر غیبت بوده و در دیگر حوزه‌ها کمتر به آن توجه شده است. این در حالی است که از موضوع مهدویت نه تنها در عرصه حکومت؛ بلکه به عنوان اصل تربیتی و سازنده در عرصه‌های علوم

۱. گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۴.

اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... می‌توان استفاده کرد و آن را در نحوه مدیریت جامعه، اقتصاد و فقرزدایی، رفتار و مناسبات اجتماعی، قانونمندی و قانون‌پذیری جامعه، انسان‌شناسی و انسان‌سازی، جامعه‌شناسی و جامعه‌سازی به کار گرفت. در عقیده و باور اسلامی، انتظار و عقیده به امام زمان علیه السلام و ظهور او، سامان‌بخش همه این عرصه‌هاست. از این‌رو، مهدویت به مثابه قلب اندیشه اسلامی، باید در تمام شئون زندگی حاکم و جهت‌بخش باشد، نه این‌که توجه به مهدویت و آثار تربیتی آن، در حاشیه نظریه‌پردازی‌ها قرار گیرد و به عنوان یک امر تاریخی و گاه اسطوره‌ای تلقی شود.^۱

ب) آسیب‌شناسی در مفاهیم کلیدی

یکی از آفت‌ها در فرهنگ دینی و فرهنگ مهدوی ما، نداشتن دیدی جامع به مباحث دینی و مهدوی و برخورد افراطی و تفریطی با آن است. هنگامی که انسان با دیدگاهی تک‌بعدی به سراغ فهم دین برود، افزون بر افراط و تفریط‌ها، مرتکب تأویل و تفسیرهای نابجا و تحلیل نادرست از روایات و بیان ناقص مفاهیم می‌شود.^۲

انحراف از مفاهیم کلیدی و اصیل مهدویت؛ مانند غیبت و انتظار، موجب شکل‌گیری انتظار مخرب و سهل‌انگاری در انجام وظیفه می‌شود و جامعه را به سمت بی‌تحركی و نداشتن پویایی، نداشتن انگیزه برای زمینه‌سازی قیام حضرت و کسب آمادگی، انزواطلبی و پوچی می‌کشاند.^۳ ترسیم چهره خشن از حضرت مهدی علیه السلام و تمرکز افراطی بر قیام ایشان، بدون پرداختن به جنبه‌های فرهنگی و تربیتی اقدامات ایشان، نگرش سطحی و خرافی به مهدویت، تعیین وقت ظهور و تطبیق نادرست نشانه‌های ظهور بر مصادیق، داغ کردن بحث ملاقات با حضرت و گسترش ملاقات‌گرایی و مدعیان دروغین و مریدپروری^۴ و... همه و همه ناشی از نگاه تک‌بعدی به مهدویت و انحراف مفاهیم قیام مهدی علیه السلام از

۱. دکترین مهدویت، ص ۶۳ و ۶۴؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۹۴.

۲. نگاهی تحلیلی به زندگانی امام مهدی علیه السلام ص ۳۴.

۳. انتظار، بایدها و نبایدها، پیش‌گفتار.

۴. نگین آفرینش، ص ۲۳۱.

جایگاه اصیل و باارزش آن است.

ج) آسیب‌شناسی در سطح خواص و مربیان جامعه

دو عامل اساسی که ما را از حیات سازنده در عرصه تربیتی مهدوی بازداشته، غفلت و تغافل و یا نبود شناخت صحیح است؛ عده‌ای شناخت دارند و به هر علتی غافلند و یا خود را به تغافل زده‌اند و باید راهکارهای تربیتی را برای حل مشکل آنان یافت، عده‌ای شناخت ندارند و از معرفت و امور تربیتی مهدوی بی‌بهره و به مادیات و اسباب مادی دل بسته و شاید از زندگی هم خسته‌اند؛ مسلم است که اگر این افراد به شناخت صحیح برسند و بفهمند که راه نجات آنان در اصلاح رابطه‌شان با خدا، خود و دیگران است و در پی امید و حرکت و خودسازی برآیند، از آثار تربیتی مهدوی بهره‌مند خواهند شد.

اما این وظیفه تربیت این دو گروه، بر عهده کیست؟ روشن است که بر عهده سیاست‌گذاران تربیتی، عالمان و مربیان جامعه است؛ اما متأسفانه آسیب‌هایی در قشر مربی و سیاست‌گذار ما مانع از ظهور و بروز آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در متربیان می‌شود، از جمله این موارد عبارتند از:

نبود برنامه‌ریزی و بیان مناسب: نبود برنامه‌ریزی و به کار نگرفتن تدبیر و نیازسنجی و شناخت صحیح از متربیان، از جمله ضعف‌های سیاست‌گذاران و عالمان عرصه تربیتی جامعه است. در چند سال گذشته، توجه مردم به باور مهدوی و فرهنگ انتظار چندین برابر شده و به ویژه جوانان، اشتیاق فراوانی برای شناخت بیشتر این موضوع ابراز می‌کنند و البته تلاش و دغدغه متولیان تربیتی نیز در این شوق، مؤثر بوده است؛ ولی جامعه ما از آثار مستند، بیان مستدل و متقن که با زبان روز و متناسب با استعداد و توانایی مخاطبان مختلف، بتواند موضوع مهدویت را تشریح و تبیین کند، محروم است.^۱

تغییر هدف و رویکرد: تغییر هدف و رویکرد برخی سیاست‌گذاران و عالمان تربیتی در اعمال وظایف، از جمله آسیب‌های این گروه است. زمانی که هدف مربیان جامعه از انتقال علم و معرفت، سخنرانی، گفتمان، نوشتن کتاب، تبلیغ و موعظه و... در مقوله‌های مادی

۱. انتظار، باید و نبایدها، پیش گفتار.

خلاصه شود یا مقوله‌های مادی پررنگ‌تر گردد و عملشان خالصانه و صادقانه به مخاطب عرضه نشود، مسلماً از عمق و بهره‌وری لازم برخوردار نخواهد بود.^۱

مربیان بی‌عمل: حضور مبلغان و ناصحان و عالمان و در یک کلام، مربیان بی‌عمل و بدون ظهور آثار تربیتی، موجب بی‌اعتمادی و سرگردانی متربیان عرصه مهدوی می‌شود. زمانی که مربی عرصه مهدوی از خلق خوب و رفتار حسنه و همراهی و همدلی با متربی بی‌بهره باشد، دلیلی برای اثرگذاری او و انتقال معارف مهدوی و آثار تربیتی عقیده به مهدویت باقی نمی‌ماند.

نکته قابل ذکر آن است که در این عرصه تربیتی، اندیشمندان حوزوی و روحانیان، بیش از همه دچار قصور و تقصیر بوده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که مقصود از بیان این مطالب، خدای ناکرده تخریب طلاب و روحانیان نیست که اگر چنین باشد، این کار از هدف این اثر و هدف نگارنده به دور خواهد بود.

ما دانشجویان و طلاب علوم دینی اگر در راه هدایت و تربیت افراد جامعه و ترویج عقیده به مهدویت و عملی کردن آثار تربیتی آن، کاری انجام داده‌ایم، مسلم آن است که در انتظار تشکر و قدردانی فرد یا جامعه نیستیم؛ چرا که ما از داعیه‌داران تربیت و هدایت جامعه بر اساس سنت نبوی و اهداف مهدوی هستیم و این اعمال جزء وظایف ماست و اگر به هر دلیلی در این امر کوتاهی کرده‌ایم، لازم است ابتدا برای اصلاح و تربیت خود، و سپس اصلاح و تربیت صحیح دیگران چاره‌ای بیندیشیم.

د) آسیب‌شناسی در حوزه اجتماعی

خداوند و فرهنگ مهدوی، در کنار زندگی، نه در زندگی: از دیدگاه جامعه‌شناسان دین، عمدتاً مردم دین‌دار هستند و در کنار فعالیت‌های زندگی، به رفتارهای دینی پرداخته، به مجموعه‌ای از باورها از جمله مهدویت ایمان دارند. این در حالی است که اکثر انسان‌های پیش از ظهور و جامعه آنان، دارای دین‌داری و مهدی‌باوری ژرف نیستند و خدا و فرهنگ مهدوی در کنار زندگی آنان جریان دارد، نه در زندگی آنان.

۱. گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۹۰.

از آن‌جا که یکی از مؤلفه‌های بزرگ و آثار تربیتی در جامعه مهدوی، اصلاح رابطه انسان با خدا و حضور خداوند در همه شئون زندگی انسان است، این‌گونه دین‌داری، مانع از بروز و ظهور اثر تربیتی مهدوی خواهد شد.^۱

عملکرد دشمنان مهدویت: هدف دشمنان مهدوی، تضعیف اثرگذاری فرهنگ و تربیت مهدوی در افراد جامعه است. مهم‌ترین اقدامات دشمن در این راستا، بی‌اعتنا کردن مردم به ارزش‌ها و باورهای مهدوی، ایجاد تزلزل و شک در مورد حضور حضرت و زنده بودن و ارتباط با ایشان، و بی‌اعتماد ساختن جامعه به مریمان و مبلغان فرهنگ مهدوی است.

در این مرحله، نقش تبلیغات و برنامه‌های دشمنان برای ضعیف کردن باورهای دینی ما، به ویژه عقیده به مهدویت - که به آثار مهم آن پی برده‌اند - روشن است؛ اما برنامه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای، نظام آموزش ما در مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، مریمان و مبلغان ما، کتاب‌ها و مجلات‌مان، مجالس وعظ و سخنرانی و گفتمان‌ها و... در راستای خنثی کردن برنامه‌های دشمنان و رشد هر چه بیشتر آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت چیست؟!

بینش نامطلوب به تاریخ زندگی اهل بیت علیهم‌السلام و حضرت مهدی علیه‌السلام در جامعه: تأمل در احوال گذشتگان و بررسی احوال نام‌آوران و اسوه‌های گذشته، به عنوان تجربه‌های زنده، برای آشنایی، معرفت، وسعت دید و عمل ما می‌تواند بسیار مفید باشد.^۲ تاریخ، تجربه‌های گذشته را به تجربه کنونی ما می‌افزاید و از راه زنده نگه داشتن یاد نیک‌ها و نیک‌ها، زندگی ما را پرمایه‌تر می‌کند؛^۳ اما به راستی، عرضه تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام و به ویژه تاریخ زندگی حضرت مهدی علیه‌السلام، در رسانه و محیط‌های آموزشی ما چگونه است؟ تاریخ زندگی حضرت مهدی علیه‌السلام و مهدی‌باوران، منتظران حقیقی حضرت در دوران گذشته، افرادی مثل علی‌بن‌مهزیارها، شیخ مفیدها، مقدس اردبیلی‌ها... در نگاه رسانه‌ای و آموزشی ما چقدر عمق می‌یابد؟ در کتاب‌ها و مجلات ما چگونه به آن پرداخته می‌شود و آیا برای نسل امروز، کاربردی و قابل درک و عمل‌پذیر می‌گردد؟

۱. دکترین مهدویت، ص ۸۴ و ۸۵.

۲. عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۸.

معلمان و مدرسان تاریخ، مربیان تربیتی در مدارس، اساتید تاریخ در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، خود چگونه به تاریخ زندگی حضرت و مهدی‌باوران و منتظران می‌نگرند و با چه بینشی آن را به مخاطب خود می‌آموزند؟

باید بپذیریم که در این زمینه بسیار کمبود داریم و نگاه و بینش اساتید، معلمان، مربیان، اهل رسانه و مطبوعات به تاریخ زندگی حضرت، تاریخ زندگی باوران و منتظران حضرت و مهدی‌باوران و مهدی‌باوران، در حیطه آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت نبوده است. ادعا نمی‌کنیم اطلاع‌رسانی نشده است؛ بلکه اشکال این‌جاست که ذهن‌ها مملو از اطلاعات و آموزه‌های تاریخی هستند، ولی بینش و فهم عمیق و قلب و روحی تأثیرپذیرفته و آماده عمل بر اساس آموزه‌های تاریخی حاصل نشده است.

پرداخت غیر تربیتی رسانه‌ها به موضوع: منظور از رویکرد تربیتی رسانه به بحث مهدویت و آثار تربیتی عقیده به آن، گفتمان و میزگرد و طرح مباحث علمی و تاریخی از زندگی حضرت و دوستداران حقیقی او نیست، هر چند این موارد لازم است؛ اما کافی نیست. نمی‌توان از یک شبکه، مردم را با آثار تربیتی جامعه مهدوی آشنا کرد و در همان شبکه یا شبکه دیگر، بدون توجه به این عقیده و آثار آن، برنامه ارائه داد!

هنر رسانه‌ای زمانی جلوه‌گر می‌شود که بتواند مسائل روز، خانوادگی، اجتماعی و تأکید باورهای دینی و مهدی‌باوری را در قالب سریال‌ها، برنامه‌های شاد و جذاب، همراه با ایده‌های نو و خلاقانه، و به دور از شعارگرایی و برخورد تصنعی ارائه دهد و با هنر رسانه‌ای خود، مروج و مربی تربیتی باشد.

نبود معرفت در نهاد خانواده: خانواده به عنوان مهم‌ترین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی - تربیتی، بدون معرفت و آگاهی لازم درباره عقیده به مهدویت، بدون آشنایی کافی با مراکز پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات در بحث مهدویت، وجود تعصب و تقلید از گذشتگان و بزرگان در موضوعات و باورهای دینی، فقدان بصیرت لازم به مهدی‌باوری و مهدی‌باوری، نبود انتظار مثبت و سازنده در خانواده‌ها، بدون تلاش پدر و مادر برای کسب آمادگی و خودسازی، و بی‌توجهی به زمان‌های خاص برای یاد حضرت و...، چگونه می‌تواند فرزندان خود را به صورت منتظر حقیقی تربیت کند؟!

تبلیغ غیرسازنده درباره موضوع محبت حضرت مهدی علیه السلام: در بحث انتظار و ارکان تربیتی آن، یکی از محورها، بحث عاطفی (محبت و شوق) به حضرت بود؛ ولی متأسفانه یکی از آسیب‌های جامعه ما در برنامه‌های تبلیغی، مداحی‌ها، سخنرانی‌ها، خانواده‌ها و...، توجه زیاد به عشق و محبت حضرت و بیان احساسات در این موضوع است، بدون آن که در این زمینه، محبت حقیقی و لوازم آن تبیین گردد. پرننگ شدن بحث محبت و کم‌رنگ بودن مباحث امید، کسب آمادگی و تلاش برای اصلاح و خودسازی، موجب می‌شود که منتظران، ناخودآگاه در مقوله عمل و مباحث رفتاری و جنبشی و... سست شوند.

توجه به آسیب‌شناسی در حوزه فردی: مواردی چون جهل، کج‌فهمی، ساده‌لوحی و ساده‌پنداری، روی آوردن به خرافات در بحث مهدویت، جمود و تعصب یا رفتارهای فقط احساسی، نقصان در بینش و بصیرت عقیده به مهدویت، افراط‌ها و تفریط‌ها در مباحث مرتبط با مهدویت، گناه کردن و داشتن صفات رذیله و در نتیجه پیروی از هوا و هوس، بی‌توجهی به اعتقادات به علت نداشتن تعقل و...، از جمله آسیب‌های فردی و موانع بروز و ظهور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت است.

گفتار دوم: مقابله با موانع و آسیب‌ها

حوزه فردی

- منتظر حقیقی باید با سرکوب رذایل و تلاش برای تهذیب نفس، زمینه را برای تربیت خود و اقدامات تربیتی مریبان در عرصه تبلور آثار تربیتی عقیده به مهدویت فراهم کند.
- معرفت و شناخت خود را به حضرت مهدی علیه السلام و فرهنگ مهدوی و فرهنگ انتظار، اوامر و نواهی حضرت، سیرت اخلاقی حضرت، اهداف و برنامه‌های ایشان، سیرت و ویژگی‌های منتظران حقیقی و نیز تلاش خود را برای الگوپذیری از آنان و کسب رضایت امام از طریق اطاعت افزایش دهد.
- به مطالعه کتاب در این زمینه بپردازد و در جلسات معارف مهدوی شرکت کند.
- با علمای وارسته و فرهیخته، ارتباط علمی - معرفتی - تربیتی داشته باشد.
- به معارف اصیل و مفاهیم صحیح مهدوی توجه کند و از خرافات، احساسات، ادعاهای

دروغین و ساده‌لوحی و... دوری گزیند.

حوزه اجتماعی

- خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی، باید بر اساس اعتقاد به مهدویت، به اصلاح ساختار تربیتی خود پردازد.

- باید تلاش همه‌جانبه‌ای برای همه‌گیر شدن عقیده به مهدویت در جامعه و تقویت آثار و جلوه‌های تربیتی آن، صورت گیرد؛ به طوری که فرهنگ مهدوی در کنار فرهنگ حسینی، به عنوان بهترین عوامل سازندگی و شادابی دین، عرضه اندام کند.

- تلاش همه‌جانبه نهادهای تربیتی جامعه، برای خنثی کردن اقدامات دشمنان مهدوی صورت گیرد.

- مسئولان و سیاست‌گذاران عرصه تربیتی، به ارائه آثار مستند، مستدل و متقن که با زبان روز و متناسب با نیازهای مخاطبان باشد، پردازند و با عزمی راسخ و ارائه کارهای هنری و جذاب؛ اعم از تصویری، متنی، گفتمانی و... به تشریح و تبیین عقیده به مهدویت پرداخته، برای تحقق آثار تربیتی آن در جامعه تلاش کنند.

برنامه‌ریزی و تدبیر بر اساس نیازهای نسل جوان در این زمینه، امر مهمی است. نهادهایی؛ مثل سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر تبلیغات، وزارت آموزش و پرورش، صدا و سیما، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، در نهادینه کردن فرهنگ صحیح مهدوی می‌توانند مؤثر باشند.

عرصه مریبان جامعه

- روشنگری علما و اندیشمندان و متفکران حوزه مهدوی‌پژوهی و دادن اطلاعات صحیح در باب مهدویت و پیش‌قدم بودن آنان در مبارزه با آسیب‌های ذکر شده، از جمله درمان‌های مؤثر خواهد بود.

- معرفی شخصیت حضرت مهدی علیه السلام و نگاه تاریخی آموزنده به آن، بررسی و تحلیل احادیث مهدوی، تبیین انتظار سازنده و وظایف منتظران، آگاهی دادن درباره خطرها و آسیب‌ها، و تبیین برنامه‌های حضرت در دوران ظهور برای تقویت روحیه امید، تحرک و خودسازی در نسل منتظر و... از جانب علما و مریبان جامعه نقش بسزایی خواهد داشت.

- آشنایی مربیان عرصه فرهنگ مهدوی با علم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و نحوه برخورد با منتظران جوان و همدلی و همراهی آنان و رفتار حسنه با آنان، از عوامل مثبت تأثیرگذاری خواهد بود.

- مهم‌تر از همه، عمل عالمان و تربیت‌یافتگی مربیان بر اساس آموزه‌های مهدوی، در جلب اعتمادسازی مخاطب نقش مهمی دارد.

- توجه نواب عام به ادای تکلیف و وظیفه در این زمینه و عنایت به این‌که نیابت، پذیرفتن همه تکالیف اسلامی؛ اعم از مالی، اجتماعی، رهبری و تربیتی است و نیابت، از مقوله اقدام و عمل است، نه موعظه و حرف؛ نیابت، میدان‌داری در برابر دشمن است، نه انزوا‌گزینی.

روشن است که اگر در رأس همه مربیان جامعه، عالمان ربّانی حوزه و طلاب، از مهدوی‌یوران و منتظران حقیقی حضرت باشند، کلام آنان نافذ خواهد بود و بقیه مربیان هم با پیروی از آنان و سپس متریبان با الگوگیری از مربیان خود، در عرصه تأثیرپذیری از عقیده و آموزه‌های مهدوی موفق خواهند بود.

گفتار سوم: راهکارهایی برای الگوسازی صحیح در موضوع تربیت مهدوی

معمولاً هر اعتقاد بنیادین در عرصه علمی و دینی، باید توانایی تحلیل و تفسیر مجموعه‌ای از مسائل را داشته باشد و برای بهبود و رشد وضعیت فرد و جامعه، راهکارهایی راهبردی پیشنهاد دهد. حال پرسش این است که آیا اعتقاد به مهدویت، به عنوان یک نظریه اعتقادی می‌تواند راهکارهای راهبردی را به انسان و جامعه عرضه کند؟ در بررسی این اثر روشن شد که اعتقاد به مهدویت، قابلیت هدایت، تربیت، ایجاد رشد و بهبود را برای انسان و جامعه در دوره قبل از ظهور و بعد از ظهور داراست؛ آثار و کارکردهای تربیتی آن در موضوعات انسان‌شناسی و انسان‌سازی، جامعه‌سازی در دوره‌های قبل از غیبت، غیبت صغری، غیبت کبری و دوران انتظار و عصر ظهور و پس از آن، دالّ بر این مطلب است.

اکنون که این عقیده به عنوان یک نظریه اعتقادی، می‌تواند در انسان و جامعه اثرگذار

باشد و با راهکارهای خود، در مسیر رشد و تقویت آنان قدم بردارد، باید برای تعمیق و تثبیت این اعتقاد مؤثر تربیتی، راهکارهایی بیندیشیم. از این رو، به بررسی راهکارهای ترویج و تثبیت این باور تربیتی می‌پردازیم:

برای رسیدن به این مقصود، ابتدا لازم است با عزمی راسخ، به اصلاح ساختار تربیت دینی و تربیت مهدوی در جامعه خود بپردازیم و برای تعمیق تربیت مهدوی، اقدامات لازم را انجام دهیم.

- نخستین راهکار، بررسی علمی و تدوین نظام تربیتی اسلام و سپس تدوین نظام تربیت مهدوی است؛ البته نظامی جامع و کارآمد. باید با نظریه‌پردازی، گفتمان، نقد و نظر، نکته‌سنجی‌ها و اظهارنظرهای ژرف درباره این آموزه اعتقادی، به قوت علمی این موضوع بین‌الادیانی کمک کرد؛ تا آن‌جا که آن را هم‌چون مباحث علمی چون هرمنوتیک، پلورالیسم، سنت و مدرنیسم و... به عرصه گفت‌وگو و نظریه‌پردازی کشانده، زوایای گوناگون آن را بررسی کنیم؛ یعنی بحث مهدویت را از عرصه‌های سنتی و مهجور به عرصه‌های پژوهشی - علمی و در متن زندگی وارد، و کمک کنیم که باور مهدویت در زندگی انسان‌ها اثر گذارد و آنان را با امام عصر علیه السلام و مربی زمانشان مرتبط سازد.

باید هم‌چون اندیشه سوسیالیسم یا لیبرالیسم که در برهه‌ای، چنان بر فرهنگ جهان اثر گذارد که بیشتر عناصر فرهنگی؛ اعم از رمان‌ها، فیلم‌ها، نمایشنامه‌ها، آثار هنری، اقتصاد، سیاست، تولید، روابط بین‌الملل، فلسفه، مبارزه سیاسی، انقلاب و بسیاری دیگر از زمینه‌های فرهنگی - تربیتی، با این تفکرها آمیخته شد،^۱ ما نیز با تلاش مدبرانه در این عرصه، به دور از سخنان سطحی و کلیشه‌ای و به دور از فرض تربیت مهدوی و اعتقاد به مهدویت به عنوان امری فرعی و حاشیه‌ای، با زبانی عمیق و گویا، رفتار و گفتار و کردار انسان‌ها و جامعه را نه در موضوع مهدویت و باور آن، بلکه بر اساس آن و در راستای آثار تربیتی آن سامان دهیم.

- گام دوم، اصلاح نگرش فلسفی جامعه به مقوله تأثیرگذاری تربیتی عقیده به مهدویت

۱. دکترین مهدویت، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

است. سزاوار است با توجه به مطالب بیان شده در گذشته، در عین احترام به ذات و شخص حضرت مهدی علیه السلام و ابراز عشق و محبت به این بزرگوار، و افزون بر پرداختن به تعاریف و توصیفات، به گوهر وجودی ایشان اصالت دهیم و آمادگی و زمینه تغییر و تحول رفتاری و کرداری منتظران را برای کسب گوهر ارزنده و ویژگی‌های آن موعود منتظر، فراهم آوریم و در جهت الگوگیری از آن شخصیت، ویژگی‌ها، برنامه‌های تربیتی ایشان، شخصیت و ویژگی‌های مهدی‌یاوران و مهدی‌باوران حقیقی در گذشته و حال اقدام کنیم.

- راهکار سوم، برگزاری همایش و کنفرانس مفید درباره نظریه‌پردازی در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی و ساخت و تدوین نظام تربیتی اسلامی معاصر و تدوین نظام تربیتی مهدوی است. سزاوار است با علم روش‌شناسی، به روش‌شناسی تربیت دینی و تربیت مهدوی بپردازیم. ضرورت پرداختن به فلسفه تربیت مهدوی ایجاب می‌کند که درباره اهداف کلی و جزئی تربیت مهدوی، بایدها و نبایدهای مباحث تربیتی امروز، اولویت‌های تحقیق تربیتی در این عرصه، و مبانی و اصول تربیت مهدوی، بحث و تبادل نظر شود. ضمن آن که علوم تربیتی و مباحث روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و به کارگیری این علوم در این زمینه، بر پایه یافته‌های قرآنی و روایی بسیار مفید خواهد بود.

در این صورت، شایسته است نخبگان فکری و تربیتی جامعه، با شکل‌گیری نظام تربیتی مهدوی و استفاده از معلومات به دست آمده، پس از عمل به راهکار سوم و تغییر نگرش فلسفی خود به تربیت، با جهت‌دهی آرمان‌گرایانه، جامعه و فرد را به سوی اصلاح و هدایت و تربیت مهدوی هدایت کنند و در شکل‌گیری و رشد مهدی‌باوران و مهدی‌یاوران جدید سهیم باشند.

هر چند در عمل به راهکار سوم، شاهد برگزاری همایش‌ها و نشست‌هایی قابل هستیم؛ اما به راستی خروجی این برنامه‌ها تا چه اندازه در رشد نظام تربیت مهدوی و عملیاتی شدن آن مؤثر بوده است؟!

- درباره زندگی ائمه علیهم السلام تلاش علمی و در خور توجهی صورت نگرفته است. از این رو، شایسته است در راهکار چهارم، آن‌چنان که در تاریخ زندگی افرادی مثل ارسطو، افلاطون و... و در تحلیل و تبیین زوایای مختلف اندیشه‌ای و بینشی آنان تلاش شده است، در

تاریخ زندگی امامان و از جمله امام عصر علیه السلام نیز کار شود و در جهت شناسایی افکار، خواسته‌ها و آرمان‌های ائمه علیهم السلام اقدامی مطلوب صورت گیرد. از این رو، پیشنهاد می‌شود که به دور از کلی‌نویسی و ساده‌انگاری، بلکه به صورت تخصصی، شخصیت هر یک از پیشوایان، به ویژه حضرت مهدی علیه السلام با توجه به دوران زندگی‌شان و دوره حال، تحلیل عقلانی - اجتماعی شود. در ادامه، برای ترویج فرهنگ رفتاری و کرداری و تربیتی هر یک از آنان، کرسی‌های جداگانه در مورد اندیشه‌ها و بینش‌هایشان، در حوزه و دانشگاه شکل گیرد؛ از جمله برای تعمیق و ترویج فرهنگ مهدوی، ایجاد کرسی مهدی‌شناسی در حوزه و دانشگاه ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنان که در حوزه‌ها در بحث فقه‌پژوهی، مدت‌ها درباره مباحث فقهی؛ چون آب قلیل، طهارت و... بحث می‌شود، لازم است برای غنای فرهنگی و تربیتی، اجتهاد نظری و بحث‌های گسترده تخصصی درباره مهدویت و آثار تربیتی این باور در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها صورت گیرد.^۱

- طبق یک نظریه، رهبری جهان در آینده، از آن کشور و اندیشه‌ای است که بهترین تفسیرها را از چگونگی تحولات جهانی در آینده داشته باشد. چنین کشور و اندیشه‌ای، از لحاظ فکری می‌تواند هدایت و رهبری فرهنگی جوامع دیگر را به عهده داشته باشد. به عبارتی، هر قدرت و اعتقادی که بتواند بهتر از دیگران افکار را هدایت کند، می‌تواند با قبولاندن جهان‌بینی خود، رهبری فرهنگی و هدایت افکار را به دست آورد.^۲ از این رو:

- با توجه به این که ایران، کشوری معتقد به مکتب شیعی است؛

- مکتبی که افزون بر ظرفیت‌ها و اندیشه‌های تربیتی و فرهنگی والا، دارای اندیشه مهدویت است؛

- اعتقاد و اندیشه‌ای جامع که ضمن ارائه راهکارها و برنامه‌ها و آموزه‌های تربیتی، تصویری زیبا، شفاف، رغبت‌انگیز و شوق‌برانگیز و حقیقی از آینده انسان، جهان و تحولات

۱. همان، ص ۱۴۷، ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲. اصول و روابط بین‌الملل، ص ۸۸.

و اصلاحات آن ترسیم می‌کند و در جهت انسان‌سازی و جامعه‌سازی می‌کوشد؛
- ضمن آن‌که این اندیشه و اعتقاد، یک اعتقاد مشترک میان ادیان مختلف است؛
بر این اساس، در راهکار پنجم پیشنهاد می‌شود که با توجه به راهکارهای قبل، با
برگزاری گفتمان‌های بین‌المللی، درباره ویژگی‌های جامعه آرمانی، منجی و موعود و
رهبری او، نظریات ادیان و مشترکات آن‌ها و تأثیر آن در عرصه تربیتی فرد و جامعه و...
تبادل نظر شود و با توجه به ظرفیت‌های والای تربیتی موجود در اعتقاد به منجی در
شیعه، به طور غیر مستقیم با تثبیت عقلانی آن در جامعه جهانی و قبولاندن این جهان
بینی و بینش سازنده و تلاش برای رشد ایمانی افراد، شرایطی را فراهم آوریم که بر
اساس این نظریه، رهبری فرهنگی - تربیتی و هدایت افکار جامعه به دست مکتب شیعه
باشد.

جای بسی تأسف و تعجب است که نظریه‌های افرادی چون هانتینگتون، فوکویاما، آلوین
تافلر و... در عرصه جهانی مطرح باشد، اما اندیشه و باوری هم‌چون مهدویت و اعتقاد به
منجی که موضوع مشترک ادیان و مکاتب است، به عنوان یک نظریه تربیتی جهانی
ناشناخته باشد.

نتیجه‌گیری

هدف نهایی از آفرینش انسان و جهان و فرستادن وحی و برانگیختن انبیا و اولیا، پرورش، تربیت و تکامل انسان است. خداوند برای تحقق این امر، برنامه جامع و کلان تربیتی خود را در قالب یک زنجیره تربیتی، متشکل از حلقه‌های تربیتی منظم و به هم پیوسته و متناسب با هر زمان و مکان و در راستای یک برنامه بلندمدت تنظیم کرده است. کوشش تمامی انبیا و هدف آموزه‌های وحیانی هم، سامان دادن و اجرای برنامه تربیتی الهی برای تربیت انسان بوده است و این امر، مهم‌ترین آرمان ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی و حتی مکتب‌های بشری در طول تاریخ است؛ چرا که همه اندیشمندان با هر نوع تفسیری که از کمال عرضه کنند، به نظر خود، برای نجات و رستگاری انسان اقدام می‌کنند.

تربیت مهدوی به عنوان آخرین حلقه و مهم‌ترین قسمت از زنجیره تربیتی الهی، تجلی آخرین فرصت ادیان (بقیة‌الله) و نتیجه نهایی برنامه بلندمدت الهی در نظر گرفته شده است. در واقع، تلاش‌های حضرت آدم علیه‌السلام و صد و بیست و چهار هزار پیغمبر و معصومین علیهم‌السلام برای تربیت بشر، در حکومت مهدوی به طور کامل به ثمر می‌نشیند. با توجه به اهمیت و نقش سازنده تربیت مهدوی، به منظور پرداختن به این مرحله مهم در تربیت بشر، با انتخاب موضوع آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، وارد عرصه تحقیق شدیم و به دنبال بررسی و تبیین دو نوع مطلب بودیم:

۱. کیفیت تربیت مهدوی و به عبارتی، راهکارها، ساختارها، آموزه‌ها و برنامه‌های تربیتی امام غائب و مربی برتر عالم، برای تربیت متریان و منتظران (همان‌طور که روشن شد، اعتقاد به وجود و حضور حضرت و اعتقاد به جایگاه ولایت و مربی‌گری حضرت بر ما،

اعتقاد به برنامه‌ها و پذیرش راهکارها و آموزه‌های او را نیز به دنبال دارد).
 ۲. نتیجه و آثار اعتقاد به وجود، حضور، نظارت و ظهور حضرت و همچنین آثار برنامه‌ها، راهکارها و آموزه‌های تربیتی حضرت برای تربیت متریبان و منتظران، و جست‌وجوی شواهد تاریخی دلالت‌کننده بر آن.

برای رسیدن به این اهداف، ابتدا معیارهایی در چهار محور برای سنجش آثار تربیتی شناسایی شد. از آن‌جا که انتظار، جایگاه رفیع و سازنده‌ای در عقیده به مهدویت دارد و به عبارتی، عقیده به مهدویت در دوره‌های مختلف با انتظار حضرت مهدی علیه السلام معنا و مفهوم می‌یابد، یکی از ارکان ثابت در چهار محور شاخص‌های تربیتی، انتظار است؛ چرا که در این انتظار، منتظر و متربی به امید آمدن مربی و منتظر، سرزنده و شاداب است و برای تطهیر و پاکی درون خویش می‌کوشد تا میان روح او و مربی‌اش سنخیت ایجاد شود. او با امید به آینده مطلوب، شادابی درونی دارد و احساس ناامیدی را به خود راه نمی‌دهد. این انتظار، برای او که امیدوارانه و عاشقانه انتظار مولای خود را می‌کشد، تهذیب نفس و خودسازی و تلاش برای قیام و اصلاح جامعه را به دنبال دارد.

انتظار مهدوی، آثار انسان‌سازی و جامعه‌سازی دارد و از این روست که در روایات، بهترین عمل معرفی شده است.

بر این اساس، آثار عقیده به مهدویت با رکنی سازنده و اثرگذار چون انتظار، در چهار محور: شناختی (انتظار، معرفت و نگرش امیدوارانه)، عاطفی (انتظار، محبت و شوق)، رفتاری (انتظار، آمادگی و خودسازی) و جنبشی (انتظار، قیام و اصلاح) تجلی می‌یابد. برای بروز و ظهور آثار تربیتی عقیده به مهدویت بر اساس شاخصه‌های تربیتی در هر محور، صبوری و عدالت‌خواهی و تلاش برای تعادل ضروری است. بدین ترتیب، برای بررسی آثار بر اساس این شاخصه‌ها، مباحث در دو مرحله قبل از ظهور و بعد از ظهور سامان گرفت. دوران قبل از ظهور، در سه دوره قبل از غیبت، غیبت صغری و غیبت کبری، در سه فصل، گام به گام بحث تربیت مهدوی را شفاف می‌سازد و با تبیین راهکارها و آثار تربیتی در هر دوره به طور جداگانه، برنامه تدریجی بلندمدت و به هم پیوسته تربیت مهدوی را تشریح می‌کند. این برنامه در حقیقت، بر دو محور رشد و تربیت عقلانی و ایمانی استوار است.

با توجه به نقش اثرگذار و پر اهمیت تربیت مهدوی که مقصود نهایی برنامه تربیت الهی و نتیجه کامل اقدامات انبیا و اولیا علیهم‌السلام است، این برنامه برای تحقق کامل و شایسته، از دوران قبل از غیبت طراحی شده است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد نقطه نهایی تربیت بشر و برترین مربی برای تحقق این امر الهی، حتی قبل از غیبت به مردم هر عصر، شناسانده شده و از همان ابتدا اقدامات لازم برای ایجاد معرفت به موعود آخرالزمان و اعلام نوید تحقق صلح و عدالت و تشکیل مدینه فاضله در زمان او، از طریق بشارت‌های الهی و زمینه‌سازی انبیا و اولیا علیهم‌السلام برای اعتقاد به او و انتظار برای او، صورت گرفته است. از جمله راهکارها و ساختارهای تربیت مهدوی در دوره قبل از غیبت با توجه به بیان شرایط و نشانه‌های دوران غیبت و انتظار و عصر ظهور، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: زمینه‌سازی خداوند و انبیا جهت بروز و ظهور آثار تربیتی این اعتقاد، سیره تربیتی چهارده معصوم علیهم‌السلام در آماده‌سازی و جامعه‌سازی برای عصر غیبت، شیوه‌های آنان برای ترویج و جامعه‌پذیرسازی فرهنگ مهدویت و نیز تلاش شاگردان ائمه در گسترش فرهنگ مهدوی. از جمله آثار تربیتی آموزه‌های مهدوی در این عصر، امیدواری و صبر برای تحول و بهبود شرایط جامعه، ایستادگی و مقاومت شیعیان در برابر خلفای اموی و عباسی همراه با صبر و تلاش و تکاپو برای تحول از طریق افشاگری و...، شکل‌گیری جنبش‌های مردمی با روحیه ایثار و از خودگذشتگی در راه زمینه‌سازی برای اصلاحات مهدوی، و ظهور مدعیان مهدویت است که با آگاهی از اعتقاد مردم به مهدویت و انتظار و آثار تربیتی مطلوب آن، یا در جهت خیر، ایجاد تحول، اصلاح، سرکوبی ظلم و نجات مظلوم قیام می‌کرده یا برای رسیدن به اهداف شخصی و کسب قدرت از این موضوع بهره می‌گرفته‌اند؛ این آثار در همه دوره‌ها متجلی است. البته شواهد تاریخی این آثار هم در این فصل اشاره شده است.

در گام بعدی، با عنوان آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره غیبت صغری، اقدامات تربیتی حضرت؛ شامل ایجاد ساختار سازمان رهبری، نهاد وکالت، استفاده از راهکارهایی؛ چون توقیع، مکاتبه، ملاقات و تثبیت جایگاه علما بررسی شد. آثار تربیتی این راهکارها نیز که در راستای تربیت و هدایت افراد و تقویت عقیده به مهدویت است، مورد بررسی قرار

گرفت. امیدواری همراه با صبر، مقاومت، شکل‌گیری جنبش‌های مردمی و ظهور مدعیان مهدویت در این دوره نیز از زمره آثار محسوب می‌شود. در این فصل، به شواهد تاریخی - تربیتی که بر اساس شاخصه‌های تربیتی عقیده به مهدویت سنجیده می‌شوند، پرداخته شده است.

در بحث راهکارها و ساختارهای تربیتی در دوره غیبت کبری، ضمن بیان فایده امام غایب و چگونگی بهره‌مندی از برکات او، به راهکارهایی؛ چون هدایت تکوینی و باطنی حضرت مهدی علیه السلام، توصیه عمل به سیره و سنت اهل بیت علیهم السلام، توصیه عمل به سخنان و دستورات حضرت مهدی علیه السلام، جایگزینی فقها و علما و نواب عام، وظایف هدایتی و تربیتی آنان، و ملاقات حضرت با برخی علمای خاص و راهنمایی و کمک به برخی عوام اشاره شده است. درباره آثار تربیتی این راهکارها نیز با عنوان فواید اصل غیبت در تربیت افراد، آثار اعتقاد به واسطه فیض بودن حضرت و نظارت دائمی ایشان، آثار احساس وجود و حضور امام، تأثیر غیبت بر پرورش و رشد علما و اقدامات تربیتی آنان در جامعه، آثار تربیتی ملاقات‌ها با حضرت و... بحث و بررسی شده است.

در مروری بر شواهد تاریخی آثار تربیتی عقیده به مهدویت، به نماد صبر و امید و انتظار مردم کاشان و سبزوار، توجه به اماکن و مراسم و ادعیه منتسب به حضرت و...، شکل‌گیری جنبش‌های مردمی و ظهور مدعیان مهدویت با تکیه بر اعتقاد مردم به مهدویت، آثار این اعتقاد در نعمت‌اللّهی‌ها، اهل تصوف و شعرا و نیز نکات تربیتی برخی ملاقات‌ها اشاره شده است. ضمن آن‌که درباره تأثیر این اعتقاد، در حرکت‌های رهایی‌بخش؛ مانند انقلاب اسلامی ایران، دفاع مقدس و حزب‌الله لبنان، بررسی اجمالی صورت گرفته است. آثار این اعتقاد در رویکرد مردم به اماکن مذهبی و مجالس و تلاش برای گسترش فرهنگ مهدوی، رویکرد شعرا به شعر سرایی در موضوع مهدویت، رویکرد مردم به انتخاب نام مهدی برای فرزندان‌شان و... نیز مورد توجه بوده است.

بدین ترتیب، روشن می‌شود که آثار تربیتی برگرفته از عقیده به مهدویت و شواهد تاریخی - تربیتی آن، در گذشته وجود داشته و در حال حاضر نیز وجود دارد و مسلماً در آینده وجود خواهد داشت.

در ذیل عنوان تربیت در عصر ظهور (مرحله پس از ظهور) به راهکارهای تربیتی حضرت اشاره شد؛ از جمله: تشکیل حکومت مبتنی بر اخلاق و تربیت و سامان دادن همه امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... برای رشد و پرورش و تربیت افراد عصر ظهور، استفاده از پرورش‌یافتگان در مکتب انتظار (همان منتظران حقیقی که در زمره یاران حضرت در آمده‌اند) و برنامه‌های خاص تربیتی حضرت برای پرورش‌نیافتگان مکتب انتظار که این برنامه‌ها بر محور تربیت عقلانی و تربیت ایمانی است.

سپس با بیان تأثیر این برنامه‌ها و راهکارها و تربیت افراد پس از ظهور، تصویری از آینده انسان و جهان پس از ظهور ترسیم شد.

در قسمت دیگر با عنوان «آثار تربیتی حاصل از بیان ویژگی‌ها و برنامه‌های عصر ظهور»، حکمت بیان ویژگی‌ها و برنامه‌های عصر ظهور برای منتظران و متریان عصر غیبت را ذکر کردیم و گفتیم که ما معتقدیم: با ایجاد تصویر مطلوب و توضیح روایات مربوط به عصر ظهور و موارد رشد و ترقی آن دوران (در ذهن انسان عدالت‌جو، صلح‌طلب، آزادی‌خواه، دوستدار حاکم عادل، دوستدار آرامش و امنیت اجتماعی و نیازمند هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگران)، افزون بر احساس آرامش، احساس شوق و رغبت برای رسیدن به این دوران، تمایل و شوق او را برای شبیه شدن به یاران خاص، زیاد می‌کند و انگیزه او را در خودسازی و پاک‌سازی درونی تقویت می‌بخشد. ضمن آن که بیان ویژگی‌ها و برنامه‌های حضرت و سیره حکومتی - تربیتی ایشان، و روش و منش یاران و کارگزاران ایشان، برای عبرت‌گیری و الگوگیری حاکمان، علما و مرییان امروز جامعه و نیز متریان و منتظران بسیار مفید است.

بدین ترتیب، روشن شد که حضرت مهدی علیه السلام از طریق راهکارها و برنامه‌های متناسب با هر عصر، چگونه اقدامات تربیتی خود را اعمال می‌کند. برنامه تربیتی تدریجی و بلند مدت که از دوران قبل از غیبت برنامه‌ریزی شده و زمینه‌سازی برای تحقق آن از طرف خداوند، انبیا و اولیای او صورت گرفته است؛ سپس شخص حضرت مهدی علیه السلام آن را ادامه می‌دهد تا مقصود نهایی از آفرینش بشر حاصل شود.

هم‌چنین با توجه به نوع راهکارها و آموزه‌های تربیتی حضرت، دریافتیم که قابلیت اجرا

و عمل را داراست و وجود برخی شواهد تاریخی - تربیتی قابلیت عمل و اجرایی بودن آن را اثبات می‌کند.

با وجود ظرفیت‌های موجود در بحث عقیده به مهدویت به واسطه اثرگذاری آن در عرصه تربیت بشر، به خصوص ظرفیت‌های خاص مکتب شیعه - هم‌چون: اعتقاد به زنده بودن و حضور امام مهدی علیه السلام در جامعه، اعتقاد به نظارت دائم ایشان بر احوال و اعمال متربیان و منتظران، استفاده از توصیه‌های حضرت مبنی بر عمل به سیره و سنت اهل بیت علیهم السلام، استفاده از توقیعات و آموزه‌ها و سخنان حضرت، وجود نواب عام و عقیده به تبعیت از آنان و... - تجلی آثار تربیتی این عقیده در زندگی فردی و اجتماعی شیعیان، بسیار بیشتر از موارد ذکر شده و شواهد تاریخی، مورد انتظار است؛ به طوری که شایسته است بیش از این، منتظران حقیقی محب، امیدوار، خودساخته و آماده در این عرصه پرورش یابند و این موضوع در جامعه فراگیر شود.

متأسفانه برخی عوامل، مانع بروز و ظهور کامل آثار تربیتی برگرفته از عقیده به مهدویت در جامعه شیعی شده و لازم است این امر با توجه به آثار و فواید مهم آن، به شیوه‌ای اصیل و مطابق رهنمودهای دینی احیا گردد و در فرایند تربیتی جامعه استفاده شود؛ چرا که در واقع، با تبلور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در انسان، به تلازم آن، رابطه انسان با خدا اصلاح می‌شود و عبودیت و ایمان تحقق می‌یابد؛ در تنظیم رابطه خود با خود، معنویت و عقلانیت و کمال حاصل می‌شود؛ از طریق اصلاح روابط خود با دیگران، عدالت، امنیت و الفت پدید می‌آید و با اصلاح رابطه انسان با طبیعت، زمینه پیشرفت و توسعه و استفاده مفید از آن محیا می‌گردد. در نهایت، با رشد حاصل شده در ایمان و تعقل افراد و به عبارتی تربیت ایمانی و عقلانی آنان، جامعه‌ای متشکل از منتظران حقیقی و مهدوی شکل می‌گیرد.

هدف اصلی این اثر، شناساندن چنین رویکردی برای کاربردی کردن مباحث تربیتی مهدوی، جلوه‌گر ساختن آثار تربیتی آن به جهت روشن ساختن قابلیت این اعتقاد برای انسان‌سازی و جامعه‌سازی، ایجاد شوق و رغبت در متربیان برای منتظر حقیقی شدن، تأمل در ظرفیت والای این اعتقاد به عنوان نظریه تربیتی، و از طرف دیگر، بررسی دلایل

بروز و ظهور نیافتن آثار عملی این عقیده، متناسب با شأن علمی نظریه است. در این راستا با ترسیم برنامه بلندمدت تربیتی الهی و تربیتی مهدوی و تبیین زنجیره منظم و به هم پیوسته آن از قبل از غیبت تا پس از ظهور، تلاش شده است تصویری جامع از عقیده به مهدویت، تربیت مهدوی و آثار تربیتی برآمده از آن ترسیم شود.

این اثر، گامی ابتدایی در راستای تحقق این هدف است. لذا محققان محترم در آینده می‌توانند با تمرکز در هر دوره به طور عمیق‌تر و دقیق‌تر، راهکارها، آموزه‌ها و برنامه‌های تربیت مهدوی را تبیین کنند و شواهد تاریخی بیشتری را با جست‌وجوی بهتر، برای هر دوره ارائه دهند.

هم‌چنین پرداختن به موضوعات زیربنایی این موضوع نیز جهت عملیاتی شدن آن مؤثر خواهد بود. موضوعاتی از قبیل: چگونگی نظریه‌پردازی در تربیت اسلامی؛ چگونگی نظریه‌پردازی در تربیت مهدوی؛ راه‌های تدوین نظام تربیتی اسلام؛ راه‌های تدوین نظام تربیت مهدوی؛ چگونگی ترسیم و تدوین نظام جامع و کارآمد تربیت مهدوی؛ تجلی اندیشه لیبرالیسم، سوسیالیسم و... در فرهنگ جهانی و مقایسه آن با تبلور آثار عقیده به مهدویت در فرهنگ جهانی؛ چگونگی اثرگذاری عمیق و نه شعاری مهدویت در عرصه هنر؛ راه‌های فرهنگ‌سازی تربیت مهدوی در آثار هنری چون نمایشنامه، رمان و فیلم؛ راه‌های فرهنگ‌سازی تربیت مهدوی در عرصه اقتصاد، با الگوگیری از اقتصاد در حکومت حضرت؛ راه‌های فرهنگ‌سازی تربیت مهدوی در عرصه سیاست، با الگوگیری از سیاست در حکومت مهدوی؛ راه‌های فرهنگ‌سازی تربیت مهدوی در عرصه مسئولیت و خدمت، با الگوگیری از کارگزاران و یاران حضرت در جامعه پس از ظهور؛ راه‌های فرهنگ‌سازی تربیت مهدوی در عرصه برخورد حاکمان جامعه با مسئولان، با الگوگیری از روش‌های برخورد حضرت مهدی علیه السلام با کارگزاران حکومت؛ چگونگی اصلاح نگرش فلسفی به مقوله تربیت؛ چگونگی اصلاح نگرش فلسفی به مقوله اثرگذاری تربیتی عقیده به مهدویت؛ چگونگی ایجاد نگرش آرمان‌گرایانه برای اصلاح و تحول افراد جامعه با بهره‌گیری از امید و آرمان‌های انتظار؛ روش‌شناسی علمی در باب تربیت دینی و تربیت مهدوی؛ مبانی و اصول تربیت مهدوی و اولویت‌های آن؛ فلسفه تربیت مهدوی و بایدها و نبایدهای تربیتی؛ چرایی

و ضرورت تشکیل کرسی مهدی‌شناسی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها؛ ضرورت تحلیل عمیق از مباحث تربیتی به موازات مباحث فقهی؛ آسیب‌های تمرکز حوزه‌های علمیه بر مباحث فقه پژوهی و غفلت از غنا دادن به عرصه فرهنگ و تربیت؛ آسیب‌شناسی کتب نوشته شده در تاریخ زندگی امامان به عنوان مریبان برتر جامعه؛ چگونگی تحلیل عقلانی - اجتماعی و تخصصی از شخصیت ائمه علیهم‌السلام در علم تاریخ؛ ضرورت و چگونگی پرداخت عمیق به زوایای مختلف اندیشه و بینش و زندگی ائمه علیهم‌السلام در علم تاریخ؛ چرایی و آسیب‌های ناشی از مطرح بودن نظریه‌های افرادی چون هانتینگتون، تافلر، فوکویاما... در عرصه جهانی و ناشناخته بودن اعتقاد مشترک منجی؛ بررسی و راه‌های در دست گرفتن رهبری فکری و فرهنگی جهان توسط مکتب تشیع؛ ظرفیت و قدرت موجود در اندیشه مهدویت برای رهبری و هدایت جهان با توجه به ایجاد تصویر روشن و جذاب از آینده انسان و جهان. امید است از طریق علم و عمل، جزء معتقدان تربیت یافته حضرت مهدی علیه‌السلام باشیم.

منابع

فهرست كتب عربى

١. قرآن كريم، ترجمه: آية الله مكارم شيرازى.
٢. قمى، عباس، مفاتيح الجنان، انتشارات قدس، قم، ١٣٨٦.
٣. نهج البلاغه، انتشارات دار الهجرة، قم، بى تا.
٤. ابن ابى الحديد معتزلى، عبد الحميد، شرح نهج البلاغه، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، قم، ١٤٠٤ ق.
٥. ابن ابى الكرم، عز الدين ابوالحسن على (ابن الاثير)، الكامل فى التاريخ، دار صادر، بيروت، ١٣٨٥ ق.
٦. ابن بابويه قمى، محمد بن على بن حسين (شيخ صدوق)، الامالى، انتشارات كتابخانه اسلاميه، بى جا، ١٣٦٢.
٧. _____، عيون اخبار الرضا عليه السلام، انتشارات جهان، بى جا، ١٣٧٨.
٨. _____، كمال الدين و تمام النعمه، دار الكتب الاسلاميه، قم، ١٣٩٥ ق.
٩. ابن عربى، ابو عبدالله محيى الدين محمد، تفسير ابن عربى، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٢ ق.
١٠. ابن فارس بن زكريا، ابى الحسين احمد، معجم مقائيس اللغة، تحقيق: محمد عوض مُرعب و فاطمه محمد اصلان، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٢ ق.
١١. ابن منظور، لسان العرب، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٨ ق.

١٢. ابن واضح، احمد بن ابى يعقوب بن جعفر بن وهب، *تاريخ اليعقوبى*، جلد دوم، منشورات الشريف الرضى، بی جا، ١٤١٤ ق.
١٣. اربلى، على بن عيسى، *كشف الغمة*، مكتبة بنى هاشمى، تبريز، ١٣٨١ ق.
١٤. الاصفهاني، ابى الفرج، *مقاتل الطالبیین*، تحقيق: السيد احمد صقر، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٤١٩ ق.
١٥. امام جعفر صادق عليه السلام، *مصباح الشريعة*، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٠ ق.
١٦. امام حسن عسگرى عليه السلام، *تفسير امام عسكرى عليه السلام مدرسه امام مهدى عليه السلام*، قم، ١٤٠٩ ق.
١٧. ترمذى، ابى عيسى محمد بن عيسى بن سورة، *سنن الترمذى*، تحقيق: صدقى محمد جميل العطار، دار الفكر، بيروت، ١٤٢١ ق.
١٨. تميمى آمدى، عبدالواحد، *تصنيف غرر الحكم و درر الكلم*، دفتر تبليغات اسلامى، قم، ١٣٦٦.
١٩. تنكابنى، محمد بن سليمان، *قصص العلماء*، انتشارات علمى و فرهنگى، تهران، ١٣٨٩.
٢٠. الحاتمى، محمد محيى الدين عربى، *الفتوحات المكيّة فى معرفة الأسرار المالكيّة والملكيّة*، تحقيق: مكتب التحقيق بدار احياء التراث الاسلامى، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤١٨ ق.
٢١. حسيني استرآبادى، سيد شرف الدين، *تأويل الآيات الظاهرة*، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ١٤٠٩ ق.
٢٢. الحسينى الصدر، السيد على، *الامام المنتظر من ولادته إلى دولته*، انتشارات دليل ما، قم، ١٣٨٢.
٢٣. الحموى، ياقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، دار صادر، بيروت، ١٩٩٥ م.
٢٤. خزاز قمى، على بن محمد، *كفاية الأثر*، انتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ ق.
٢٥. الدينورى، ابو حنيفه احمد بن داود، *الأخبار الطوال*، تحقيق: عبدالمنعم عامر و جمال الدين شيال، منشورات الرضى، قم، ١٣٦٨ ق.
٢٦. الراغب الاصفهاني، ابوالقاسم الحسين بن محمد، *المفردات فى غريب القرآن*، تحقيق: صفوان عدنان داوردى، انتشارات ذوى القربى، قم، ١٤٢٤ ق.
٢٧. راوندى، قطب الدين، *الخرائج و الجرائح*، مؤسسه امام مهدى عليه السلام، قم، ١٤٠٩ ق.

٢٨. السجستاني، حافظ ابي داود سليمان بن الاشعث، سنن ابي داود، تحقيق: صدقي محمد جميل، دار الفكر، بيروت، ١٤٢٠ ق.
٢٩. السروي المازندراني، ابي جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب، مناقب آل ابي طالب، تحقيق: يوسف البقاعي، انتشارات ذوى القربى، بي جا، ١٤٢٧ ق.
٣٠. الشيرازي، السيد حسن، كلمة الامام المهدي، مؤسسة الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ ق.
٣١. صافي گلپايگاني، لطف الله، منتخب الأثر في الامام الثاني عشر، مكتب المؤلف، بي جا، بي تا.
٣٢. الصدر، السيد صدر الدين، المهدي، به اهتمام سيد باقر خسروشاهي، انتشارات حوزة علميه قم، ١٣٧٩.
٣٣. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، دفتر انتشارات جامعة المدرسين حوزة علمية قم، قم، ١٤١٧ ق.
٣٤. طبرسي، احمد بن علي، الاحتجاج، نشر مرتضى، مشهد، ١٤٠٣ ق.
٣٥. طبرسي، فضل بن حسن، اعلام الوري باعلام الهدى، دار الكتب الاسلامية، تهران، ١٣٩٠ ق.
٣٦. الطبري، ابو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الطبري، تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم، دار التراث، بيروت، ١٣٨٧ ق.
٣٧. الطوسي، ابي جعفر محمد بن الحسن، الغيبة، مؤسسه معارف اسلامي، قم، ١٤١١ ق.
٣٨. _____، الفهرست، المكتبة الرضوية، نجف، بي تا.
٣٩. العاملي، محمد بن الحسن (شيخ حرّ عاملي)، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات من الامام الثاني عشر، بي نا، بي جا، بي تا (نرم افزار موعود).
٤٠. _____، وسائل الشيعة، مؤسسه آل البيت، قم، ١٤٠٩ ق.
٤١. العكبري البغدادي، ابي عبدالله محمد بن النعمان (الشيخ المفيد)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، تحقيق: مؤسسه آل البيت، دار المفيد، بيروت، ١٤١٤ ق.
٤٢. _____، الرسالة الاولى في الغيبة، دار المفيد، قم، ١٤١٣ ق.
٤٣. _____، الفصول المختارة، كنگره شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.

۴۴. الفقيه الايماني، مهدي، الامام المهدي عند اهل السنة، المجمع العالمي لاهل البيت، قم، ۱۴۱۸ ق.
۴۵. القبانجي، السيد صدرالدين، الحركة الاصلاحية من الحسين الى المهدي، مؤسسة السيدة المعصومة، نجف، ۱۴۲۷ ق.
۴۶. قمي، علي بن ابراهيم بن هاشم، تفسير القمي، مؤسسة دار الكتب، قم، ۱۴۰۴ ق.
۴۷. كراجكي، ابو الفتح، كنز الفوائد، انتشارات دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
۴۸. كليني رازي، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي، دار الكتب الاسلامية، تهران، ۱۳۶۵.
۴۹. الكوراني العاملي، علي، المعجم الموضوعي لاحاديث الامام المهدي، مؤسسه تحقيقات و نشر معارف اهل البيت عليه السلام، بي جا، بي تا.
۵۰. الكوفي، ابو محمد احمد بن اعثم، الفتوح، تحقيق: علي شيري، دار الاضواء، بيروت، ۱۴۱۱ ق.
۵۱. مبارك، عبدالرحيم، في رحاب الامام المهدي عليه السلام، مجمع البحوث الاسلامية، مشهد، ۱۴۲۶ ق.
۵۲. مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بيروت، ۱۴۰۴ ق.
۵۳. النجاشي، احمد بن علي، رجال النجاشي، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۷ ق.
۵۴. النعماني، محمد بن ابراهيم، الغيبة، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
۵۵. نوري طبرسي، حسين، نجم الثاقب، علمية اسلامية، بي جا، بي تا.
۵۶. ورام، ابن ابي فراس، تنبيه الخواطر، مكتبة فقيه، قم، بي تا.
۵۷. الهيثمي الشافعي، شهاب الدين ابن حجر، القول المختصر في علامات المهدي المنتظر، بضعة المصطفى لاحياء التراث، قم، بي تا.
۵۸. يزدي حائري، علي، الزام الناصب في اثبات الحجّة الغائب، مكتبة الرضي، قم، بي تا.
۵۹. اليسوعي، الأب لويس معلوف، المنجد في اللغة والأدب و العلوم، المطبعة الكاثوليكية، بيروت، ۱۹۲۷ م.
- فهرست كتب فارسی
۶۰. احمدی، سيد احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲.
۶۱. ابن بابويه قمي، محمد بن علي بن حسين (شيخ صدوق)، من لا يحضره الفقيه، ترجمه: علي اكبر و محمدجواد بلاغي، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۷.

۶۲. امین اصفهانی، سیده نصرت، *مخزن العرفان فی تفسیر القرآن*، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱.
۶۳. امینی، ابراهیم، *اسلام و تعلیم و تربیت*، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۳.
۶۴. _____، *دادگستر جهان*، انتشارات شفق، قم، ۱۳۶۹.
۶۵. ای. پ. پطروشفسکی، *نهضت سریداران خراسان*، ترجمه: کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۱.
۶۶. باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، مؤسسه فرهنگی برهان و انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۳.
۶۷. تونه‌ای، مجتبی، *موعودنامه*، میراث ماندگار، قم، ۱۳۸۴.
۶۸. جعفری، سید حسین محمد، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه: سید محمدتقی آیت‌اللهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۶۹. جعفری، محمدتقی، *حیات معقول*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
۷۰. جمعی از نویسندگان حوزه، *چشم به راه مهدی*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.
۷۱. جمعی از نویسندگان، *نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی*، دبیرخانه دائمی اجلاس دو سالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی، تهران، ۱۳۷۹.
۷۲. جمعی از نویسندگان، *نگین آفرینش*، بنیاد فرهنگی موعود، تهران، ۱۳۸۳.
۷۳. جوادی آملی، عبدالله، *هدایت در قرآن*، انتشارات رجاء، تهران، ۱۳۶۳.
۷۴. حسینیان، روح‌الله، *چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
۷۵. حکیمی، محمد، *خورشید مغرب*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۷۶. خوانساری، محمد باقر، *روضات الجنات*، انتشارات اسماعیلیان، بی‌جا، بی‌تا.
۷۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶.
۷۸. _____، *فلسفه تعلیم و تربیت*، انتشارات سمت، قم، ۱۳۷۴.
۷۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیری در تربیت اسلام*، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۷۷.

۸۰. دوانی، علی، مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم از کتاب بحارالأنوار (علامه مجلسی)، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴.
۸۱. _____، نهضت روحانیون ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
۸۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲.
۸۳. الرازی، ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ترجمه: علی نقی منزوی، توس، تهران، ۱۳۷۶.
۸۴. رضوانی، علی اصغر، موعودشناسی، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۴.
۸۵. رنجبر، محمدعلی، مشعشعیان (ماهیت فکری - اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی)، نشر آگاه، تهران، ۱۳۸۲.
۸۶. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶.
۸۷. _____، دو قرن سکوت، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸.
۸۸. سعادت پور، علی، الحشوش المضحیه، مترجم: سید محمدجواد وزیری فرد، انتشارات احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰.
۸۹. سیف زاده، سید حسین، اصول روابط بین الملل، نشر دادگستر و نشر میزان، تهران، ۱۳۷۸.
۹۰. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۹۱. شفیع سرورستانی، ابراهیم، انتظار، بایدها و نبایدها، مؤسسه فرهنگی موعود و مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، تهران، ۱۳۸۳.
۹۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵.
۹۳. صدر، سید رضا، راه مهدی علیه السلام، به اهتمام: سید باقر خسروشاهی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱.
۹۴. صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، ترجمه: حسن سجادی پور، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۴.
۹۵. صفائی حائری، علی، رشد، انتشارات لیلة القدر، قم، ۱۳۸۵.
۹۶. عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوهها در تعلیم و تربیت، مرکز چاپ و انتشارات دفتر سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۱.
۹۷. عبدی پور، حسن، نقش اجتماعی انتظار، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶.
۹۸. عسکری، سیدمرتضی، معالم المدرستین، مترجم: محمدجواد کرمی، انتشارات دانشکده اصول الدین، قم، ۱۳۷۹.

۹۹. عمیدی، سیدنا مرهاشم حبیب، *در انتظار ققنوس؛ کاوشی در قلمرو موعودشناسی و موعود باوری*، مترجم: مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۹.
۱۰۰. فاطمی نیا، عبد الله، *فرهنگ انتظار*، رسائل، بی جا، ۱۳۸۵.
۱۰۱. فرهادیان، رضا، *مبانی تربیت*، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۵.
۱۰۲. فقیه ایمانی، مهدی، *اصالت مهدویت از دیدگاه اهل تسنن*، نویسنده، قم، ۱۴۱۸ ق.
۱۰۳. فووریه، ژوانس، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۶.
۱۰۴. فیرحی، داوود، *قدرت، دانش، مشروعیت در اسلام*، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۰۵. قزوینی، سید محمدکاظم، *امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور*، تحقیق: علی کرمی و سید محمد حسینی، الهادی، قم، بی تا.
۱۰۶. کارگر، رحیم، *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، بنیاد فرهنگی موعود، تهران، ۱۳۸۳.
۱۰۷. مجاهدی، محمد علی، *سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی*، مسجد مقدس جمکران، قم، بی تا.
۱۰۸. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، *صحیفه مهدیه*، دار التقلین، قم، ۱۳۸۱.
۱۰۹. محرمی، غلام حسین، *تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری*، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۵.
۱۱۰. محسنی کبیر، ذبیح الله، *مهدی علیه السلام آخرین سفیر انقلاب*، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۹.
۱۱۱. محمدبن خاوند شاه (میرخواند)، *تاریخ روضة الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء*، تصحیح: جمشید کیان فر، اساطیر، تهران، ۱۳۸۰.
۱۱۲. مطهری، مرتضی، *احیای تفکر اسلامی*، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۲.
۱۱۳. _____، *تعلیم و تربیت در اسلام*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۲.
۱۱۴. _____، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۷.
۱۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام*، مؤسسه امام علی علیه السلام، قم، ۱۳۷۶.

۱۱۶. ملک‌اوی، فتحی حسن، گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، مترجم: غلامرضا متقی فر و اسدالله طوسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۰.
۱۱۷. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، ایران نگین، قم، ۱۳۸۱.
۱۱۸. موسوی گیلانی، سید رضی، دکترین مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت موعود، تهران، ۱۳۸۴.
۱۱۹. نهاوندی، علی اکبر، حکایات عبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان، انتشارات تک سوار حجاز، مشهد، ۱۳۸۲.
۱۲۰. واحد تحقیقات مسجد جمکران، فرازهایی از توقیعات حضرت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۷.
۱۲۱. وثوقی، محمد باقر، اسناد و مکاتبات آیت‌الله سید عبدالحسین لاری، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- کتابهای اینترنتی
۱۲۲. تابنده، سلطان حسین، رساله رفع شبهات، انتشارات حقیقت، تهران، ۱۳۷۷ ش، تاریخ دسترسی: زمستان ۱۳۸۶، www.njavan.ir.
۱۲۳. شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، جلد دوم، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۵۲، www.shistu.org.
- پایان نامه‌ها
۱۲۴. اخلاقی، عبدالله، اصلاحات در حکومت حضرت مهدی علیه السلام، (کارشناس ارشد مرکز جهانی علوم اسلامی)، استاد راهنما: حسین علوی مهر، علی اکبر مهدی پور، ۱۳۸۳.
۱۲۵. تاجری نسب، غلامحسین، مهدویت در کتاب و سنت از دیدگاه امامیه و اهل سنت، (مقطع دکتری)، استاد راهنما: دکتر حجتی و دکتر مهدی زاده، ۱۳۷۷.
۱۲۶. مرتضایی، مریم، اندیشه مهدویت و نقش آن در سلامت روان، (کارشناس علوم روانشناسی)، دانشگاه پیام نور زرین شهر، ۱۳۸۴.
۱۲۷. مقصودی، مهری، بررسی رابطه بین انتظار ظهور و افسردگی، (کارشناس علوم تربیتی)، استاد راهنما: فرهاد رئیسی، دانشگاه پیام نور شهر کرد.

مقالات

۱۲۸. آذربایجانی، مسعود، «رابطه انتظار و بهداشت روان»، خلاصه مقالات چهارمین گفتمان مهدویت، بخش تدوین متون مؤسسه فرهنگی انتظار نور، قم، بی تا.
۱۲۹. آژند، یعقوب، «مذهب امامیه در قرن چهارم هجری»، مجله تاریخ اسلام، ش ۳، سال هشتم، مهر ۱۳۷۹.
۱۳۰. آقانهانی، مرتضی، «اهل بیت، مشتاق دیدار مهدی علیه السلام»، مجله موعود، ش ۶۷، سال دهم، شهریور ۱۳۸۵.
۱۳۱. «امام عصر و جنبش‌های مردمی»، قسمت دین و اندیشه سایت تبیان، ۱۳۸۲/۷/۱۹، www.Tebyan.net.
۱۳۲. بهروزلک، غلام‌رضا، «مباحث فلسفه سیاسی مهدویت و منجی گرایی»، باشگاه اندیشه مهدویت، ۱۳۸۶، www.mahdiforum.com.
۱۳۳. تورک اوغلو، منصور، «بابک قهرمان مبارزه با اشغالگران»، ۲۰۰۶/۹/۶ مطابق با ۱۵ شهریور ۱۳۸۵، سایت www.Ardabil information.htm؛ (این کتاب خلاصه‌ای از کتاب «بابک و نقد تاریخ‌نگاری» تألیف رسول رضوی است که انتشارات نشر امین تبریز در سال ۱۳۸۰ چاپ کرده است).
۱۳۴. جباری، محمدرضا، «از سازمان وکالت تا فقاقت»، مجله موعود، ش ۳۸، سال هفتم، خرداد و تیر ۱۳۸۲.
۱۳۵. _____، «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، فصلنامه انتظار، ش ۱، سال اول، پاییز ۱۳۸۰.
۱۳۶. جوادی آملی، عبدالله، مهدویت و عدل الهی (سخنرانی ایشان در دیدار با مسئولان فصلنامه انتظار)، فصلنامه انتظار، ش ۱۳، پاییز ۱۳۸۳.
۱۳۷. حسین‌زاده شانه‌چی، حسن، «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۱)»، مجله موعود، ش ۲۷، سال ششم، تابستان ۱۳۸۰.
۱۳۸. _____، (۲) و (۳)، _____، ش ۲۹ و ۳۰، سال ششم، اسفند ۱۳۸۰.

۱۳۹. حکیم، سید منذر، «جایگاه دکترین مهدویت در اسلام از منظر قرآن کریم»، فصلنامه انتظار، ش ۱۶، سال پنجم، ۱۳۸۴.
۱۴۰. رجبی، محمدحسن، «مدعیان دروغین در نهضت‌های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، سال پنجم، مهر و آبان ۱۳۷۹.
۱۴۱. رفیعی، سید جعفر، «سید بن طاووس»، مجله موعود، ش ۱۲، سال پنجم، بهمن و اسفند ۱۳۷۷.
۱۴۲. زاهد زاهدانی، سید سعید، «بهائیت، تقابل با اقتدار ملی ایران»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر (زمان)، ش ۶۱، سال ششم، مهر ۱۳۸۶.
۱۴۳. زمانی محجوب، حبیب، «باورداشت مهدویت و آثار آن در پیروزی مقاومت حزب‌الله»، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (جلد چهارم)، پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، زمستان ۱۳۹۳، www.brightfuture.ir.
۱۴۴. عبدی‌پور، حسن، «تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۵، سال دوم، پاییز ۱۳۸۱.
۱۴۵. کارگر، رحیم، «انقلاب اسلامی و فرهنگ انتظار»، فصلنامه انتظار، ش ۲، سال اول، زمستان ۱۳۸۰.
۱۴۶. مزروعی، علیرضا، «مسأله موعود، فلسفه‌ای رو به آینده»، سایت معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی (پژوه دین)، ۱۳۸۶، www.pajohe.ir.
۱۴۷. مشگان، هادی، «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سرداران»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی شیعه‌شناسی، ۱۳۹۲، www.shiastudies.net.
۱۴۸. موسوی‌نژاد، سید علی، نشست «بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در نخستین جنبش‌های شیعی»، سلسله نشست‌های علمی مهدویت در پژوهشکده مهدویت، آرشیو اندیشه سایت آینده روشن، ۱۳ دی ۱۳۸۴.
۱۴۹. «موعود اسلام»، روزنامه ابتکار، ش ۱۲۶۸، سال پنجم، مرداد ۱۳۸۷.
۱۵۰. میر هادی، سید مهدی، «اهداف تربیت»، ماهنامه پژوهشی وزارت آموزش و پرورش (تربیت)، سال نهم، ۱۳۷۲.

گزارش و اخبار مستند در سایت

۱۵۱. اسرافیلی، حسین، «آثار اعتقاد به مهدویت بر روی شعرا»، بخش فرهنگ و هنر سایت آینده روشن، بهمن ۱۳۸۵، www.bfnews.ir.
۱۵۲. «اعتقاد به مهدویت در تعابیر و ادبیات جنبش سرداران»، سایت کنگره بین‌المللی سرداران، ۱۶ آذر ۱۳۹۳، www.sarbedaran.nsu.ac.ir.
۱۵۳. پوریانی، محسن، «تأثیر وقایع بر نام‌گذاری ایرانیان»، نشر سازمان ثبت احوال کشور، تهران، ۱۳۸۴، گزارش در سایت عصر ایران، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۷، www.asriran.com.
۱۵۴. تشریف‌یافتگان، بخش مهدویت سایت تبیان، ۲۹ شهریور ۱۳۸۴، www.tebyan.net.
۱۵۵. جعفریان، رسول، «سندی درباره مسجد جمکران در دوره صفوی»، سایت مرکز مطالعات شیعه‌شناسی، www.shistu.org.
۱۵۶. فراوانی نام‌گذاری، سایت سازمان ثبت احوال کشور، زمستان ۱۳۹۳، www.sabteahval.ir.
۱۵۷. کافی، غلامرضا، «مهدویت و شعراء»، بخش فرهنگ و هنر سایت آینده روشن، ۸ بهمن ۱۳۸۵، www.bfnews.ir.
۱۵۸. «ویژگی‌های نهضت شیعی سرداران»، سایت نهضت سرداران سبزوار، ۱۳ تیر ۱۳۹۲، www.sarbedaranesabzevar.blogfa.com.

نرم‌افزار

۱۵۹. جامع الاحادیث، نسخه ۲/۵، کتابخانه احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.
۱۶۰. موعود، کتابخانه تخصصی حضرت مهدی علیه‌السلام، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان.
۱۶۱. CD مرجع مهدویت، بنیاد فرهنگی موعود و پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی پارسا.
۱۶۲. نور السیرة (۲)، جامع منابع تاریخ اسلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم.